روزنامه سراسری اقتصادی، اجتماعی
شنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۴
۲۴ رمضان ۱۴۴۷ | ۱۴ مارچ ۲۰۲۶
شماره ۸۸۰
۸۰۰۰ تومان

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir

چشم‌انداز بیمه تکمیلی در ۱۴۰۵

صفحه ۰۸

رفتارشناسی مردم در جنگ

هراس بورس از سقف تاریخی

امضای قراردادها بزرگ‌ترین طرح

اوسمار به جوان‌ها اعتماد می‌کند؟

بهره‌وری همه چیز است

دکتر مهراب کیارسی
استاد اقتصاد دانشگاه اتاوا

تولید ناخالص داخلی (GDP) شاید مهم‌ترین شاخص اندازه و سلامت کلی یک اقتصاد باشد. برای اندازه‌گیری پیشرفت کشورها در طول زمان، اقتصاددانان معمولا بر تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه تمرکز می‌کنند. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه از کجا می‌آید؟ اقتصاددانان رشد بهره‌وری را عامل اصلی و بلندمدت رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه می‌دانند. همان‌طور که برنده جایزه نوبل، پال کروگمن، در کتاب خود عصر انتظارات کاهش‌یافته (۱۹۹۷) اشاره می‌کند: «بهره‌وری همه چیز نیست، اما در بلندمدت تقریبا همه چیز است.»

جایزه نوبل اقتصاد امسال به سه اقتصاددان-جوئل موکیر (نصف جایزه) و فیلیپ آگیون و پیتر هاویت (هر کدام یک‌چهارم)- اهدا شد که کارشان، همراه با مقاله پیشگامانه پل رومر در سال ۱۹۹۰ (رومر جایزه نوبل ۲۰۱۸ را بابت آن دریافت کرد)، در سه تا چهار دهه اخیر درک ما از منشأ رشد مدرن و چگونگی شکستن هزاران سال رکود در رفاه و دستیابی به افزایش پایدار تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه را به طور چشم‌گیری ارتقا داده است.

سوال اصلی اقتصاد ایران امروز این است که چگونه می‌توان رشد پایدار را محقق کرد و رفاه جمعیت را افزایش داد. البته، این سوال بسیار پیچیده است و برای بررسی درست آن به حداقل ده‌ها و بلکه صدها صفحه نیاز است. با این حال، من در اینجا بر اساس دانش و درک خودم از این حوزه و مطالعات مربوطه، چند سرنخ ارائه می‌کنم. تحلیل دقیق ادبیات و داده‌هایی که برای اقتصاد ایران به آنها ارجاع داده‌ام، در مقاله موجود در صفحه گوگل من قابل دسترسی است.

بسیاری از ایرانیان-هم اقتصاددانان و هم غیر اقتصاددانان- اعتقاد دارند که عامل اصلی جلوگیری از رشد اقتصاد ایران، تحریم‌هاست و به همین دلیل ایران نمی‌تواند به درستی رشد کند یا توسعه پایدار داشته باشد. اما این باور نادرست است و در تضاد کامل با دانش پیشرفته اقتصاد رشد قرار دارد. البته تحریم‌ها تاثیر منفی و قابل‌توجهی بر اقتصاد ایران داشته‌اند، همان‌طور که در نوشته خودم که در بالا اشاره شده است، آثار آن را می‌توان در عملکرد رشد اقتصادی ایران در طول ۱۵سال گذشته دید. اما مشکلات اصلی جای دیگری است.

ایالات متحده در ادبیات رشد به عنوان مرز پیشرفت در نظر گرفته می‌شود؛ به این معنا که برای بیشتر قرن گذشته، پیشرو در رشد بهره‌وری و نوآوری بوده و همچنین طی ۱۰۰سال گذشته به‌طور مداوم بالاترین تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه را در میان اقتصادهای پیشرفته داشته است. فرض کنید بخواهیم به این سوال پاسخ دهیم: عوامل اصلی توضیح‌دهنده پایین بودن درآمد واقعی سرانه ایران نسبت به آمریکا چیست؟ به عبارت دیگر، ایران برای دستیابی به همان سطح درآمد سرانه آمریکا چه کارهایی باید انجام دهد؟

برای پاسخ به این سوال، اقتصاددانان رشد، روش‌شناسی‌ای به نام «حسابداری توسعه» بسط داده‌اند که بررسی می‌کند، آیا تفاوت در تولید ناخالص داخلی سرانه ناشی از تفاوت در سرمایه فیزیکی، نیروی کار یا چیزی به نام بهره‌وری کل عوامل (TFP) است؛ بخشی از تفاوت که با نیروی کار و سرمایه به تنهایی توضیح داده نمی‌شود.

با استفاده از یکی از مهم‌ترین مجموعه داده‌ها در اقتصاد رشد -جدول جهانی پن (Penn World Table) یا PWT- تلاش کرده‌ام به این سوال برای اقتصاد ایران پاسخ دهم. این پایگاه داده که به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد، برآوردهایی از تولید ناخالص داخلی واقعی، بهره‌وری و موجودی سرمایه بیش از ۱۸۰کشور از سال ۱۹۵۰ تاکنون ارائه می‌دهد. این مجموعه داده ابتدا در دانشگاه پنسیلوانیا و با استفاده از روش‌های قدرت خرید همسان (PPP) توسعه‌یافته و اهمیت آن در این است که امکان مقایسه دقیق عملکرد اقتصادی و سطح زندگی بین کشورها را بدون تحریف نرخ ارز فراهم می‌کند و از تحقیق تجربی دقیق در اقتصاد رشد، تحلیل سیاست‌ها و توسعه بین‌المللی پشتیبانی می‌کند.

نتایج حسابداری توسعه نشان می‌دهد که برخلاف باور بسیاری، سرمایه فیزیکی-سرمایه‌گذاری- تقریبا هیچ نقشی در توضیح فاصله گسترده درآمد سرانه بین ایران و آمریکا طی سه دهه گذشته ندارد. حدود ۳۰ تا ۴۰درصد از این فاصله به واسطه سرمایه انسانی قابل توضیح است و باقی آنکه ناشی از بهره‌وری کل عوامل است. نقش TFP به‌ویژه در ۱۰ تا ۱۵سال گذشته افزایش یافته و اکنون حدود ۷۰درصد تفاوت درآمد سرانه بین دو کشور در سال ۲۰۲۳ را توضیح می‌دهد.

سوال مهم این است که چه چیزی این تفاوت بزرگ در بهره‌وری کل و سرمایه انسانی را توضیح می‌دهد. ابتدا توجه داشته باشید که معیارهای سرمایه انسانی بر اساس سطح تحصیلات گروه‌های مختلف جمعیت است و کیفیت سرمایه انسانی را که عامل بسیار مهمی است، اندازه نمی‌گیرد. اگر این مساله به درستی لحاظ شود-که به دلیل کمبود داده‌های قابل اعتماد و ذاتا ذهنی بودن موضوع دشوار است- نقش سرمایه انسانی در توضیح این تفاوت احتمالا به طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد. در واقع، کیفیت سرمایه انسانی و بهره‌وری کل به شدت با یکدیگر مرتبط هستند.

در اینجا است که مهم‌ترین بینش ادبیات رشد در ۲۵-۲۰سال گذشته مطرح می‌شود. نکته محوری این بینش کلیدی این است که تخصیص نادرست در سطح خرد، در نهایت به تفاوت‌های بهره‌وری در سطح کلان منجر می‌شود و باعث زیان‌های بزرگ تولید، به‌ویژه در اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته مانند ایران می‌شود.

سال‌های دور از «کار»

طبق آمار، تنها ۴۹.۳ درصد از دانش‌آموختگان سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ شاغل بوده‌اند....

صفحه ۲

راز شلوغی پاییز «شمال»

همین موضوع سبب شده تا مشابه تابستان، شاهد ترافیک سنگین در جاده‌های منتهی به شمال...

صفحه ۴

کارآفرینی بدون کارخانه

کار آنها فقط طراحی، برندسازی و فروش است. این روش هزینه تولید را برای این شرکت‌ها کاهش می‌دهد....

صفحه ۶

رفتارشناسی مردم در جنگ

کریم حسن پور - رفتار تهرانی‌ها هنگام حملات هوایی، در یک نظرسنجی از گروهی از شهروندان، بررسی شد. «دنیای‌اقتصاد» در این نظرسنجی، دو پرسش مرتبط با «میزان آگاهی عمومی از پدافند غیرعامل» و همچنین «امکانات در دسترس برای پناه‌گیری» را محور قرار داد.

در ایام جنگ فعلی به‌ویژه در هفته ابتدایی جنگ شهرهای مورد حمله هوایی از جمله تهران شاهد رفتارهای پرخطر محسوسی از سمت گروهی از شهروندان بود، به‌نحوی‌که بخشی از شهروندان با قرارگرفتن در کنار پنجره‌ها و حضور در پشت‌بام‌ها تلاش داشتند تا حرکت جنگنده‌ها در فراز آسمان را رصد کرده و ستون دود ناشی از انفجارها را رویت کنند. این صحنه‌ها این پرسش را ایجاد کرد که شهروندان در شهری همانند تهران که شاهد بیشترین حملات هوایی در این زمان بوده تا چه میزان نسبت به اصول و فنون پدافند غیرعامل یا به‌عبارتی انجام اقداماتی که به کاهش خطر اصابت پرتابه‌ها می‌انجامد، آگاه بوده و درصورت اطلاع، آیا قادر به انجام آن هستند یا خیر؟ در این‌خصوص نظرسنجی از حدود ۱۰۰شهروند تهرانی انجام شد که نشان‌داد درحالی‌که اغلب شهروندان پارکینگ‌های منفی را به‌عنوان نقاط امن ساختمان‌ها می‌شناسند، اما به‌دلایلی نظیر نداشتن فرصت و به‌صدا درنیامدن آژیر خطر امکان پناه‌گیری را از دست می‌دهند.

در چنین شرایطی شناخت نقاط داخلی هر واحد مسکونی و غیرمسکونی و اصول پناه‌گیری در آن می‌تواند جان بسیاری از شهروندان را نجات دهد. رسول احمدی، عضو هیات‌علمی بخش مهندسی سازه و ابنیه فنی مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی در گفت‌وگو با «دنیای‌اقتصاد» بهترین نقاط برای پناه‌گیری در ساختمان‌ها و خیابان‌ها در زمان بحران یعنی امن‌ترین و در دسترس‌ترین گزینه‌ها را معرفی می‌کند، اگرچه به‌صدا درنیامدن آژیر خطر پیش از حمله هوایی فرصت پناه‌گیری در مناطق امن نظیر پارکینگ‌های منفی و ایستگاه‌های مترو را از افراد سلب کرده، اما هر ساختمان مسکونی و همچنین واحد مسکونی نقاط امنی دارد که پناه گرفتن در آنها می‌تواند احتمال بروز خطر را به حداقل برساند.

پناه‌گیری در حاشیه

۲ هفته از آغاز مجدد حملات رژیم صهیونیستی و ایالات‌متحده آمریکا به ایران می‌گذرد، در این زمان شهرها و روستاهای مختلف کشور آماج حملات هوایی و موشکی قرارگرفته‌اند و این جنگ به تخریب بخشی از منازل مسکونی یا آسیب به آنها منجر شده‌است، با این وجود همچنان بخش عمده‌ای از شهروندان اطلاع کاملی درباره نکات ایمنی ندارند. عدم‌توجه به رعایت نکات ایمنی را می‌توان در رفتارهای پرخطری نظیر حضور در پشت‌بام یا کنار پنجره برای دیدن محل انفجار و دود حاصل از آن یا رصد حرکت جنگنده‌ها بر فراز آسمان شهر مشاهده کرد. «دنیای‌اقتصاد» با نظرسنجی از حدود ۱۰۰ شهروند ساکن تهران در مناطق مختلف شهر میزان توجه به رعایت نکات ایمنی در زمان حمله هوایی را مورد ارزیابی قرارداد. علت انتخاب شهروندان تهرانی در این نظرسنجی، شدت حملات در پایتخت و در دسترس‌بودن افراد و لزوم انجام حضوری نظرسنجی به‌دلیل محدودیت‌های فعلی در دسترسی به اینترنت بود.

نتیجه نظرسنجی نشان از آن داشت که پناه‌گیری در نقاط امن در زمان حمله هوایی در شهری همانند تهران در جنگ اخیر در حداقل ممکن قرار دارد و در بهترین شرایط افراد تنها از پنجره‌ها فاصله گرفته و انجام همین نکته را برای حفظ جان خود کافی می‌دانند. در عین‌حال تنها حدود ۱۰درصد افراد شرکت‌کننده درنظرسنجی از پناه‌گیری در نقطه امن در ساختمان محل زندگی خود در زمان حمله هوایی یا رفتن به پارکینگ‌های منفی خبر دادند، همچنین ۵۰درصد دیگر دورشدن از پنجره‌ها را برای پناه‌گیری در زمان حمله هوایی کافی می‌دانستند. در عین‌حال مابقی افراد شرکت‌کننده در این نظرسنجی(۴۰درصد) به‌رغم تایید خطرات احتمالی نادیده‌گرفتن خطر در زمان حمله هوایی از عدم‌پناه‌گیری در زمان خطر گفتند که این افراد به شکل کلی به دو گروه تقسیم می‌شدند، افرادی که در زمان حملات بدون‌توجه به صدای انفجارها به‌کار خود ادامه داده و افرادی که در چنین بحرانی به‌سرعت در کنار پنجره حاضر شده یا به پشت بام می‌روند تا از محل انفجار مطلع شوند.

تقریبا تمامی افراد شرکت‌کننده در این نظرسنجی از امنیت بالاتر در طبقات منفی ساختمان‌ها مطلع بودند، اما استفاده از این گزینه را چندان مقدور نمی‌دانستند. به صدا درنیامدن آژیر خطر پیش از حمله هوایی و نداشتن زمان برای رفتن به پارکینگ‌های منفی از دلایل اصلی افراد برای درخانه ماندن و تنها فاصله‌گرفتن از پنجره‌ها عنوان شد. در عین‌حال بخشی از افراد از نبود پارکینگ منفی امن در محل سکونت خود خبر دادند و بنابراین تمامی این افراد تنها گزینه مقدور در شرایط کنونی را دورشدن از پنجره می‌دانستند که آن را اجرایی می‌کنند. این در حالی است که هر آپارتمانی نقاط امنی دارد که ضروری است اعضای ساکن در آن واحد، این نقاط را شناسایی کرده و در زمان حمله هوایی در آن مناطق پناه گیرند، با این‌وجود عدم‌اطلاع‌رسانی و آموزش کافی باعث‌شده تا اغلب از این موضوع و امکان افزایش ایمنی در زمان بحران بی‌اطلاع باشند.

البته برخی نیز عنوان داشتند که به‌دلیل داشتن فرزند خردسال و به‌دلیل جلوگیری از وحشت تلاش دارند تا شرایط را عادی جلوه داده و پناه‌گیری به‌نوعی باعث ایجاد دلهره در کودکان می‌شود. گروهی دیگر از افراد دوربودن محل سکونت خود از نقاطی که هدف اصلی حملات هستند را عامل نترسیدن و عدم‌رعایت نکات ایمنی عنوان کردند. به هر ترتیب به‌نظر می‌رسد که در طول جنگ ۱۲روزه(حملات خرداد) مردم تنها با بخشی از اصول ایمنی که پارکینگ‌های منفی و مترو را به‌عنوان پناهگاه مناسب معرفی می‌کرد، آشنا شده‌اند و در این جنگ به‌دلیل عدم‌هشدار قبلی، این پناهگاه‌ها چندان قابل‌استفاده نیستند. در چنین شرایطی جای خالی آموزش صحیح شناسایی نقاط امن ساختمان به‌شدت مشاهده می‌شود. «چسب‌زدن به پنجره‌ها برای جلوگیری از پخش‌شدن خرده‌ریزه‌های شیشه در صورت اصابت موج انفجار» یکی از توصیه‌های اصلی در زمان جنگ کنونی است که نقاط مختلف شهر آماج حملات هوایی قرار دارد، پس از روز شنبه نهم اسفند که کشور مورد حملات هوایی شدیدی در بسیاری از شهرهای کشور قرارگرفت، بخشی از خانواده‌ها نسبت به تهیه چسب پهن و نصب آن به شیشه‌های خود اقدام کردند، به‌نحوی‌که در برخی مغازه‌های محلی کمبود چسب پهن شکل‌گرفت.

با توجه به توصیه‌های متعدد درخصوص لزوم نصب چسب پهن بر شیشه‌ها، از ۳۰۰ شهروند مورد بررسی تنها حدود ۴۰درصد نسبت به ایمن‌سازی پنجره‌ها با چسب‌زدن اقدام کرده‌اند که بخش قابل‌توجهی از آنها نیز پس از اصابت انفجاری نسبتا نزدیک به محل زندگی خود و لرزش شدید در و پنجره به اهمیت این موضوع پی‌برده‌اند. مابقی افراد به‌رغم شنیدن توصیه‌های لازم، ضرورتی در اجرای این کار نداشتند. به‌نظر می‌رسد که بخشی از این افراد را کسانی تشکیل می‌دهند که به هر علتی جنگ و صدمات احتمالی آن را جدی ارزیابی نکرده‌اند، بخشی دیگر افرادی هستند که معتقدند شیشه‌های قدیمی با صدای انفجار می‌شکست و احتمال شکستن شیشه دوجداره بسیار پایین است و گروه دیگر شامل افرادی می‌شود که تنها خطر موج انفجار برای شیشه را خردشدن آن دانسته و از احتمال عملکرد خرده‌شیشه به‌عنوان یک ترکش خطرناک در زمان انفجار بی‌اطلاع هستند. این نظرسنجی با صحبت با حدود ۱۰۰ شهروند ساکن تهران تهیه شده که در زمره همکاران، اقوام و تعدادی از دیگر شهروندان که به شکل تصادفی انتخاب شدند، انجام گرفته‌است.

نتیجه نظرسنجی نشان از آن داشت که پناه‌گیری در نقاط امن در زمان حمله هوایی در شهری همانند تهران در جنگ اخیر در حداقل ممکن قرار دارد و در بهترین شرایط افراد تنها از پنجره‌ها فاصله گرفته و انجام همین نکته را برای حفظ جان خود کافی می‌دانند.

کجای آپارتمان پناه بگیریم؟

دکتر رسول احمدی، عضو هیات‌علمی بخش مهندسی سازه و ابنیه فنی مرکز تحقیقات راه مسکن و شهرسازی در گفت‌وگو با «دنیای‌اقتصاد» امن‌ترین نقاط ساختمان‌ها و معابر برای پناه‌گیری را شرح داد، وی می‌گوید: طبقات منفی ساختمان‌ها گزینه مناسبی برای پناه‌گیری در زمان انفجار هستند، اما از آنجاکه در شرایط کنونی پیش از وقوع انفجار آژیر خطر به‌صدا درنمی‌آید و حتی اگر ساختمان‌ها پارکینگ منفی مناسبی نیز داشته‌باشند، اغلب شهروندان فرصت رفتن به طبقات منفی ساختمان را ندارند، ضروری است تا هر فرد امن‌ترین و در دسترس‌ترین گزینه برای پناه‌گیری در واحد محل سکونت خود را شناسایی کند و در زمان وقوع خطر در آن نقطه پناه بگیرد. احمدی که دکترای عمران در گرایش سازه از دانشگاه علم و صنعت ایران را دارد، ادامه‌داد: در حال‌حاضر عمده آپارتمان‌های چند طبقه در شهرها به شکل اسکلت فولادی یا بتن‌آرمه اجرا شده‌اند. اگر ساختمانی که در آن زندگی می‌کنید از نوع بتن‌آرمه با دیوار بتن‌آرمه باشد، قرارگرفتن در کنار دیوار بتن آرمه‌ای که از پنجره فاصله دارد، بهترین گزینه برای پناه‌گیری است، اما در ساختمان‌های با اسکلت فلزی یا ساختمان اسکلت بتن‌آرمه بدون دیوار بتن آرمه، ستون‌های میانی ساختمان اولویت اصلی برای پناه‌گیری هستند. اگر در واحد مسکونی ستون میانی پیدا نشد، ستون محیطی که پنجره‌ای در نزدیکی خود ندارد گزینه مناسب برای پناه‌گیری است. شهروندان باید توجه داشته‌باشند که ستون میانی با ستون گوشه متفاوت است و در شناسایی نقطه امن محل سکونت خود دقت‌نظر داشته‌باشند. برای امن‌ترشدن موقعیت پناه‌گیری بهتر است که یک میز همانند میز ناهارخوری یا چند میز کوچک‌تر در کنار ستون میانی ساختمان قرار گیرد و در زمان وقوع انفجار تمامی اعضای خانواده در زیر میز پناه گیرند. با پناه‌گیری در چنین شرایطی احتمال وقوع حادثه در هنگام بروز خطر به حداقل می‌رسد.

رسول احمدی درخصوص امنیت پناه‌گیری در حمام یا سرویس بهداشتی فاقد پنجره گفت: پنجره‌ها به‌دلیل احتمال خردشدن و پرت‌شدن شیشه خطرناک‌ترین نقاط هر ساختمان هستند و بنابراین هر نقطه‌ای از ساختمان که بتواند مهارکننده پرتاب خرده شیشه باشد، از این نظر امن شمرده می‌شود، اما به لحاظ سازه‌ای بیشترین امنیت در ستون میانی ساختمان وجود دارد، بنابراین بهترین نقطه ستون میانی است که از پنجره دور باشد. حتی اگر جهت ستون میانی به‌نحوی است که روبه‌روی پنجره است، با یک وسیله‌ای از جنس چوب می‌توان از پرتاب احتمالی تکه شیشه به محل پناه‌گیری ممانعت کرد.

وی ادامه‌داد: چاله‌های آسانسور و حتی دیواره‌های آنها در زمان انفجار به‌شدت خطرناک هستند و باید از آن دوری کرد، اما دیوار داخلی راه پله‌ای که پنجره نداشته‌باشد جزو نقاط امن ساختمان شمرده می‌شود. این عضو هیات‌علمی مرکز تحقیقات راه مسکن و شهرسازی درخصوص پناه‌گیری در خیابان در زمان حمله هوایی نیز گفت: مترو امن‌ترین نقطه برای پناه‌گیری در خیابان‌ها است؛ بنابراین اگر نزدیک ایستگاه مترو باشید، می‌توانید در آن پناه بگیرید. زیر نیمکت در ایستگاه‌های اتوبوس بی‌آرتی یا درازکش داخل ایستگاه به‌دلیل فاصله از ساختمان‌ها در زمره نقاط امن قرار دارد. درصورتی‌که شهروندان نقطه امنی برای پناه‌گیری در خیابان نیافتند، داخل جوی‌ها به شکل چمباتمه نشسته و دست خود را بر روی سر و گردن حائل کنند تا آسیبی به این نواحی نرسد، اما داخل خودرو در زمان حمله هوایی ایمن نیست. خودرو شیشه‌های متعددی دارد و امکان عبور ترکش از خودرو وجود دارد، بنابراین بهترین گزینه پارک‌کردن و پناه‌گرفتن زیر خودرو است، البته لزومی ندارد زیر خودروی خود پناه گیرید و بهتر است در زیر خودرویی که از قبل پارک‌شده و خنک است، پناه گیرید.

روزنامه مرز اقتصاد ۲
www.marzeghtesad.ir
شنبه ۲۳ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۰
www.marzeghtesad.ir

مقاومت مسکن در برابر کاهش قیمت

نایب رئیس دوم اتحادیه مشاوران املاک تهران گفت: با وجود رکود در بازار، قیمت مسکن در برابر کاهش مقاومت می‌کند و تا به امروز افت قیمت گسترده نداشته ایم.

داود بیگی‌نژاد با بیان اینکه ممکن است برخی افراد بتوانند زیر قیمت منطقه اقدام به خرید ملک کنند، افزود: شرایط در بازار به گونه‌ای است که خریداران از قدرت چانه‌زنی بالاتری برخوردارند.

وی اظهار داشت: آمار جدیدی از معاملات ملکی از سوی دستگاههای نظارتی بازار مسکن ارایه نشده است و از این رو میانگین نرخ هایی که به عنوان قیمت در مناطق مختلف مطرح می شود، قابل استناد نیست زیرا نمی توان با قطعیت گفت که چه تعداد قرارداد با چه قیمت هایی منعقد شده است.

بیگی‌نژاد درباره رعایت سقف تعیین شده برای افزایش نرخ اجاره بها در سال جاری نیز گفت: این سقف قیمتی برای واحدهایی که به دنبال تمدید اجاره نامه هستند، تا حدود زیادی رعایت می شود اما برای قراردادهای جدید تابع توافق مالک و مستاجر است.

در سال‌های گذشته نرخ درصد افزایش اجاره بها به صورت دستوری بین ۲۰ تا ۲۵ درصد تعیین و به کل کشور ابلاغ می‌شد اما طبق مصوبات جلسه شورای عالی مسکن ۲۴ فروردین‌ماه امسال، مقرر شد این موضوع استانی بوده و در شورای مسکن هر استان و مطابق نرخ تورم هر استان تصمیم‌گیری و تایید شود.

نایب رئیس دوم اتحادیه مشاوران املاک تهران درباره وضعیت ساخت و ساز در پایتخت نیز اظهار داشت: به دلیل افزایش قیمت تمام شده ساخت، سازندگان تا واحدهای خود را نفروشند، قادر به آغاز پروژه های جدید ساختمانی نیستند. بیگی نژاد، خروج کارگران اتباع بیگانه از بازار کار صنعت ساختمان و افزایش دستمزد کارگران روزمرد را مورد اشاره قرار داد و افزود: به‌طور متوسط دستمزد کارگران روزمزد نسبت به سال گذشته ۲ برابر شده و بر کاهش ساخت و سازها اثر گذاشته است.

۱۷ میلیون بطری آب معدنی در ۹ مرز اربعینی توزیع می‌شود

رئیس ستاد فرمان اجرایی امام با اشاره به گرمای هوا، گفت: ستاد اجرایی فرمان امام در ۹ مرز ورودی و خروجی کشور ۱۷ میلیون بطری آب معدنی بین زائران توزیع می‌کند.

پرویز فتاح رئیس ستاد اجرایی فرمان امام در جریان بازدید از زیرساخت‌های ایجاد شده در مرز مهران توسط ستاد اجرایی فرمان امام اظهار کرد: امسال خدمات این نهاد در مرزهای مهران، خسروی، شلمچه، چزابه، تمرچین، باشماق، بازرگان، ریمدان و میرجاوه در حوزه‌های زیرساختی، تأمین مواد غذایی و آشامیدنی، خدمات درمانی، حمایت از زائران و همکاری با گروه‌های جهادی انجام می‌شود.

وی با اشاره به توسعه خدمات زیرساختی و خدمات رفاهی این نهاد در مرزهای ورودی و خروجی کشور گفت: فضایی ۵ هکتاری به عنوان پایگاه برکت الحسین در مرز مهران شامل انبار و سردخانه ۲۴۰۰ تنی و محلی برای پشتیبانی از خدمت به زائران اربعین ایجاد شده است.

فتاح با اشاره به گرمای هوا و تدابیر اندیشیده شده توسط این ستاد افزود: ستاد اجرایی فرمان امام در ۹ مرز ورودی و خروجی کشور ۱۷ میلیون بطری آب معدنی بین زائران توزیع می‌کند، همچنین ۵ کارخانه یخ سیار آماده شده که ۳۵ هزار قالب یخ در ایام اربعین تولید خواهد کرد.

وی ادامه داد: تأمین مواد غذایی مورد نیاز برای توزیع ۲ میلیون پرس غذای گرم در دستور کار قرار گرفت، همچنین دو دستگاه نانوایی سیار به جهت پخت روزانه ۶۰ هزار قرص نان و یک آشپزخانه سیار با ظرفیت پخت ۷ هزار پرس غذا به صورت روزانه در مرز مهران ایجاد شده است.

همچنین به طور ویژه در مرز خسروی آشپزخانه‌ای دائمی راه‌اندازی شده است که روزانه بیش از ۵ هزار پرس غذای گرم طبخ می‌کند.

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام درباره خدمات ویژه درمانی این ستاد در ایام اربعین گفت: مجهزترین بیمارستان سیار ۹۲ تختخوابی کشور در عمود ۹۸۹ با ۱۷۵ نیروی پزشکی و درمانی در حوزه‌های ارتوپدی، مغز و اعصاب، قلب، زنان، بیهوشی، طب سنتی، اطفال، طب اورژانس، داخلی، عفونی، نورولوژی و رادیولوژی آماده خدمت‌رسانی به زائران حسینی است.

فتاح در ادامه تصریح کرد: یک مرکز تخصصی درمانی سیار ۲۰ تختخوابی و ۲ واحد درمانگاه سیار نیز در مرز مهران ایجاد شده است. همچنین با راه‌اندازی سامانه تلفنی ۴۰۳۰ مشاوره خدمات بهداشتی و درمانی در مسیر پیاده‌روی اربعین با همکاری جمعیت هلال احمر انجام خواهد شد. علاوه بر این از ۲۰ موکب درمانی در مسیر زائران، حمایت دارویی و درمانی شده است.

سید پرویز فتاح از اعزام ۲۴ هزار زائر مناطق محروم در اربعین امسال به عتبات عالیات خبر داد و گفت: ستاد اجرایی فرمان امام این تعداد از افراد نیازمند مناطق محروم را حمایت خواهد کرد تا در ایام نورانی اربعین به عتبات عالیات مشرف شوند.

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام گفت: حمایت از زائران حسینی در ایام اربعین با همکاری ۷۰۰ نیروی جهادی و ۶۰۰ موکب و گروه مردمی انجام خواهد شد.

سال‌های دور از «کار»

مریم لطفی - با وجود هزینه‌های انجام‌شده در آموزش عالی در ایران، آمارها نشان از پایین بودن نرخ اشتغال جوانان تحصیل‌کرده در بازار کار دارند.

طبق آمار، تنها ۴۹.۳ درصد از دانش‌آموختگان سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ شاغل بوده‌اند که این میزان در مقایسه با متوسط ۸۴ درصدی کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) در سال ۲۰۲۴، اختلاف چشم‌گیری دارد. علاوه بر این، افراد دارای مدرک دانشگاهی با تاخیر وارد بازارکار شده و ثبات شغلی خود را دیرتر و حدود سن ۲۸ سالگی پیدا می‌کنند. درحالی‌که افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی از حدود سن ۲۱ سالگی وارد بازار کار می‌شوند. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی به عوامل موثر بر اشتغال پایین جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی پرداخته است. تناسب حداقلی میان تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با تقاضای بازارکار، پایین بودن مهارت شغلی، ضعف در فرآیند شغل‌یابی و طولانی بودن دوره تحصیل و انعطاف حداقلی برنامه تحصیلی از جمله عوامل موثر بر کاهش اشتغال‌پذیری جوانان در بازار کار هستند.

با وجود هزینه‌های انجام‌شده در آموزش عالی در ایران، آمارها نشان از پایین بودن نرخ اشتغال جوانان تحصیل‌کرده در بازار کار دارند. این در حالی است که یکی از اهداف ادامه تحصیل در مقاطع دانشگاهی، بهبود سرمایه انسانی به امید به کارگیری در بازار کار و افزایش ارزش افزوده اقتصادی است.

اشتغال ۴۹.۳ درصدی دانش‌آموختگان

همان‌طور که در شکل یک نشان داده شده است، تنها ۴۹.۳ درصد از دانش‌آموختگان دانشگاهی سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ شاغل بوده‌اند. درحالی‌که نسبت اشتغال فارغ‌التحصیلان در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ برابر ۶۰ درصد بوده است. از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۳۹۹ جمعیت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از ۸۵۳ هزار و ۳۴۴ نفر به تعداد ۳۷۴ هزار و ۴۳۷ نفر کاهش یافته که افت بیش از ۵۰ درصدی را نشان می‌دهد. مقایسه نسبت اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی در ایران با کشورهای دیگر، حاکی از پایین بودن این نرخ در ایران است. در مقام مقایسه، متوسط شاخص نرخ اشتغال فارغ‌التحصیلان برای کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) ۸۴ درصد بوده است که تفاوت قابل ملاحظه‌ای را با نرخ کمتر از ۵۰ درصدی ایران نشان می‌دهد.

تاخیر ۷ ساله در ورود به بازار کار

علاوه بر شاخص نرخ اشتغال فارغ‌التحصیلان، سن ورود به بازار کار نیز دارای اهمیت است، چرا که هر چه افراد زودتر وارد بازار کار شوند، فرد زودتر استقلال می‌یابد. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی در مقایسه با جمعیت فاقد مدرک دانشگاهی، دیرتر وارد بازار کار شده و به مشارکت اقتصادی می‌پردازند. همان‌طور که در شکل ۲ نیز نشان داده شده است، افراد فاقد مدرک دانشگاهی از سن ۲۱ سالگی به بعد به ثبات شغلی می‌رسند، درحالی‌که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از حدود سن ۲۸ سالگی به این وضعیت می‌رسند. به طور متوسط، ۷ سال زمانی است که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به عنوان هزینه فرصت یافتن شغلی با درآمد بالاتر می‌پردازند و همچنان نیمی از آنان از بازار کار دورند.

این بازنگری که نخستین اصلاح عمده در یک دهه اخیر به شمار می‌رود، پاسخی به چالش‌های ناشی از بحران کرونا، ناپایداری‌های اخیر در برخی بانک‌ها و تحولات ساختاری ناشی از تغییرات اقلیمی و دیجیتالی شدن نظام مالی است.

علل پایین بودن نرخ مشارکت

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی به بررسی عوامل پایین‌بودن نرخ اشتغال جوانان دانشگاهی و اقدام‌های نظام آموزش عالی برای بهبود بازار کار دانشجویان پرداخته است. در نظام آموزش عالی، حداقل چهار عامل مهم در شکل‌گیری و تعمیق مساله پایین بودن نرخ اشتغال جوانان دانشگاهی اثر دارند. اولین عامل، تناسب حداقلی میان تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با تقاضای بازارکار است. یکی از تکالیف پرتکرار قانونی برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، «تناسب‌سازی نظام آموزش عالی با اقتضائات و نیازهای بازارکار» است.

با وجود این، الگوی کنونی شورای گسترش برای تعیین ظرفیت پذیرش دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی، عمدتا متکی به تعداد هیات علمی و مرتبه علمی آنها است و نه شاخص‌های مربوط به وضعیت تقاضای بازارکار محلی. نبود این تناسب، منجر به ازدیاد تعداد فارغ‌التحصیلان و مواجهه آنها با پدیده بیکاری یا اشتغال غیرمرتبط می‌شود. به عنوان نمونه، در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱، تعداد ۱۲۲ هزار و ۲۷۸ نفر در گروه فنی و مهندسی از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند. این در حالی است که بر اساس آمار سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶، اندکی بیش از ۵۳ درصد از فارغ‌التحصیلان این گروه، غیرشاغل بوده‌اند. عامل دوم، پایین‌بودن مهارت شغلی عنوان شده است.

مهارت‌افزایی شغلی دانشجویان باید از دو مسیر عمده صورت پذیرد: نخست، از طریق واحدهای درسی (بخش اجباری) و دوم، از طریق برنامه‌های فوق برنامه (بخش اختیاری). با این حال، در مسیر نخست، محتوای دروس دانشگاهی در بسیاری از رشته‌ها تطابق حداکثری با نیازهای بازارکار ندارد. اگرچه برخی رشته‌ها دارای واحدهای درسی عملی و کارگاهی هستند، این واحدها لزوما برای مهارت‌آموزی شغلی خاص طراحی نشده‌اند. علاوه بر این، به سبب تحولات مداوم بازارکار، نیاز به بازنگری منظم و به‌موقع سرفصل‌های درسی برای به‌روزرسانی محتوا وجود دارد که این امر به‌درستی انجام نمی‌شود. عامل سوم، ضعف در فرآیند شغل‌یابی است. نخستین مرحله از فرآیند منطقی اشتغال‌پذیری، آشنایی با مشاغل حول رشته تحصیلی و انتخاب شغل مورد علاقه است که این امر نیازمند مشاوره و هدایت شغلی است. برای تحقق این هدف، ۸۱ مرکز هدایت شغلی و کاریابی در دانشگاه‌های کشور تا سال ۱۴۰۳ راه‌اندازی شده است. اما فعالیت این مراکز در جهت مشاوره و همرسانی شغلی در سطح حداقلی انجام می‌شود.

به طور مثال، در سال ۱۴۰۳، تنها ۳۲ هزار و ۳۵۵ نفر مشاوره شغلی دریافت کرده‌اند. آخرین عامل، طولانی بودن دوره تحصیل و انعطاف حداقلی برنامه تحصیلی است. طولانی بودن دوره تحصیل در آموزش عالی، منجر به تاخیر در ورود جوانان به بازارکارمی‌شود. طول دوره مجاز برای کارشناسی پیوسته، چهار سال است. این الگو با استانداردهای بین‌المللی مانند فرآیند بولونیا در اروپا که در بیش از ۵۰ درصد کشورها، دوره کارشناسی سه ساله (معادل ۱۸۰ تا ۲۴۰ واحد) در نظر گرفته شده، متفاوت است. علاوه بر طول دوره، ساعات درسی دانشجویان در ایران بالاست. برای نمونه، یک دانشجوی مهندسی مکانیک در دانشگاه تهران، به طور متوسط باید ۲۲,۱ ساعت در هفته در کلاس‌های دانشگاه حاضر شود. این حجم بالای حضور و برنامه غیرمنعطف درسی، مانع عمده‌ای برای اشتغال دانشجویان در حین تحصیل است. داده‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۲، تنها ۱۸ درصد از جوانان دانشگاهی ۱۸ تا ۲۲ ساله شاغل بوده‌اند، درحالی‌که این میزان برای افراد غیردانشگاهی، ۴۷ درصد گزارش شده است.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، علی‌رغم مواجهه با چالش‌های برشمرده، اقداماتی را برای بهبود وضعیت اشتغال دنبال کرده است. از جمله مهم‌ترین این اقدامات می‌توان به اجرای طرح «بورس صنعت و مشاغل»، «طرح دستیار فناوری» با هدف فراهم کردن فرصت‌های شغلی و کسب مهارت در پارک‌های علم و فناوری، برگزاری «دوره‌های مهارت‌آموزی» و برگزاری «نمایشگاه‌های کار» اشاره کرد. با این حال، این طرح‌ها با چالش‌های فراگیر نبودن اجرا، نبود منابع مالی پایدار و تکثر متولیان (سازمان امور دانشجویان، معاونت فناوری و دفتر ارتباط با جامعه و صنعت) در سطح وزارتخانه مواجه هستند.

در انتها پیشنهاد اصلی گزارش، تصویب آیین‌نامه‌ای در هیات وزیران با عنوان «تسهیل نقش‌آفرینی دانشگاه‌ها در اشتغال‌پذیری دانشجویان» است. این آیین‌نامه باید بر محورهایی چون تدوین شاخص‌هایی برای تعیین ظرفیت پذیرش بر اساس بازارکار محلی، اصلاح آیین‌نامه‌های آموزشی برای کاهش سنوات تحصیلی (مانند دوره کارشناسی سه ساله)، و ایجاد صندوق حمایت از اشتغال دانشجویان متمرکز باشد. این تغییرات ساختاری ضروری هستند تا نظام آموزش عالی بتواند از یک حالت انفعالی خارج شده و نقش‌آفرینی موثرتری در هدایت جوانان به سمت بازارکار ایفا کند.

موج تازه تعدیل نیرو در شرکت‌های بزرگ جهانی

همزمان با کاهش تقاضای مصرف‌کنندگان و آغاز جایگزینی مشاغل با اتوماسیون درشرکت‌های فناوری متمرکز بر هوش مصنوعی، شرکت‌های بزرگ در سراسر جهان از جمله آمازون، نستله و یوپی‌اس، برای مهار هزینه‌ها تعدیل نیرو را تشدید کرده‌اند. شرکت‌های آمریکایی در ماه جاری، بیش از ۲۵ هزار شغل را حذف کرده‌اند.

با توجه به اینکه دولت آمریکا در میانه دومین تعطیلی طولانی تاریخی خود قرار دارد، آمار کلی تعدیل نیرو در سطح اقتصاد این کشور در دسترس نیست. این در حالی است که تعدیل نیرو در پایان سال امری عادی است و بسیاری از تعدیل‌های چشم‌گیر در یک دوره طولانی ادامه خواهند داشت. دلایل این تعدیل نیروها متفاوت است. برخی از این شرکت‌ها، مدیران عامل جدیدی دارند که مشتاق بازسازی و تحول در فرآیند کار خود هستند.

آخرین نظرسنجی منتشر شده شرکت کی‌پی‌ام‌جی از مدیران مستقر در آمریکا در سپتامبر، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده در هوش مصنوعی، در سه‌ماه اول سال جاری افزایش یافته است. اقتصاددانان آمریکا در ۲۲ اکتبر اعلام کردندَ که مشاغلی که بیشترین احتمال حذف را خواهند داشت، مشاغلی رده پایینی هستند که با اتوماسیون جایگزین می‌شود.

هژمونی الگوریتمی درخدمت توزیع نابرابری ثروت

هابز در قرن هفدهم استدلال می‌کرد که انسان برای رهایی از ترس و بی‌نظمی، بخشی از آزادی خود را به لویاتان، یعنی دولت مقتدر، واگذار می‌کند. «ژان‌ژاک روسو» اما هشدار داد که اگر اراده عمومی جای اراده فردی را نگیرد، آزادی در همان لحظه‌ای که نظم می‌زاید، می‌میرد. قانون فقط هنگامی مشروع است که بیان اراده عمومی مردم باشد. از نظر او آزادی یعنی مشارکت در ساخت اراده عمومی و اطاعت از آن. «میشل فوکو» قرن‌ها بعد نشان داد که قدرت دیگر نه در قصرها بلکه در شبکه‌های دانش و انضباط پراکنده است.

۱- تمرکز داده: بازتعریف قدرت در عصر جدید

در قرن بیست‌ویکم، هراری این سیر تاریخی را تا مرز تازه‌ای بسط داده است: از نظر وی قدرت دیگر نه در مالکیت زمین و سرمایه، بلکه در انحصار داده متجلی شده است. این‌بار لویاتان نه شخص است و نه دولت، بلکه شبکه‌ای از هوش مصنوعی و الگوریتم است که ما را بهتر از خودمان می‌شناسد. دیکتاتوری دیجیتال، به تعبیر او، نه بازگشت استبداد سیاسی بلکه شکل نوینی از تمرکز قدرت شناختی است؛ قدرتی که از دل داده می‌جوشد، نه از لوله تفنگ.

اگر در قرن بیستم مساله این بود که چه کسی ابزار تولید را در اختیار دارد، در قرن بیست‌ویکم مساله این است که چه کسی به داده‌ها و زیرساخت‌های پردازش آنها دسترسی دارد. تمرکز داده یعنی تمرکز قدرت، و تمرکز قدرت یعنی بازتولید نابرابری در ثروت. این زنجیره همان منطق تاریخی است که از دولت‌های استبدادی تا بازارهای انحصاری، شکل‌های گوناگون یافته، اما جوهر آن یکی مانده است: هر جا قدرت متمرکز شود، ثروت نیز از پی آن می‌رود.

۲- از توزیع قدرت تا توزیع ثروت: آموزه‌ای از اقتصاد نهادی

در یادداشت پیشین خود در یکی از جریده‌ها به تبیین این استدلال پرداختم که الگوی توزیع ثروت در هر جامعه، انعکاس مستقیم الگوی توزیع قدرت در آن است. اقتصاد سیاسی مدرن نیز همین را می‌گوید: در نظام‌هایی که قدرت در نهادهای بسته متمرکز می‌شود، ثروت نیز در دست گروه‌های محدود انباشته می‌گردد و رشد، ناپایدار و ناعادلانه می‌شود.

عجم‌اوغلو و رابینسون این رابطه را با تفکیک دو نوع نهاد توضیح داده‌اند: نهادهای فراگیر (inclusive) که امکان مشارکت عمومی در اقتصاد و سیاست را فراهم می‌کنند، و نهادهای استبدادی (extractive) که منابع را از دسترس همگان خارج و در اختیار اقلیتی خاص متمرکز می‌کنند. تفاوت میان ملت‌هایی که جامعه خود را می‌سازند و ملت‌هایی که از توسعه باز می‌مانند، در همین الگوی توزیع قدرت نهفته است.

اما در عصر دیجیتال، ماهیت نهادها دگرگون شده است. نهادهای سنتی (قانون، بازار، دولت) جای خود را به نهادهای فناورانه داده‌اند: پلتفرم‌ها، شبکه‌های داده، و الگوریتم‌هایی که بدون نظارت عمومی عمل می‌کنند.

در نتیجه، تمرکز قدرت از دولت به شرکت‌های فناور منتقل شده، ولی منطق همان است: هرچه قدرت تصمیم‌گیری درباره داده‌ها محدودتر شود، امکان بازتوزیع ثروت نیز کاهش می‌یابد. الگوریتم‌ها اکنون نه‌فقط بازار را تنظیم می‌کنند، بلکه ارزش‌گذاری سرمایه، دسترسی به اعتبار، و حتی فرصت دیده‌شدن را نیز تعیین می‌نمایند. این همان جایی است که تمرکز داده، ساختار قدرت اقتصادی را بازتولید می‌کند؛ جایی که نهادهای دیجیتال، همان نقش نهادهای استبدادی را ایفا می‌کنند، بی‌آنکه الزاما در قالب سیاسی کلاسیک شناخته شوند.

۳- قدرت شناختی: نهاد تازه نابرابری

در عصر جدید، قدرت از کنترل رفتار به کنترل آگاهی رسیده است. اگر قدرت در قرون گذشته بر زمین و سرمایه استوار بود، امروز بر شناخت و داده تکیه دارد. هراری از این وضعیت با عنوان قدرت شناختی (Cognitive Power) یاد می‌کند: قدرتی که نه با زور، بلکه با پیش‌بینی و هدایت تمایل انسان عمل می‌کند.

فوکویاما قدرت سیاسی را زمانی مشروع می‌دانست که با پاسخ‌گویی نهادی همراه باشد؛ اما در دیکتاتوری دیجیتال، این پاسخ‌گویی ناممکن می‌شود، چون تصمیم‌گیرنده الگوریتمی است که ساختارش برای جامعه شفاف نیست. انسان در ظاهر آزاد است، اما انتخاب‌هایش از پیش درون مدل‌های پیش‌بینی طراحی شده‌اند. این تمرکز قدرت شناختی، به سرعت به تمرکز ثروت می‌انجامد. هر داده‌ای که جمع‌آوری می‌شود، دارایی جدیدی است؛ اما این دارایی نه در حساب‌های مردم، بلکه در ترازنامه پلتفرم‌ها انباشته می‌شود. از این‌رو، همان‌گونه که سرمایه صنعتی در قرن نوزدهم طبقه کارگر را از ابزار تولید جدا کرد، سرمایه دیجیتال در قرن بیست‌ویکم انسان را از مالکیت داده‌های خود جدا می‌کند.

نهادهای فناورانه امروز، اگرچه چهره‌ای مدرن دارند، اما در جوهر خود همان منطق ارباب رعیتی را بازسازی می‌کنند: رعیتی داده‌ای در برابر اربابی الگوریتمی. در چنین ساختاری، ثروت از پایین به بالا جریان می‌یابد و فقر نه به دلیل کمبود منابع، بلکه به سبب عدم دسترسی به قدرت تولید معنا و داده شکل می‌گیرد.

۴- فروپاشی قرارداد اجتماعی و بازتوزیع معکوس

روسو باور داشت که جامعه زمانی پایدار است که مردم، طرف قرارداد اجتماعی باشند و اراده عمومی، اساس قانون گردد. اما در جهان دیجیتال، شهروند دیگر «طرف قرارداد» نیست، بلکه «موضوع داده» است. قرارداد اجتماعی جای خود را به قرارداد الگوریتمی داده است: رابطه‌ای نابرابر که در آن، انسان رضایت خود را با یک کلیک اعلام می‌کند بی‌آنکه بداند چه می‌بازد.

هراری این وضعیت را خطرناک‌تر از دیکتاتوری‌های قرن بیستم می‌داند، زیرا برای بقای خود نیازی به خشونت ندارد؛ بلکه از رضایت مصنوعی تغذیه می‌کند. انسان احساس آزادی می‌کند، درحالی‌که تصمیماتش پیشاپیش محاسبه شده است.

پیامد اقتصادی این وضعیت، بازتوزیع معکوس ثروت است. داده‌ها مانند نفت قرن بیستم، منبع انباشت سرمایه‌اند، اما جریان مالکیت آنها از پایین به بالا می‌رود. کاربر داده تولید می‌کند، اما مالکیت و ارزش‌افزوده‌اش در اختیار پلتفرم است. به‌بیان دیگر، «ارزش کار دیجیتال» به کاربر بازنمی‌گردد. این پدیده، شکل تازه‌ای از نابرابری ساختاری می‌آفریند: طبقه‌ای از دارندگان داده در برابر طبقه مولدان داده بدون مالکیت. تمرکز قدرت در لایه‌های دیجیتال باعث می‌شود توزیع ثروت تابعی از دسترسی به داده باشد، نه از تلاش یا بهره‌وری.

به همین دلیل است که نابرابری در عصر دیجیتال، برخلاف دوران صنعتی، حتی با رشد تولید ناخالص داخلی نیز کاهش نمی‌یابد؛ زیرا ریشه آن در ساختار نهادی توزیع قدرت شناختی نهفته است، نه در شاخص‌های اقتصادی.

۵- دموکراتیزه‌کردن داده: شرط آزادی و عدالت در عصر الگوریتم

در چنین جهانی، چاره نه در بازگشت به گذشته، بلکه در بازتعریف نهادهای پاسخ‌گوست. همان‌طور که در «توسعه سیاسی مقدم بر رشد اقتصادی پایدار» تاکید شد، عدالت اقتصادی بدون باز توزیع قدرت سیاسی ممکن نیست. امروز باید افزود: عدالت دیجیتال نیز بدون بازتوزیع قدرت داده ممکن نیست.

فوکویاما مفهوم «پایان تاریخ» را با ویژگی‌های خاصی مطرح کرد، اما تاریخ قدرت با دگرگونی ابزارهایش همچنان ادامه یافته و به نظر می‌رسد همچنان نیز ادامه خواهد یافت. از آنجا که نبود نهادهای کارآمد موجب شکل‌گیری رانت و انحصار می‌شود، به‌عنوان یک اقتصاددان نهادگرا اصلاح نهادهای دیجیتال را فوری و ضروری می‌دانم؛ چرا که در عصر دیجیتال نیز باید نهادهایی نو برای تنظیم رابطه‌ی انسان و الگوریتم ساخته شود - نهادهایی که حق مالکیت داده را به شهروند بازگردانند و شفافیت الگوریتمی را الزام کنند.

دموکراسی اقتصادی در عصر دیجیتال یعنی توان جامعه برای مشارکت در خلق، نگهداری و نظارت بر داده‌ها. تمرکز داده بدون نظارت عمومی، همان تکرار استبداد اقتصادی است، فقط با زبانی پیچیده‌تر.

دیکتاتوری دیجیتال اگر مهار نشود، شکاف طبقاتی را به شکاف شناختی بدل می‌کند: اقلیتی که جهان را می‌فهمند و اکثریتی که تنها در آن زندگی می‌کنند.

در این میان، کشورهایی که هنوز درگیر ساخت نهادهای پاسخ‌گو هستند، در برابر دو خطر هم‌زمان قرار دارند: از یک سو تمرکز داده در دست دولت، و از سوی دیگر واگذاری کنترل آن به پلتفرم‌های خارجی. هر دو مسیر، به تمرکز قدرت و نابرابری منتهی می‌شوند.

در چنین شرایطی، دموکراتیزه‌کردن داده‌ها - یعنی تعریف حقوق داده‌ای شهروند، شفاف‌سازی الگوریتم‌های دولتی، و ایجاد نهادهای مستقل تنظیم‌گر دیجیتال - همان کاری است که «توسعه سیاسی» در قرن پیشین انجام می‌داد: بازگرداندن قدرت به مردم.

مسیر استبداد داده‌ای

دیکتاتوری دیجیتال را نباید صرفا خطری فناورانه دانست، بلکه باید آن را مرحله تازه‌ای از تمرکز تاریخی قدرت فهمید. تمرکز داده، همان تمرکز قدرت است؛ و تمرکز قدرت، ناگزیر به تمرکز ثروت می‌انجامد. همان‌گونه که انقلاب صنعتی بدون اصلاح سیاسی به استبداد اقتصادی می‌انجامید، انقلاب دیجیتال نیز بدون بازتوزیع نهادی قدرت، به استبداد داده‌ای ختم می‌شود.

اگر انسان در عصر هابز آزادی خود را برای امنیت از دست داد، در عصر الگوریتم آزادی خود را برای آسایش واگذار می‌کند. و شاید این‌بار، هزینه‌اش نه از دست‌دادن یک دولت، بلکه از دست‌رفتن خودِ انسان باشد

دموکراسی دیجیتال، ادامه طبیعی دموکراسی اقتصادی است: هر دو از یک منطق برمی‌خیزند - بازگرداندن قدرت به جایی که ثروت تولید می‌شود.

تا زمانی که قدرت در ساختاری پاسخ‌گو و شفاف توزیع نشود، هیچ ثروتی عادلانه توزیع نخواهد شد؛ چه آن ثروت طلا باشد، چه داده.

جنگ داخلی سودان

در میانه آشوب‌های پی‌درپی خاورمیانه و شمال آفریقا، سودان بار دیگر به نقطه‌ای بحرانی در نقشه تحولات منطقه‌ای بدل شده است. کشوری که در سال ۲۰۱۹ با سقوط عمرالبشیر، امید به گذار مسالمت‌آمیز به دموکراسی را در دل شهروندانش زنده کرد، امروز گرفتار جنگی درونی میان دو فرمانده نظامی است؛ جنگی که ریشه در ساختار قدرتی دارد که سه دهه بر مبنای بی‌اعتمادی و رقابت میان نهادهای امنیتی شکل گرفت.

در این ساختار، سیاست موسوم به «کودتاپرهیزی» – ایجاد مراکز قدرت موازی برای جلوگیری از شورش ارتش نه‌تنها ثبات نیاورد، بلکه زمینه‌ساز شکاف‌های تازه‌ای شد که اکنون سودان را تا مرز فروپاشی پیش برده است.

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
اقتصادی، اجتماعی
۳
شنبه ۲۳ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۰
www.marzeghtesad.ir

هراس بورس از سقف تاریخی

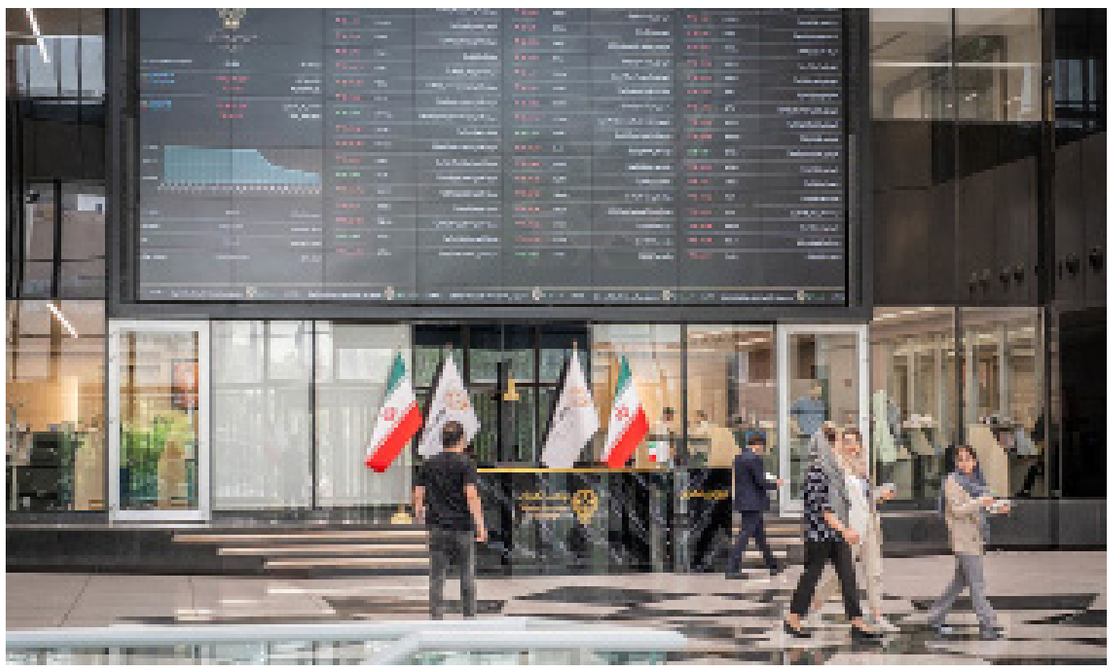

فرحناز نعمتی - شاخص بورس در حالی که به یک قدمی سقف تاریخی رسیده بود، با هجوم فروشنده‌ها همراه شد. با وجود آنکه تالار شیشه‌ای در آغاز معاملات روز شنبه، سبزپوش بود.

فشار عرضه‌ها در ساعات پایانی باعث شد تا نماگر اصلی با افت ۰.۰۵درصدی بـــه کار خود خود پایان دهد. بر اســاس روند تکنیکال، احتمال اصلاح موقت شـــاخص تا مرز ۳میلیون واحد وجود دارد. اما ازآنجاکه متغیرهای بنیادی در حمایت از بازار ســـهام قرار دارند، شانس عبور شاخص از سقف تاریخی وجود دارد. باید دید طناب‌کشی عرضه و تقاضا چگونه مسیر بازار را در روزهای آتی مشخص خواهد کرد.

عاطفه چوپان: بازار سرمایه در نخستین روز کاری هفته، با نمایی دوگانه و رفتاری هیجانی به استقبال معاملات رفت. در ساعات ابتدایی، شاخص‌های اصلی بورس با موجی از تقاضا و رشد عمومی نمادها سبزپوش شدند؛ تا حوالی ساعت ۱۱، نشانه‌های صعودی در اغلب گروه‌ها به چشم می‌خورد و حتی برخی تحلیلگران بر این اســاس از ادامه روند مثبت در نیمه دوم آبان سخن گفتند. اما ورق ناگهان برگشت. از نیمه دوم بازار به بعد، فشار عرضه‌ها شدت گرفت و در نهایت بیش از ۵۷ درصد نمادها در محدوده منفی تابلو روز خود را به پایان رســاندند. این چرخش ناگهانی در نهایت باعث شد کار برای نماگر اصلی در محدوده منفی و برای نماگر دوم بازار کمی مثبت به پایان برسد.

اگرچه گروهی از کارشناســان علت ایـــن تغییر فاز ناگهانی را «عرضه‌های تکنیـــکال» در محدوده‌های مقاومتی می‌دانند، اما عده‌ای دیگر از فعالان بازار، ریشـــه نوسان شنبه را در انتشار برخی اخبار منفی پیرامون گروه فولادی‌ها و نگرانی از سیاست‌های جدید جست‌وجو می‌کنند. با این حال، نگاهی دقیق‌تر به جزئیات معاملات نشان می‌دهد که بازار در لایه‌های زیرین خود هنوز نشانه‌هایی از تحرک و امید دارد. ارزش بالای معاملات خرد، حضور پررنگ خریداران در صف‌های ابتدایی و چرخش ســـریع نقدینگی میان گروه‌ها، حاکی از آن است که ریزش دیروز بیش از آنکه نشانه خروج سرمایه باشد، نوعی اصلاح طبیعی و سیو سود پس از چند روز رشد محسوب می‌شود. به بیان دیگر، بازار هنوز در فاز انتظار و نه بی‌اعتمادی قرار دارد.

آنچه در بورس شنبه گذشت

بازار سرمایه کار خود را در اولین روز هفته با رفتاری پرنوسان و هیجانی آغاز کرد. شاخص کل بورس در نهایت با افت ۰.۰۵ درصدی کار خود را در محدوده سه‌میلیون و ۲۰۷ هزار واحدی به پایان رساند. این در حالی بود که نماگر اصلی بازار در جریان معاملات شنبه، موفق شده بود تا قله تاریخی خود در اردیبهشت امسال ـ یعنی محدوده سه‌میلیون و ۲۵۲ هزار واحد ـ فاصله‌ای نداشته باشد و حتی برای لحظاتی تا سطح سه‌میلیون و ۲۳۴ هزار واحد نیز صعود کند. در ترکیب اثرگذارترین نمادها بر شاخص، فولاد بیشترین نقش مثبت را ایفا کرد، اما در مقابل، فملی و فارس با فشـــار عرضه، شـــاخص را به سمت منفی سوق دادند. در میان نمادهای پرتراکنش نیز خودرو، وبملت و فولاد صدرنشین بودند؛ موضوعی که نشان می‌دهد تمرکز اصلی نقدینگی همچنان بر گروه‌های بزرگ و لیدر بازار باقی مانده است. در سوی دیگر بازار، شاخص هم‌وزن که نمایانگر عملکرد سهام کوچک‌تر اســت، توانست مسیر متفاوتی را طی کند و با رشد ۰.۳۵ درصـــدی، در محدوده ۹۲۷ هـــزار و ۸۷۸ واحد به کار خود پایان دهد. این در حالی بود که شـــاخص کل فرابورس نیز روزی نسبتا آرام را پشت سر گذاشت و با افزایش ۰.۱۳ درصدی در سطح ۲۷ هزار و ۹۲۱ واحد بسته شد.

چرخش ناگهانی در نیمه دوم معاملات

بـــا وجـــود آغاز پرقدرت بـــازار و صف‌های خرید در بســـیاری از نمادهای شاخص‌ساز، نیمه دوم معاملات شنبه با فشار فروش شدیدی همراه شد. بسیاری از نمادهای اهرمی که تا پیش از ظهر در صف خرید قرار داشـــتند، در دقایق پایانی به صف فروش رسیدند. فولادی‌ها که در ابتدای روز نقش پیشران بازار را داشتند، در انتها با تغییر جهت انتظارات معامله‌گران مواجه شدند و صف خرید آنها به صف فروش سنگینی تبدیل شد. هم‌زمان با افزایش عرضه‌ها، صندوق‌های سهامی بیشترین خروج پول حقیقی را به ثبت رساندند و با ۱۲۹میلیارد تومان خروج سرمایه در صدر قرار گرفتند.

پس از آن، صندوق‌های بخشی با ۱۱۱میلیارد تومان خروج در جایگاه دوم ایستادند؛ موضوعی که نشان می‌دهد بخشی از سرمایه‌گذاران، ترجیح داده‌اند در فضای نوسانی بازار، موقعیت خود را نقد کنند. در بررسی صنایع، بانکی‌ها همچنان در صدر گروه‌های با بیشترین خروج پول قرار گرفتند و طی معاملات روز شنبه ۷۹میلیارد تومان خروج نقدینگی را تجربه کردند. استخراج کانه‌های فلزی که در هفته گذشته از سردمداران ورود پول به بازار بودند، این‌بار با ۶۸میلیارد تومان خروج سرمایه در رتبه دوم قرار گرفتند. نکته قابل‌توجه آنکه محصولات شیمیایی نیز که در روزهای گذشته برای مدتی طولانی لیدر بازار بودند، این‌بار با ۵۵میلیارد تومان خروج پول مواجه شدند. تحلیلگران علت اصلی این چرخش را در سیو سود سهامداران این گروه‌ها پس از رشدهای متوالی اخیر جست‌وجو می‌کنند.

درخشش دوباره دارویی‌ها در غیاب لیدرهای سنتی

در غیـــاب گروه‌های بزرگی مانند شیمیایی، دارویی‌ها بار دیگر در مرکز توجه ســـرمایه‌گذاران قرار گرفتند و با جذب ۶۰میلیارد تومان پول حقیقی، در صدر فهرســـت صنایع با بیشـــترین ورود نقدینگی ایستادند. پس از آن، گروه کاشی و سرامیک و همچنین نساجی نیز هر یک با بیش از ۶میلیارد تومان ورود سرمایه عملکرد مثبتی را ثبت کردند؛ موضوعی که از چرخش موقت نگاه بازار به سمت صنایع کوچک‌تر و کمتر رشدکرده حکایت دارد.

ارزش معاملات و برداشت تحلیلی

در مجموع، ارزش کل معاملات بازار به ۱۴ هزار و ۸۸۳میلیارد تومان رسید و بازار روز شنبه با ۴۹۶میلیارد تومان خروج پول حقیقی به کار خود پایان داد. با وجود آنکه شاخص کل در محدوده منفی بسته شد، اما نکته قابل‌توجه آن بود که ارزش سفارش‌های خرید با ثبت بیش از ۲ همت از سفارش‌های فروش پیشی داشت و در مجموع حدود ۱۲۰۰میلیارد تومان تقاضای مازاد خرید نسبت به فروش در سامانه معاملات ثبت شد. تحلیلگران این موضوع را در کنار ارزش معاملات مطلوب و پویایی نقدینگی نشـــانه‌ای از مقاومت بازار در برابر فشـــار فروش ارزیابی می‌کنند و منفی روز شنبه را بیشتر در حد اصلاح جزئی پس از چند روز رشـــد متوالی می‌دانند. به اعتقاد کارشناســـان، تا زمانی که جریان پول حقیقی به‌طور کامل از بازار خارج نشده و ارزش معاملات در سطوح فعلی حفظ شود، احتمال بازگشت مجدد شاخص به مدار صعودی در روزهای آتی وجود دارد.

خبر منفی برای فولاد

تحلیل‌ها حاکی از آن است که یکی از دلایل اصلی عرضه در صف خرید نمادهای فولادی در معاملات روز شنبه، انتشار خبر مربوط به تغییر در سیاست ارزی این صنعت بوده است. خبر عرضه ارز این گروه در تالار دوم تکذیب و اعلام شد این موضوع به صورت مرحله‌ای انجام می‌شود. به گفته دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران، با عرضه ارز کل زنجیره فولاد در تالار دوم مرکز مبادله ارز و طلا، درآمد فولادســـازان از محل فروش ارز حدود ۱۰ درصد-رقمی بسیار کمتر از انتظار سهامداران- افزایش خواهد یافت. وی همچنین از اجرای پلکانی عرضه ارز صادراتی فولاد در این تالار خبر داد؛ اقدامی که به گفته فعالان بازار، می‌تواند در کوتاه‌مدت بر جریان نقدینگی و نرخ‌های تسعیر شرکت‌های فولادی اثرگذار باشد.

با این حال، تحلیلگران بازار سرمایه معتقدند که در ارزیابی اثر این تصمیم بر سودآوری فولادسازان باید احتیاط بیشتری به خرج داد، چراکه برآوردهای اولیه بازار از میزان تعدیل سود این گروه بسیار بالاتر از ارقام اعلام‌شده توسط انجمن بوده است. در همین زمینه، گزارش دیگری نیز از سوی رسانه‌های اقتصادی منتشر شد که ابعاد کلان‌تری از این تصمیم را نشان می‌دهد. بر اســـاس این تحلیل، انتقال ارز فولاد به تالار دوم می‌تواند ســـود زنجیره صنعت را از حدود ۲۱۷ همت به ۳۲۸ همت برساند.کارشناسان هشدار می‌دهند که اجرای چنین سیاستی در کنار مزایای ارزی و سودآوری کوتاه‌مدت، می‌تواند در افق بلندمدت بر نرخ تورم و ساختار هزینه صنایع اثرگذار باشد. به گفته آنان، برای جلوگیری از آثار تورمی احتمالی، لازم است دولت و نهادهای ناظر بازار سرمایه با رویکردی تدریجی و هماهنگ نسبت به اجرای این تصمیم اقدام کنند.

آغاز نوسان در کانال ۳میلیون

احمد اشتیاقی، تحلیلگر بازار سرمایه، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با اشاره به روند معاملات روز جاری اظهار کرد: «بازار روز گذشـــته تا حد زیادی ادامه‌دهنده همان فاز صعودی هفته گذشـــته بود؛ فازی که محور اصلی آن بحث انتقال ارز شرکت‌های فولادی به بازار مبادله دوم و همچنین خبر تخفیف در نرخ گاز بود. این دو عامل در روزهای اخیر موجب افزایش اقبال به سهام صنایع پتروشیمی و فولادی، به‌ویژه شرکت‌های صادرات‌محور شدند و روندی مثبت را در معاملات شکل دادند.» او ادامه داد: «با این حال، شنبه شاهد بودیم که در نماد لیدر گروه فولادی، یعنی فولاد مبارکه، صف خرید سنگین عرضه شد و همین موضوع باعث شد تا بازار به‌صورت کلی روندی نزولی به خود بگیرد. بسیاری از نمادهایی که در روزهای اخیر رشد قابل‌توجهی را تجربه کرده بودند،

روز گذشـــته با فشـــار عرضه مواجه شدند و بخشی از سودهای کوتاه‌مدت در بازار شناسایی شد.» اشتیاقی با اشاره به محدوده‌های تکنیکی شـــاخص کل گفت: «در فایل تحلیلی روز گذشـــته اشاره کردم که شاخص در محدوده ۳میلیون و ۴۰۰ هزار واحدی با مقاومت جدی روبه‌رو خواهد شد. در حال حاضر، با توجه به رشدهای قبلی و سیو سود صندوق‌های اهرمی، بعید است بازار بتواند به‌سرعت از این محدوده عبور کند. به نظر می‌رسد بازار در مقطع فعلی وارد دوره‌ای از نوسانات محدود و اصلاح تدریجی شود.» وی در توضیح وضعیت فعلی بازار افزود: «با وجود رشد تاخیری برخی از نمادها و سیو سودهایی که انجام شده، انتظار می‌رود بازار برای مدتی در یک شرایط نسبتا دشوار برای رشد پرشتاب قرار بگیرد. با این حال، بر اساس متغیرهای بنیادی، می‌توان گفت کف شاخص در محدوده ۳میلیون و ۱۰۰ هزار واحدی تثبیت می‌شود و سقف آن نیز در حوالی ۳میلیون و ۴۰۰ هزار واحد قرار خواهد گرفت. در واقع، بازار در این بازه نوسانی به‌صورت رفت و برگشتی حرکت خواهد کرد.»

این تحلیلگر بازار سرمایه همچنین درباره وضعیت نقدینگی گفت: «حجم معاملات روز گذشته عدد قابل‌توجهی بود و به حدود ۱۴۵۰۰میلیارد تومان رسید؛ اما انتظار نمی‌رود که این حجم در روزهای آتی تکرار شـــود. به نظر می‌رســـد که حجم معاملات به‌تدریج به محور ۱۰ هزار میلیارد تومان نزدیک شود. در صورتی که این سطح حفظ شود، بازار در وضعیت نســـبتا باثباتی باقی خواهد ماند؛ اما اگر حجم معاملات به زیر این ســـطح کاهش یابد، احتمالا اصلاح زمانی طولانی‌تری را تجربه خواهیم کرد.» او در پایان تاکید کرد: «در کنار این عوامل، نباید از نرخ سود ۳۵ درصدی صندوق‌های با درآمد ثابت و ابهامات مربوط به مالیات بر عایدی سرمایه و همچنین معضل ناترازی انرژی غافل شد. این موارد همچنان سایه‌ای از تردید را بر سر بازار نگه داشته‌اند و تا زمانی که این چالش‌ها برطرف نشود، نمی‌توان انتظار موج‌های قدرتمند صعودی در بازار سهام را داشت.»

ریسک‌های پولی همچنان سد راه بازار

۴۰ روز تقویمی از بازگشایی بورس بعد از جنگ تحمیلی۱۲ روزه می‌گذرد و این در حالی است که بازار تنها در سه روز موفق به جذب نقدینگی شده است. دیروز تالار شیشه‌ای بعد از یک خروج ممتد ۱۲ روزه شـــاهد ورود پول بـــود، ورودی که البته کارشناســـان مختلف تفاسیر گوناگونی از علل آن ارائه می‌دهند، اما باور غالب آنها بر این است که تا بهبود میانگین ارزش معاملات نمی‌توان به بهبود وضعیت بورس امید بست.

پس از دوره‌ای طولانی از خروج نقدینگی، حالا بسیاری از نمادها به سطوح ارزندگی تاریخی خود رسیده‌اند و نشـــانه‌هایی از بازگشت سرمایه‌گذاران و ورود نقدینگی به برخی از صنایع دیده می‌شـــود. تحلیل نسبت‌های مالی مانند P/E و EV/EBIT نشان می‌دهد که فشار فروش تا حدی کاهش یافته و برخی معامله‌گران تازه‌وارد در حال ارزیابی فرصت‌های جذاب قیمتی هستند. از سوی دیگر، بررسی شاخص‌های تکنیـــکال نیز حکایت از ایـــن دارد که بیش از ۷۰ درصد نمادها به محدوده اشباع فروش وارد شده‌اند و به سطوح حمایتی کلیدی نزدیک شده‌اند که این موضوع به‌عنوان سیگنال خرید برای نوسان‌گیران و فعالان تکنیکال مطرح شده است.

بـــا وجود این تحولات مثبـــت، مهم‌ترین مانع بنیادی بازار همچنان سیاســـت‌های پولی کشـــور است. روند افزایشی نرخ بهره و بالا رفتن هزینه‌های مالی شرکت‌ها، از یکسو فشار مضاعفی بر عملکرد مالی بنگاه‌ها وارد می‌کند و از سوی دیگر، جذابیت بـــازدهی ابزارهای درآمد ثابـــت را افزایش داده که باعث کاهش رغبت سرمایه‌گذاری در سهام می‌شود. در بعد سیاستگذاری نیز موضوع واگذاری شرکت‌ها و سهام دولتی در چارچوب برنامه هفتم توسعه یکی دیگر از محورهای کلیدی برای فعالان بازار است که به‌خصوص در شرکت‌های اولویت‌دار باید با سرعت بیشتری دنبال شود.

در مجموع، بازار سرمایه ایران اکنون در نقطه‌ای حساس قرار گرفته اســـت؛ نقطه‌ای که هرچند با فرصت‌های ارزنده‌ای همراه است، اما همچنان زیر سایه ریسک‌های سیاسی و سیاست‌های پولی قرار دارد و نیازمند تصمیمات هوشمندانه و حمایت‌های به موقع برای حفظ ثبات و رونق است.

ریسک‌های پولی؛ مهم‌ترین مانع بازار سهام

کامل ابراهیمیان، تحلیلگر ارشـــد بازار سرمایه گفت: پس از خروج قابل‌توجه نقدینگی از بازار سرمایه در هفته‌های اخیر، عمدتا به‌دلیل تشدید ریسک‌های نـــاشی از تنش‌هـــای جنگی و ابهـــام در خصوص چشم‌انداز اقتصادی و سیاسی کشور، بخش عمده‌ای از نمادها به سطوح ارزندگی تاریخی خود رسیده‌اند که ما شاهد ورود نقدینگی به برخی از نمادها و صنایع بعد از چندین هفته خروج نقدینگی هستیم، بر اساس نســـبت‌های مهم ارزش‌یابی همچون P/E و EV/EBIT، تجربه نشان می‌دهد که در چنین سطوحی فشار فروش کاهش یافته و بخشی از سرمایه‌گذاران جدید نیز به شناسایی و ارزیابی سهام جذاب از منظر قیمتی می‌پردازند. وی ادامه داد: از منظر تکنیکال، بررسی شاخص‌های بازار نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد نمادها در محدوده اشباع فروش قرار گرفته و بسیاری به سطوح حمایتی مهم رسیده‌اند. این شرایط، سیگنال‌های خرید معناداری برای ســـرمایه‌گذاران نوســـان‌گیر و فعالان تکنیکال صـــادر کرده و طی روزهای اخیر شـــاهد تقویت این گروه از خریداران بوده‌ایم. ابراهیمیان معتقد است مهم‌ترین ریسک بنیادی پیش‌روی بازار همچنان در حوزه سیاست‌های پولی نهفته است. او گفت: «تداوم روند افزایشی نرخ بهره و نرخ بهره بین‌بانکی، از یکسو هزینه‌های مالی شـــرکت‌ها را بالا می‌برد و از سوی دیگر، با جذاب‌تر کردن بازده ابزارهای درآمد ثابت، انگیزه سرمایه‌گذاری در بازار سهام را کاهش می‌دهد. این تحلیلگر ارشد بیان کرد: در بُعد سیاستگذاری، یکی از محورهای مورد توجه فعالان بازار، موضوع واگذاری شرکت‌ها و سهام تودلی در چارچوب برنامه هفتم توسعه است. هرچند سیاست وزارت اقتصاد مبنی بر واگذاری ابتدا در سطح مدیریت و سپس در مالکیت اعلام شده، اما انتظار می‌رود این روند با سرعت بیشتری دنبال شود، به‌ویژه برای شرکت‌هایی که در اولویت قرار گرفته‌اند.

وی گفت: در بخش عملکرد شـــرکت‌ها، به‌رغم محدودیت‌های ناشی از ناترازی انرژی، برخی صنایع همچنان روند رو به رشـــد فـــروش ماهانه را حفظ کرده‌انـــد؛ موضوعی که می‌توانـــد نویدبخش ارائه گزارش‌های شش‌ماهه مطلوب از سوی این گروه‌ها در پایان تابستان باشد.

این تحلیلگر گفت: بازار سرمایه در حال حاضر از منظر ارزندگی و نســـبت‌های بنیادی در شرایط جذابی قرار گرفته است. با این حال، تا زمان کاهش ریســـک‌های سیستماتیک، رفتار ســـرمایه‌گذاران محتاطانه باقی خواهد ماند و انتظار می‌رود جریان نقدینگی عمدتا به سمت صنایع و نمادهایی هدایت شـــود که از منظر بنیـــادی و تکنیکال در موقعیت برتری قرار دارند.

«شـــرایط فعلی بازار سرمایه واقعا پاسخگوی هیچ‌یک از ســـوالات ما نیســـت و کاملا خارج از فضای اقتصادی اســـت و به طور کامل برگرفته از مسائل سیاسی اســـت. اگر بخواهیم روند تحلیل کلاسیک شامل بررسی ارزندگی شرکت‌ها، رشد سودآوری، نرخ بهره و... را ملاک قرار دهیم، به هیچ پاسخ منطقی نمی‌رسیم. بازار ما اکنون به گروگان تبدیل شده است و متاسفانه در شرایط نامساعد، رفتارهای متفاوت و نامنســـجمی از خود نشـــان می‌دهد.» وی در ادامه افـــزود: «آقای مدنی‌زاده در اظهارات اخیرشان نشان داده‌اند که بیشتر به مبانی آکادمیک پایبند هستند.» محبی با بیان اینکه وضعیت بازار را ســـردرگم ارزیابی می‌کند، تصریح کرد: «بازار هیچ روند مثبتی از خود نشان نمی‌دهد و هنوز از مسیر نزولی خارج نشده است.

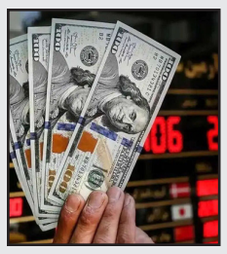

عقب‌نشینی اول هفته دلار

افت قیمت در اولین روز کاری هفته می‌تواند نشان‌دهنده تعدیل انتظارات کوتاه‌مدت معامله‌گران باشد؛ به‌ویژه پس از جهش‌های متوالی در هفته گذشته. برخی فعالان این افت را ناشی از کاهش تقاضای نقدی و مداخله عرضه‌کنندگان در بازار عنوان می‌کنند، درحالی‌که گروهی دیگر آن را اصلاح طبیعی پس از رشدهای سریع اخیر می‌دانند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که بخشی از تقاضای ارز مسافرتی و ارز زیارتی نیز کمتر از گذشته شده است.

در کنار این موضوع، برخی فعالان بازار معتقدند که انتشار خبر دعوت رسمی گروه ویژه اقدام مالی (FATF) از رئیس مرکز اطلاعات مالی کشور برای مذاکره حضوری، پس از شش سال، نیز ممکن است بر افت قیمت ارز موثر بوده باشد. ایران در ماه‌های اخیر تلاش‌هایی برای خروج از فهرست سیاه FATF آغاز کرده و در گام نخست، کنوانسیون پالرمو چندی قبل در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد. همچنین تودیع این سند نزد امین اسناد سازمان ملل متحد در دستور کار وزارت امور خارجه قرار گرفته و فرآیند تصویب کنوانسیون CFT نیز در حال پیگیری است.

با این وجود برخی کارشناسان تاکید می‌کنند که هنوز برای خروج ایران از لیست سیاه گام‌های زیادی باید برداشت. در کنار این موضوع، گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال آغاز مجدد مذاکرات ایران و آمریکا نیز فضای روانی بازار را تحت‌تاثیر قرار داده است.

رونق عرضه‌های اولیه در هند؛ موتور تازه رشد اقتصادی

بازار ســـرمایه هند در حال تجربه یکی از پرجنب‌وجوش‌ترین دوره‌های خود در دهه‌های اخیر است. موجی از عرضه‌های اولیه سهام (IPO) که از سال گذشته آغاز شده، در سال جاری میلادی شـــتابی بی‌سابقه گرفته و به گفته تحلیلگران، می‌تواند نشانه‌ای از تغییر ساختاری در مسیر رشد اقتصادی این کشور باشد.

داده‌های موسسه «دیلوجیک» نشان می‌دهد که از ابتدای سال تاکنون نزدیک به ۳۰۰ عرضه اولیه در بورس‌های هند انجام شـــده اســـت؛ رقمی که از کل معاملات مشابه در سال ۲۰۲۳ فراتر رفته و انتظار می‌رود این روند تا سال ۲۰۲۶ نیز ادامه یابد. برخی از بزرگ‌ترین شرکت‌های هندی، از جمله «جیو» متعلق به گروه «ریلاینس» به رهبری موکش آمبانی، ثروتمندترین مرد آسیا، در صف ورود به بازار سهام قرار دارند.

بـــه گفته تحلیلگران، دلیل اصلی این موج، ارزش‌گذاری مطلوب ســـهام و بازگشـــت اعتماد ســـرمایه‌گذاران است. شاخص «نیفتی ۵۰» که یکی از شاخص‌های مرجع بازار سهام هند است، تنها کمتر از یک درصد پایین‌تر از اوج خود در سپتامبر ۲۰۲۴ قرار دارد و با نسبت قیمت به سود حدود ۲۴ معامله می‌شود؛ سطحی که بالاتر از میانگین تاریخی بیست‌ساله این شاخص است. رشد پایدار شاخص‌ها نه‌تنها سرمایه‌گذاران نهادی، بلکه خانوارهای عادی را نیز به بورس کشانده است. درحالی‌که در سال ۲۰۲۰ تنها ۲.۵درصد از پس‌انداز خانوارها در سهام و صندوق‌های سرمایه‌گذاری جریان داشت، امروز این رقم به حدود ۵درصد رسیده است.

گسترش ابزارهای پرداخت دیجیتال، مقررات ساده‌تر و افزایش شفافیت در فرآیند ثبت‌سفارش، حضور ســـرمایه‌گذاران خرد را تســـهیل کرده اســـت. آن‌گونه که پراناوهالدیا از پایگاه داده «پرایم دیتابیس» توضیح می‌دهد، در گذشـــته خرید سهام مســـتلزم پر کردن ده‌ها فرم کاغذی بود، اما اکنون تنها با چند کلیک در اپلیکیشن‌های مالی امکان‌پذیر است. این دموکراتیزه شدن بازار سرمایه باعث شده‌میلیون‌ها سرمایه‌گذار جدید به بازار جذب شوند و موجی از نقدینگی تازه به سمت تولید و سرمایه‌گذاری روانه شود.

با وجود رشـــد اقتصادی قابل‌توجه در ســـال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در هند همچنان پایین‌تر از سطح مطلوب است. سهم سرمایه‌گذاری شرکت‌ها از تولید ناخالص داخلی در حدود ۱۰درصد ثابت مانده، درحالی‌که دولت هدف‌گذاری کرده است تا با تقویت بخش خصوصی و افزایش سرمایه‌گذاری، هند را تا سال ۲۰۴۷ به کشوری توسعه‌یافته تبدیل کند. کاهش مالیات شرکت‌ها در سال ۲۰۱۹ و طرح‌های حمایتی متعدد تاکنون نتوانسته‌اند محرک کافی برای جهش سرمایه‌گذاری باشند. از این رو، کارشناسان امیدوارند بازار سهام و روند جدید عرضه‌های اولیه بتوانند این خلأ را پر کنند و منابع لازم برای پروژه‌های صنعتی و فناورانه را فراهم آورند.

نشانه‌های امیدوارکننده

نشانه‌هایی از تحقق این امید در حال ظهور است. بنا بر گزارش اکونومیست، بخش انرژی، به‌ویژه انرژی‌های تجدیدپذیر، سهم چشم‌گیری در این رونق دارد. شرکت «واری انرژیز» نخستین شرکت بزرگ حوزه انرژی خورشیدی بود که در اکتبر ۲۰۲۴ وارد بورس شد. پس از آن «ان‌تی‌پی‌سی گرین انرژی» با ارزش‌گذاری ۱۲میلیارد دلاری عرضه شد و شرکت «وادا الکترو» نیز برای تامین مالی افزایش ظرفیت تولید پنل‌های خورشیدی خود درخواست عرضه اولیه داده است. این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که هند در سال ۲۰۲۴ یکی از پیشتازان جهانی سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک بوده است.

در کنار شرکت‌های انرژی، استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های فناوری نیز سهم چشم‌گیری در موج جدید عرضه‌ها دارند. اپلیکیشن تحویل غذای «سوئیگی» در اواخر ۲۰۲۴ با ارزش‌گذاری ۱۲.۷میلیارد دلار وارد بازار شد. شرکت «آتر انرژی»، تولیدکننده اسکوترهای برقی، نیز در مارس سال جاری سهام خود را عرضه کرد تا بتواند سرمایه لازم برای احداث کارخانه جدیدش را جذب کند. هر دو شرکت هنوز به سوددهی نرسیده‌اند، اما به گفته تحلیلگر شرکت «برنستاین»، ونوگوپال گاره، جذب سرمایه از طریق بورس به آنها امکان می‌دهد رشد خود را حفظ کنند و در شهرهای جدید فعالیت خود را گسترش دهند. او تاکید می‌کند که حتی اگر برخی از این شرکت‌ها بیش از حد ارزش‌گذاری شده باشند، این مساله تهدیدی برای ثبات اقتصاد کلان نیست، زیرا سطح بدهی در سیستم مالی پایین است و خطر سرایت مالی وجود ندارد.

با این حال، تمام عرضه‌های اولیه منجر به جذب ســـرمایه جدید برای تولید نمی‌شوند. آمارها نشان می‌دهد حدود دو سوم IPOهای امسال در قالب «عرضه برای فروش» بوده‌اند؛ به این معنا که سهامداران فعلی بخشی از دارایی خود را نقد کرده‌اند و منابع تازه‌ای وارد شرکت نشده است. با این وجود، تحلیلگران معتقدند چنین عرضه‌هایی نیز برای اقتصاد مفیدند، زیرا به صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر و خصوصی اجازه می‌دهد از سرمایه‌گذاری‌های قبلی خارج شوند و منابع خود را به سمت اســـتارت‌آپ‌های جدید هدایت کنند. شایلندرا سینگ از شرکت سرمایه‌گذاری «پیک ایکس وی» در این باره می‌گوید: «رونق بازار عرضه‌های اولیه هدیه‌ای بزرگ برای اکوسیستم فناوری هند است و به سرمایه‌گذاران جسور اطمینان می‌دهد که می‌توانند در پروژه‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری کنند.»

در عین حال، برخی شرکت‌های خارجی نیز از این شرایط برای کاهش سهم خود در بازار هند و نقد کردن سودهای انباشته استفاده کرده‌اند. شرکت‌های کره‌ای «ال‌جی الکترونیکس» و «هیوندای موتور» با عرضه بخشی از سهام واحدهای هندی خود، بخشی از سرمایه‌گذاری‌های چنددهه‌ای‌شان را آزاد کرده‌اند. همچنین سرمایه‌گذاران نهادی خارجی امسال حدود ۱۸میلیارد دلار از بازار سهام هند خارج کرده‌اند. با این وجود، از اواخر اکتبر و همزمان با گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال توافق تجاری میان هند و آمریکا، روند خروج سرمایه متوقف شده است.

تاریخ بازار ســـهام هند نیز نشان می‌دهد که رونق مالی می‌تواند پایه‌گذار تحولات اقتصادی بزرگ باشـــد. در قرن نوزدهم، بمبئی (مومبای کنونی) در دوران جنگ داخلی آمریکا با جذب سرمایه‌های ناشی از تحریم پنبه جنوب، به مرکز مالی منطقه بدل شد و ثروت آن دوره پایه‌گذار توسعه شهری و صنعتی شهر شد. اکنون به نظر می‌رسد رونق جدید بورس هند می‌تواند بار دیگر همان نقش تاریخی را ایفا کند؛ این بار نه به واسطه تحریم‌ها، بلکه در نتیجه ادغام گسترده‌تر هند در تجارت جهانی و اعتماد فزاینده سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به چشم‌انداز بلندمدت این اقتصاد نوظهور.

موانع اصلی رشد طلا

معاملات جهانی طلا، در روزهای اخیر، هفته‌ای پرنوسان را پشت سر گذاشتند. با این حال، روز جمعه معاملات طلا در قیمت ۴۰۲۱ دلار بر اونس آغاز شـــد و در قیمت ۴۰۰۲ دلار پایان یافت. با وجود اصلاح قیمت ســـنگین بسیاری از تحلیلگران انتظار رشـــد بیشتر بهای فلز زرد را دارند. با این، تحولات در برخی از عوامل رشد طلا، می‌تواند باعث کاهش استقبال سرمایه‌گذاران از این فلز ارزشمند شود.

اگرچـــه طلا اخیرا پس از ثبت رکورد تاریخی، حدود ۱۰درصد کاهش قیمت را تجربه کرده و به حدود ۴۰۰۰ دلار در هر اونس برگشـــته، اما احساسات در بازار همچنان صعودی است. در کنفرانس سالانه انجمن بازار فلزات گران‌بهای لندن(LBMA) که در کیوتو برگزار شد، مدیرعامل این نهاد از آغاز «فصلی جدید» برای طلا سخن گفت و نظرسنجی شرکت‌کنندگان نیز افزایش حدود ۲۷ درصدی قیمت طی یک سال آینده را پیش‌بینی کرد.

با این حال، تجربه تاریخی یادآور می‌شود که پس از اوج‌گیری طلا در سال ۲۰۰۸، حدود ۹ سال طول کشید تا بازار دوباره به قله‌های مشابه برسد؛ بنابراین، روند کلی ممکن است صعودی باشد، اما پرنوسان و زمان‌بر خواهد بود. به گزارش بلومبرگ، سه سناریوی احتمالی وجود دارد که می‌تواند خوش‌بینی موجود نسبت به طلا را به چالش بکشد. نخستین سناریو بازگشت اقتدار و استقلال کامل فدرال‌رزرو است. اوج اخیر قیمت طلا با تلاش دونالد ترامپ برای برکناری یکی از اعضای فدرال‌رزرو گره خورد؛ موضوعی که نگرانی‌ها درباره استقلال بانک مرکزی آمریکا را افزایش داد.

اگر دیوان عالی آمریکا در ســـال آینده در این پرونده به سود فدرال‌رزرو رای دهد، بخشی از انگیزه صعود قیمت طلا از بین خواهد رفت، زیرا تقویت نقش مستقل سیاست پولی، همزمان با کاهش انتظارات تورمی، معمولا فشار صعودی طلا را نیز کاهش می‌دهد. سناریوی دوم کاهش خرید طلا توسط بانک‌های مرکزی است. طی سال‌های اخیر، خرید گسترده طلا توسط بانک‌های مرکزی یکی از موتورهای اصلی صعود قیمت بوده است. اما با رشد ذخایر طلای برخی کشورها به سطح هدف‌گذاری‌شده، احتمال توقف یا حتی فروش بخشی از ذخایر وجود دارد. برای نمونه، مقام پولی فیلیپین اخیرا پیشنهاد فروش بخشی از ذخایر طلا را مطرح کرده است. هرگونه کاهش خرید خالص طلا توسط بانک‌های مرکزی، می‌تواند روند صعودی این دارایی ارزشمند را کم‌سرعت کند.

روزنامه مرز اقتصاد ۴
www.marzeghtesad.ir
شنبه ۲۳ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۰
www.marzeghtesad.ir

بازار «برق خورشیدی» در لرستان

خرم‌آباد: معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری لرستان گفت: اکنون ۷۱۷ نیروگاه خورشیدی در لرستان فعال است که با راه‌اندازی ۱۰ ساختگاه جدید ظرفیت تولیدی این انرژی تجدیدپذیر به بیش از ۱۰ برابر می رسد.

مهدی مجیدی اظهار کرد: تاکنون ۷۱۷ نیروگاه خورشیدی خانگی در شهرستان‌های مختلف استان احداث شده که حدود ۸۰ درصد آنها با محوریت نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد امام خمینی(ره) و بسیج سازندگی انجام شده است.

وی افزود: بیشترین تعداد مربوط به شهرستان سلسله با ۲۰۲ فقره نیروگاه و ظرفیت تولید برق ۴هزار و ۲۴۲ کیلووات است.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار لرستان اظهار کرد: خانوارهای بهره‌مند از این طرح ماهانه به‌طور میانگین ۵تا ۶میلیون تومان درآمد پایدار از محل فروش برق به شرکت توزیع برق دریافت می‌کنند و خرید تضمینی برق از این نیروگاه‌ها تا ۲۵ سال ادامه خواهد داشت.

مجیدی با بیان اینکه سرمایه‌گذاری لازم برای احداث نیروگاه خورشیدی پنج کیلوواتی در شرایط فعلی حدود ۱۷۰ تا ۱۸۰میلیون تومان است، اضافه کرد: نهادهای حمایتی به دهک‌های یک تا چهار تسهیلات بانکی ارائه می‌کنند و افراد غیر از این دهک‌ها نیز می‌توانند با سرمایه‌گذاری شخصی وارد این طرح شوند.

وی ادامه داد: علاوه بر نیروگاه‌های خانگی ۱۰ ساختگاه بزرگ خورشیدی با ظرفیت مجموع ۳۰ مگاوات نیز در دستور کار قرار دارد که پس از تصویب در کمیسیون ماده ۲۱، اجرای آنها آغاز می‌شود و با بهره‌برداری از این طرح‌ها، ظرفیت انرژی خورشیدی استان به بیش از ۱۰ برابرمیزان فعلی افزایش خواهد یافت.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار لرستان با اشاره به محدودیت‌های موجود در برخی اراضی استان به دلیل منابع طبیعی و پوشش جنگلی افزود: تلاش می‌شود مکان‌یابی این نیروگاه‌ها به‌گونه‌ای انجام گیرد که کمترین آسیب به اراضی کشاورزی و منابع طبیعی وارد شود.

مجیدی همچنین درباره وضعیت طرح نهضت ملی مسکن در لرستان گفت: از زمان آغاز اجرای این طرح در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ تاکنون تنها ۵۰ درصد متقاضیان به تسهیلات بانکی متصل شده‌اند و اگر این تسهیلات در زمان مقرر پرداخت می‌شد، بسیاری از متقاضیان تاکنون صاحب خانه شده بودند.

وی تاکید کرد: گسترش بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین راهکارهای مقابله با مخاطرات زیست‌محیطی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی مطرح است و در این میان انرژی خورشیدی به دلیل فراوانی، پاکی و توجیه پذیری اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های توسعه‌ای کشورها یافته است.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار لرستان گفت: استان لرستان نیز طی سال‌های اخیر با اجرای طرح‌های متعدد در حوزه نیروگاه‌های خورشیدی خانگی و صنعتی، مسیر پایداری را برای تامین برق و ایجاد درآمد پایدار برای خانوارها دنبال می‌کند و رشد چشم‌گیر ظرفیت تولید برق خورشیدی در لرستان نشان‌دهنده حرکت سریع این استان در جهت توسعه انرژی پاک و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های طبیعی خود است.

وزن صادراتی منطقه ویژه خلیج‌فارس

بر اساس آمار منتشر شده، شرکت‌های مستقر در این منطقه توانسته‌اند به‌رغم تحریم‌ها، محدودیت‌های جهانی و نوسانات بازار، روندی صعودی در تولید و صادرات محصولات خود حفظ کنند و نقش موثری در توسعه صادرات غیرنفتی کشور ایفا کنند که در این زمینه عملکرد شرکت‌های فولادی مستقر در منطقه همچون فولاد هرمزگان، مادکوش، صبا فولاد خلیج فارس و فولاد کاوه جنوب کیش برجسته بوده است.

محمدرضا پیرحسینلو، مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی خلیج‌فارس گفت: در این منطقه با پشتیبانی همه‌جانبه ایمیدرو، همراهی شرکت‌های مستقر و مسوولان محلی، پروژه‌های متعددی در حوزه زیرساخت، انرژی و لجستیک به مرحله اجرا رسید که تاثیر مستقیمی در افزایش ظرفیت تولید و رشد کم‌سابقه صادرات این منطقه داشت.

وی، نقش محوری این منطقه در توسعه صادرات غیرنفتی کشور را برجسته دانست و افزود: این موفقیت، حاصل عزم جدی و برنامه‌ریزی دقیق در شرایطی است که جهان با چالش‌های متعدد اقتصادی و محدودیت‌های تجاری مواجه بوده است.

براساس آمارهای رسمی منتشر شده، ارزش صادرات منطقه ویژه اقتصادی خلیج فارس در سال گذشته به رقم چشم‌گیر یک‌میلیارد و ۴۹۴میلیون و ۹۸۳ هزار دلار رسید. این حجم از صادرات، عمدتا شامل محصولات استراتژیک فولادی، آلومینیومی، روی، پتروشیمی و سایر مواد معدنی بوده که به بازارهای متنوع بین‌المللی ارسال شده‌اند.

از سوی دیگر، حجم تولید شرکت‌های مستقر در این منطقه نیز عدد قابل‌توجه ۸میلیون و ۶۷۴ هزار و ۲۴۶ تن را ثبت کرده که از این مقدار، ۳میلیون و ۷۵۳ هزار و ۵۲۸ تن به صورت مستقیم صادر شده است.در بخش صنایع غیرآهنی، شرکت‌های هرمزال و آلومینیوم المهدی با تولید بیش از ۱۵۲،۰۰۰ تن شمش آلومینیوم، عملکردی باثبات و تاثیرگذار داشتند. این مجموعه‌ها به‌رغم نوسانات نرخ انرژی، رشد مثبت صادرات را تجربه کردند و با ثبت ارزش صادراتی ۲۷۸میلیون و ۲۳۴ هزار دلار، نقش کلیدی در حفظ تراز تجاری منطقه ایفاکردند.

راز شلوغی «شمال»

بیتا حسن پور - بر اساس تقویم رسمی، در ایران شش روز کاری در هفته داریم. با این حال در چند ماه اخیر به‌واسطه ناترازی در آب و انرژی، نسخه‌ای از تعطیلی دو روزه آخر هفته اکران شد.

همین موضوع سبب شده تا مشابه تابستان، شاهد ترافیک سنگین در جاده‌های منتهی به شمال در پاییز هم باشیم. چرا با وجود تعطیلی دو روزه آخر هفته توزیع زمانی و مکانی سفر اتفاق نیفتاده؟ «دنیای اقتصاد» در گفت‌وگو با کارشناسان و مدیران کل گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع دستی دو استان مازندران و گیلان به پنج عامل رسیده است.

اولین آنها به تازه بودن چنین رویه‌ای برمی‌گردد. این موضوع سبب می‌شود در آخر هر هفته بخشی از گردشگران تصمیم به سفر شمال بگیرند؛ در نتیجه پس از یکی دو ماه شاهد تعادل و کاهش ترافیک در جاده‌های منتهی به شمال خواهیم بود. دومین عامل به پایدار نبودن این رویه مربوط است. این استان‌ها بر اساس تصمیم استانداران‌شان تعطیلی دو روزه آخر هفته دارند و در تقویم رسمی، هنوز هفته کاری، شش روزه است. بنابراین خانواده‌ها تلاش می‌کنند از فرصت به دست آمده بیشترین بهره را ببرند. سومین دلیل ترافیک سنگین آخر هفته‌های جاده شمال به موضوع ناترازی ارتباط دارد. گردشگرانی که تجربه تلخ قطعی آب و برق را در تابستان داشتند ترجیح می‌دهند به مقاصدی سفر کنند که مشکلی از این بابت نداشته باشند.

عامل چهارم به اقلیم خاص مهر ۱۴۰۴ برمی‌گردد. از ابتدای پاییز تا نیمه آبان در بیش از نیمی از استان‌های کشور نه هوا ابری شد، نه باران آمد و نه حتی خنکی پاییز را مردم حس کردند درحالی‌که در شمال هر سه مورد را می‌توانند تجربه کنند. آخرین و پنجمین عامل به ضعف بازار گردشگری در معرفی مقاصد بکر و جذاب‌تر از شمال به لحاظ ثبت خاطره خوش سفر مربوط می‌شود. در نتیجه مردم همچنان سراغ همان مقاصد سنتی می‌روند. این عوامل سبب شده به گفته مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان مازندران در سال ۱۴۰۴ نسبت به مهر سال قبل با رشد ۱۵ درصدی گردشگری در این استان مواجه باشیم.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان مازندران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» از افزایش محسوس ورود گردشگران به این استان در سال جاری خبر و در عین حال هشدار داد که زیرساخت‌های موجود توان پاسخ‌گویی به این حجم از مسافر را ندارند. به گفته او، رشد تردد و اقامت گردشگران بدون توسعه هم‌زمان شبکه راه‌ها، خدمات شهری و امکانات رفاهی، می‌تواند مشکلاتی ایجاد کند.

سید احمد ایزدی، مدیرکل میراث فرهنگی مازندران گفت: آمارهای رسمی نشان می‌دهد که از ابتدای سال تا پایان مهرماه، تردد گردشگران به استان حدود ۱۵ درصد و اقامت آنان در مراکز رسمی و خانه‌مسافرها حدود ۱۲ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته است.

او افزود: در یک مقطع زمانی مشخص، به‌ویژه در دوره ۱۲ روزه جنگ، شاهد رشد چشم‌گیری در ورود گردشگران بودیم. پس از آن، این روند کمی کاهش یافت، اما از مهرماه دوباره شاهد افزایش تردد هستیم. در همین ۱۰ روز نخست آبان هم میزان اقامت نسبت به سال قبل بالاتر رفته است.

ایزدی مهم‌ترین عامل این افزایش را نزدیکی جغرافیایی و دسترسی آسان مازندران به تهران و استان‌های مرکزی عنوان و اضافه کرد: مازندران به مرکز کشور نزدیک است. بسیاری از خانواده‌ها در این استان اقوام یا آشنایانی دارند و همین باعث می‌شود سفر به مازندران هم راحت‌تر و هم اقتصادی‌تر باشد. اگر بخواهیم مقایسه کنیم، مثلا استان خراسان رضوی به دلیل فاصله زیاد، بیشتر مقصد سفرهای سالانه است، اما مازندران مقصد هر آخر هفته و تعطیلات کوتاه‌مدت شده است.

او همچنین به نقش تعطیلی رسمی پنج‌شنبه‌ها در برخی استان‌ها اشاره کرد و گفت:پیش از این، فقط جمعه‌ها تعطیل بود و نهایتا مردم از عصر چهارشنبه راهی شمال می‌شدند. اما حالا با تعطیلی پنج‌شنبه‌ها، زمان سفر بیشتر شده و همین موضوع باعث افزایش ورود گردشگران به استان شده است.

افزایش تردد گردشگران همواره با دغدغه ترافیک جاده‌ای و فشار بر زیرساخت‌ها همراه است. ایزدی در این باره گفت: چه جاده چالوس را در نظر بگیریم، چه فیروزکوه و چه هراز و... همیشه ترافیک بین تهران و مازندران بالا بوده است. اما اکنون با افزایش جمعیت و رشد تعداد خودروها، این حجم از تردد به یک مساله جدی تبدیل شده است.

به گفته مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری استان مازندران، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، خدماتی و شهری استان پاسخگوی این حجم از گردشگر نیستند و باید برای مدیریت بهتر، سیاست توزیع گردشگری و... در سراسر استان اجرا شود. ایزدی افزود: وقتی از زیرساخت صحبت می‌کنیم، فقط جاده و هتل مدنظر نیست. تمام دستگاه‌ها باید پای کار بیایند. به عنوان مثال، با افزایش تعداد خودروها، باید تعداد جایگاه‌های سوخت هم بیشتر شود. همین‌طور سیستم آب‌رسانی، جمع‌آوری فاضلاب و شبکه برق باید توسعه پیدا کند.

یکی از محورهای سخنان مدیرکل میراث فرهنگی، نظم‌بخشی به خانه‌مسافرها بود. او گفت: در حال حاضر تعداد زیادی خانه‌مسافر فعال در استان وجود دارد. ما باید بتوانیم این مجموعه‌ها را شناسایی، ساماندهی و نظارت کنیم تا هم ایمنی گردشگران تضمین شود و هم کیفیت خدمات بالا برود.

رشد ۲۸ درصدی توریسم گیلان در شهریور

سرپرست اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان گیلان از رشد چشم‌گیر ورود گردشگران در شش‌ماهه نخست سال و تداوم این روند در پاییز امسال خبر داد. به گفته او شمار اقامت شب گردشگران به بیش از ۸۰میلیون نفر-شب رسیده است.

او تاکید کرد که بخش قابل‌توجهی از این افزایش ناشی از تمایل شهروندان پایتخت و استان‌های همجوار به سفرهای کوتاه‌مدت در تعطیلات آخر هفته است؛ سفری که با وجود مشکلات ترافیکی، همچنان گیلان را به عنوان یکی از مقاصد محبوب گردشگری شمال در بالای فهرست استان‌های توریست‌پذیر قرار داده است.

به گفته سلمان‌خواه ۱۳میلیون خودرو، ۴۰میلیون گردشگر و ۸۰میلیون شب اقامت در ۶ ماهه نخست ثبت شده است. او اضافه کرد: بر اساس گزارش‌های شش‌ماهه نخست سال، حدود ۱۳میلیون خودرو وارد استان گیلان شده‌اند. از این میزان، نزدیک به ۴۰میلیون نفر به‌عنوان مسافر و گردشگر به استان وارد شده‌اند که مجموع اقامت شب آنها در مراکز رسمی و غیررسمی بیش از ۸۰میلیون نفر-شب برآورد می‌شود.

او با اشاره به اینکه آمارها در ماه‌های پاییز هنوز به‌طور کامل نهایی نشده است، اما روند تردد مهر و آبان‌ماه نیز نشان از افزایش قابل‌توجه گردشگران نسبت به سال گذشته دارد، افزود: در شهریورماه رشد ۲۸درصدی تردد را ثبت کردیم و بر اساس داده‌های مقدماتی، این افزایش در مهر و نیمه نخست آبان هم ادامه داشته است.

سرپرست میراث فرهنگی گیلان یکی از عوامل اصلی افزایش سفرها را گرایش روزافزون مردم پایتخت به طبیعت شمال دانست. به گفته او، شرایط اقلیمی، آلودگی هوای تهران و فشارهای زندگی شهری، میل به سفر به استان‌های شمالی را تقویت کرده است. او اضافه کرد: در ماه‌های اخیر، پدیده آلودگی هوا در تهران و برخی مراکز استان‌ها موجب شده مردم برای رهایی از فضای سنگین شهری به سمت استان‌های شمالی از جمله گیلان حرکت کنند. از سوی دیگر، بسیاری از خانواده‌ها در گیلان خانه دوم دارند و همین مساله سبب شده میل به سفر به این استان همیشگی باشد.

جمینای رایگان برای هندی‌ها

«گوگل» و «موکش آمبانی» قصد دارند با همکاری یکدیگر، امکان دسترسی رایگان به هوش مصنوعی را برای کاربران هندوستان فراهم کنند. گوگل با همکاری شرکت «ریلاینس ایندستریز» (Reliance Industries) متعلق به «موکش آمبانی»(Mukesh Ambani) میلیاردر هندی، دسترسی رایگان به نسخه Pro هوش مصنوعی خود را برای میلیون‌ها کاربر سرویس «جیو» (Jio) در هند فراهم می‌کند.

به گزارش تک‌کرانچ، گوگل در تلاش برای گسترش حضور هوش مصنوعی خود در بازارهای نوظهور، با شرکت ریلاینس ایندستریز همکاری کرده است تا اشتراک نسخه Pro هوش مصنوعی خود را بدون هیچ هزینه اضافی با طرح‌های ۵ جیو همراه کند. گوگل از همکاری با ریلاینس ایندستریز -بزرگ‌ترین شرکت هند از نظر ارزش بازار- برای ارائه اشتراک رایگان نسخه Pro به مدت ۱۸ ماه برای کاربران واجد شرایط جیو خبر داد.

پارادوکس هوش مصنوعی

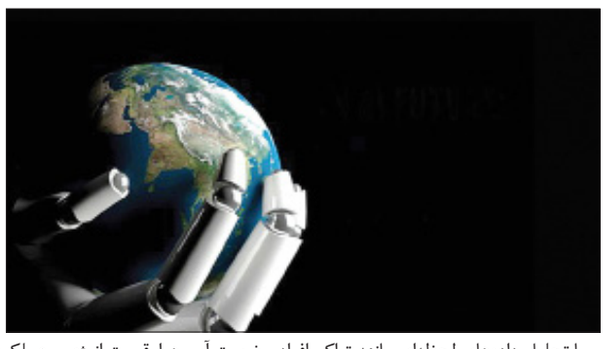

هوش مصنوعی با وجود مصرف بالای انرژی و منابع، به‌سرعت در حال تبدیل شدن به یکی از ابزارهای موثر در مقابله با تغییرات اقلیمی است. از ساختمان‌های هوشمند گرفته تا خودروهای برقی و مدیریت ترافیک شهری، فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند مصرف انرژی و انتشار گازهای گلخانه‌ای را به میزان چشم‌گیری کاهش دهند.

پارادوکس هوش مصنوعی

با این حال، رشد فزاینده مراکز داده و نیاز آنها به برق و خنک‌سازی، چالشی جدی برای پایداری زیست‌محیطی ایجاد کرده است.

کارشناسان معتقدند آینده‌ی سبز هوش مصنوعی در گرو دو عامل کلیدی یعنی تامین انرژی از منابع تجدیدپذیر و افزایش کارآیی سیستم‌هاست. در این میان، نقش سیاستگذاران و شرکت‌های فناوری در شفاف‌سازی ردپای انرژی و تعهد به استفاده از انرژی پاک، بیش از پیش اهمیت دارد. با این اوصاف می‌توان گفت که هوش مصنوعی می‌تواند هم تهدیدی برای محیط‌زیست باشد و هم ناجی آن.

فناوری سبز؟

هوش مصنوعی اغلب به دلیل مصرف زیاد برق و آب مورد انتقاد قرار می‌گیرد. مراکز داده‌ای که هوش مصنوعی را تغذیه می‌کنند، اکنون حدود ۱.۵ درصد از کل مصرف برق جهان را به خود اختصاص داده‌اند و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که این رقم تا سال ۲۰۳۰ ممکن است دو برابر شود.با این حال، در میان این نگرانی‌ها، پژوهشگران در حال کشف روش‌های چشم‌گیری هستند که هوش مصنوعی می‌تواند برای مقابله با تغییرات اقلیمی و کاهش اثرات زیست‌محیطی به کار گرفته شود.

به گزارش مجله تک‌لایف، آزمایش‌ها و اجرای اولیه نشان می‌دهند که سیستم‌های هوش مصنوعی برای کاهش مصرف انرژی در ساختمان‌ها، بهینه‌سازی زمان شارژ خودروهای برقی، حمایت از فرآیندهای صنعتی پاک‌تر و حتی بازطراحی جریان ترافیک شهری برای کاهش آلاینده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

این کاربردها نوعی پارادوکس را نشان می‌دهند. همان فناوری که مقدار زیادی انرژی مصرف می‌کند، ممکن است به بخش مرکزی سیستم‌هایی تبدیل شود که اتلاف انرژی و انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش می‌دهند.

در بخش ساختمان‌ها که بخش قابل‌توجهی از انتشار جهانی گازهای گلخانه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد، هوش مصنوعی به طور فزاینده‌ای برای مدیریت نور، گرمایش، تهویه و سرمایش به کار رفته می‌شود.

با تحلیل داده‌های لحظه‌ای مانند تراکم افراد، وضعیت آب‌وهوا، قیمت انرژی و عملکرد سیستم‌های داخلی، کنترل‌های هوشمند می‌توانند سیستم‌ها را به‌صورت پویا تنظیم کنند. همچنین نیاز به تعمیرات را پیش از بروز خرابی تشخیص دهند، و مصرف انرژی را بر اساس تقاضای واقعی بهینه کنند.

مطالعات نشان می‌دهند که با استفاده از این روش‌ها، مصرف انرژی ساختمان‌ها می‌تواند بین ۱۰ تا ۳۰ درصد کاهش یابد. خودروهای برقی نیز فرصت دیگری در این زمینه ارائه می‌دهند. هوش مصنوعی می‌تواند رفتار شارژ خودروها را طوری تنظیم کند که با زمان‌هایی هم‌زمان شود که تقاضا و میزان انتشار در شبکه کمتر است؛ مانند شب‌ها یا هنگامی که انرژی تجدیدپذیر به وفور در دسترس است.

چنین زمان‌بندی‌ای می‌تواند وابستگی به نیروگاه‌های سوخت فسیلی را کاهش داده و پایداری کلی شبکه برق را بهبود بخشد.

از مزایای اضافی آن نیز می‌توان به ادغام سیستم‌های ذخیره انرژی خانگی، پنل‌های خورشیدی و خودروهای برقی در یک راهبرد انرژی یکپارچه و هوش‌محور اشاره کرد. در حوزه حمل‌ونقل نیز، سیستم‌های چراغ راهنمایی مبتنی بر هوش مصنوعی و ابزارهای زمان‌بندی هوشمند در حال آزمایش روش‌هایی برای روان‌تر کردن جریان ترافیک و کاهش توقف‌های مکرر هستند.

یکی از این پروژه‌ها نشان داد که می‌توان اختلالات ترافیکی را تا ۳۰ درصد کاهش داد و میزان انتشار آلاینده‌ها را در مناطق شهری شرکت‌کننده تا ۱۰ درصد پایین آورد.

در صورت اجرای گسترده‌ی این فناوری‌ها، چنین بهبودهایی می‌تواند نحوه‌ی مدیریت جابه‌جایی در شهرها و همچنین میزان انتشار روزانه‌ی کربن آنها را به طور اساسی دگرگون کند.

دو روی سکه

به‌کارگیری هوش مصنوعی در نقش‌های مرتبط با جبران اثرات اقلیمی یک پارادوکس اساسی را آشکار می‌کند: همان زیرساخت‌های محاسباتی که این کارایی‌ها را ممکن می‌سازند، خودشان به‌شدت انرژی‌بر هستند.

با گسترش استفاده از هوش مصنوعی، نیاز مراکز داده به توان پردازشی، خنک‌سازی و انرژی برق نیز افزایش می‌یابد. بدون تامین دقیق انرژی از منابع تجدیدپذیر و بهبود بهره‌وری سیستم‌ها، مزایای زیست‌محیطی هوش مصنوعی ممکن است توسط ردپای کربنی خود آن خنثی شود. با وجود شواهد اولیه امیدوارکننده، این فناوری هنوز در مرحله‌ای آزمایشی است. بسیاری از سامانه‌ها هنوز در حد پروژه‌های پایلوت هستند و در سطح جهانی گسترش نیافته‌اند. البته، چالش‌های متعددی در مسیر مقیاس‌پذیری این سیستم‌ها وجود دارد. تفاوت انواع ساختمان‌ها، شرایط جغرافیایی با شبکه‌های انرژی متفاوت، و ضرورت هماهنگ‌سازی بهینه‌سازی شارژ خودروهای برقی با شدت مصرف انرژی محلی از جمله این چالش‌هاست.

علاوه بر این، مزایای اقلیمی هوش مصنوعی خودکار نیستند؛ آنها وابسته‌اند به اینکه مدل‌ها چگونه آموزش داده می‌شوند، در چه زمانی و کجا به کار گرفته می‌شوند و این‌که آیا شبکه‌های برق زیربنایی در مسیر کربن‌زدایی هستند یا نه.

دولت‌ها و شرکت‌ها به‌تدریج اهمیت هماهنگ‌سازی استفاده از هوش مصنوعی با استراتژی‌های اقلیمی را درک کرده‌اند. در حال حاضر، درخواست‌ها برای شفافیت بیشتر در مصرف انرژی هوش مصنوعی، تدوین استانداردهای دقیق‌تر برای بهره‌وری مراکز داده و الزام شرکت‌های فناوری به استفاده از انرژی پاک در حال افزایش است. برخی کارشناسان معتقدند که اگرچه هوش مصنوعی ابزارهایی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای فراهم می‌کند، اما نمی‌تواند جایگزین تغییرات نظام‌مندتر و گسترده‌تر شود؛ مانند گذار به انرژی کم‌کربن، نوسازی زیرساخت‌های قدیمی و طراحی دوباره‌ی شهرها برای کاهش نیاز به سفر.

چشم‌انداز در حال شکل‌گیری، دو مسیر موازی را نشان می‌دهد. یکی مسیری که در آن هوش مصنوعی به ابزاری اقلیمی برای افزایش بهره‌وری تبدیل می‌شود و دیگری که در آن نیازهای انرژی‌بر آن، نیازمند کنترل و کاهش است. برای جامعه اقلیمی، وظیفه‌ی اصلی این است که مسیر نخست بر مسیر دوم پیشی بگیرد. هدفی که تحقق آن به نوآوری، مقیاس‌پذیری، و سیستم‌های انرژی پشتیبان هوش مصنوعی بستگی دارد.

تصویر دوم از تورم اجاره

تفاوت رشد اجاره‌بهای تهران در مقایسه با نرخ کشوری، چهره دومی از تورم اجاره را به تصویر کشید. بازار اجاره مسکن پایتخت، در مهرماه روند معکوسی را در مقایسه با تورم اجاره کشوری در پیش گرفت، به‌طوری‌که تورم ماهانه اجاره در آن «صفر» شد در حالی‌که در بازار کشوری به ۳درصد افزایش یافت. شاخص اجاره مسکن «دنیای اقتصاد» در ابتدای آبان ۱۴۰۴، نشان می‌دهد، میانگین «اجاره‌بهای پیشنهادی» واحدهای مسکونی در محله‌های منتخب مناطق ۲۲گانه تهران در مهر ماه، با تبدیل کامل پول پیش به اجاره ماهانه، مانند شهریور، ۴۵۰هزار تومان در هر مترمربع بوده است.

براساس این شاخص، متوسط اجاره‌بهای پیشنهادی در فایل‌های اجاره ۲۲ منطقه پایتخت، آپارتمان‌های میان متراژ با متوسط ۸۶ مترمربع، در سطح ۲۰میلیون و ۲۰۰هزار تومان اجاره ماهانه و پول پیش ۶۰۲میلیون تومان باقی ماند. بررسی‌ها از تغییرات شاخص ماهانه حاکی است، با توجه به اینکه در ابتدای مهر نیز، این رقم برای اجاره ماهانه ۲۰.۲میلیون تومان با پول پیش حدود ۵۹۵میلیون تومان بوده، مشخص می‌شود، بازار اجاره تهران با تورم ماهانه اجاره «صفر»، در ثباتی نسبی به سر می‌برد. همچنین، سنجش اجاره مسکن تهران، حاکی از کاهش قابل‌توجه سرعت رشد نقطه‌ای اجاره‌بها است. تورم نقطه‌ای اجاره پایتخت براساس شاخص اجاره مسکن «دنیای اقتصاد» در مهر ماه ۲۰ درصد برآورد می‌شود، این در حالی است که در سال گذشته میزان تغییرات نقطه‌ای اجاره‌بها در بازه زمانی مشابه در حدود ۳۵درصد بوده است. اما نکته قابل‌توجه در سنجش اجاره مسکن تهران، تفاوت معنادار تورم اجاره مسکن در مقایسه با این تغییرات در کل کشور است. در حالی که براساس داده‌های ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران، تورم نقطه‌ای اجاره در کل کشور ۳۴ درصد و تورم ماهانه آن ۳ درصد بوده، بازار اجاره تهران تورم ماهانه «صفر» را تجربه کرد.

چه اتفاقی افتاد؟ ۴ پیام بازار اجاره مهر

در حالی تورم اجاره مسکن تهران با روندی کاهشی مواجه شده، که تورم عمومی با شیب تندی در حال افزایش است، به طوری که براساس داده‌های مرکز آمار کشور، تورم عمومی کشور در مهر ماه ۴۸.۶ درصد بوده است. از این رو، با توجه به ارقام بررسی شده می‌توان گفت، شرایط برای مستاجران تهرانی با توجه به میزان رشد اجاره‌بها نسبت به وضعیت کل کشور تا حدودی مناسب است، هرچند اجاره‌بها بسیار سنگین و بیشتر از توان پرداختی مستاجران با توجه به سطح درآمدی آنان است. اما سوال مهمی که مطرح می‌شود این است که چرا تورم اجاره مسکن تهران از سطح تورم عمومی کمتر است؟

اگرچه در نگاه اول می‌توان علت را در عدم افزایش تورم مسکن دانست، اما با توجه به اینکه تغییرات اجاره تابعی از تورم عمومی و تورم مسکن است، روند کاهشی را نمی‌توان صرفا در کاهش تورم مسکن جست‌وجو کرد، زیرا افزایش تورم عمومی به‌طور مستقیم بر سطح هزینه‌های زندگی موجران اثر خواهد گذاشت، از این رو در سررسید قراردادهای جدید، تورم عمومی پارامتر اصلی تعیین‌کننده میزان اجاره‌بها با توجه به افزایش هزینه‌های زندگی است.

بررسی‌های «دنیای اقتصاد»، از بازار اجاره تهران نشان می‌دهد، رسیدن سطح تورم نقطه‌ای اجاره مسکن تهران براساس شاخص اجاره مسکن به ۲۰ درصد ناشی از ۴ تحولی است که طی یک ماه گذشته این بازار پشت سر گذاشته است. اولین پیام، عبور از فصل اجاره است؛ براساس سنت هر ساله در بازار اجاره، با عبور از فصل تابستان که بیشترین حجم معاملات در این فصل انجام می‌شود؛ حجم جابه‌جایی‌ها در بازار اجاره‌نشین‌ها نیز کاهش می‌یابد که این فروکش کردن حجم معاملات، احتمالا «عدم تعادل» بین عرضه و تقاضا را نیز کمتر کرده است.

روایت واسطه‌های ملکی حاکی است، با توجه به کاهش مستاجران در این فصل، موجران به‌منظور جذب مستاجر، علاوه بر عدم افزایش اجاره‌بها، مستاجران را مشمول تخفیفات قابل‌توجهی می‌کنند. دومین پیام از شاخص بازار اجاره مسکن تهران در مهرماه آن است که، هر دو سر طیف بازار اجاره، به‌دنبال تمدید اجاره‌نامه هستند و توافق برای تمدید در حال حاضر برای موجران «مطلوب» است. از این رو بر اساس روایت واسطه‌های ملکی، میزان تمدیدها در بعضی از موارد بیشتر از قراردادهای جدید است که البته با توجه به عدم ارائه آمارهای رسمی فقط بر حسب احتمالات و روایت واسطه‌های ملکی می‌توان گفت، موجرها و مستاجران هر دو به دلیل ریسک تغییر، تمدید را امن‌ترین راه می‌دانند و با توجه به اینکه به ویژه در این فصل، یافتن مستاجر جدید با کندی همراه خواهد بود، در حالت تمدید معمولا و به شکل سنتی، «خواسته مستاجر» بیشتر از حالت «قرارداد جدید» مورد توجه موجر قرار می‌گیرد. پیام سوم از نبض اجاره مسکن تهران، رواج تغییر کاهشی «محل اجاره» در حال حاضر است

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
شنبه ۲۳ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۰
www.marzeghtesad.ir

امضای قراردادهای بزرگ‌ترین طرح جمع‌آوری گازهای مشعل

لیلا جلیلوند - قراردادهای جمع‌آوری گازهای مشعل ۱۲ واحد بهره‌برداری نفت در مناطق نفت‌خیز جنوب با دستور رئیس‌جمهوری امضا شد.

۱۲ قرارداد جمع‌آوری گازهای مشعل میدان‌های نفتی در مناطق نفت‌خیز جنوب روز گذشته (شنبه، ۱۰ آبان) با حضور مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران و محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت به‌صورت ویدئوکنفرانس امضا شد. طبق گزارش شرکت ملی نفت این قراردادها مربوط به جمع‌آوری گازهای مشعل میدان‌های رگ سفید ۱ و ۲، بی‌بی حکیمه ۱، کوپال بنگستان، میدان‌های اهواز ۱،۳ و ۴ آسماری، گلخاری ۳، لالی، هفت شهیدان، زیلایی و کارون است.

بر اساس این قراردادها، ۲۹۵میلیون فوت‌مکعب در روز گاز مشعل جمع‌آوری و ۳۲ مشعل خاموش می‌شود و حداکثر زمان لازم برای اجرای آنها ۱۸ ماه در نظر گرفته شده است.

طبق برآوردها اجرای این قراردادها حدود ۸۰۰میلیون دلار سرمایه نیاز دارد که سبب ایجاد درآمد سالانه حدود ۵۵۰میلیون دلار برای کشور، تولید حدود ۸۰۰ هزار تن مایعات گازی در سال برای افزایش خوراک پتروشیمی‌ها و تزریق روزانه ۲۰۰میلیون فوت‌مکعب گاز سبک به شبکه سراسری می‌شود؛ امری که نقش مهمی در تامین انرژی کشور به‌ویژه در فصول سرد سال ایفا می‌کند.

نکته مهم در امضای این قراردادها، حضور پنج سرمایه‌گذار بخش خصوصی واقعی است که با همکاری شرکای خارجی خود، انتقال فناوری به کشور را تسریع خواهند کرد. این شرکت‌ها، شرکت هیربدنیرو، تامکار گاز، هفتان گاز، مشارکت رسم آرا و نیرپارس، شرکت KSC هستند.

برای اجرای این برنامه‌ها افزون بر منابعی که دولت در اختیار ما قرار داده، تلاش گسترده‌ای برای همراه کردن بخش خصوصی انجام داده‌ایم.

حمایت رئیس‌جمهوری برای تسریع اجرای قراردادها

رئیس‌جمهوری با حضور مجازی خود در این مراسم، اهمیت موضوع جمع‌آوری گازها را برجسته کرد. مسعود پزشکیان طی این مراسم اظهار کرد: از وزارت نفت به‌دلیل تسریع در جمع‌آوری گازهای مشعل قدردانی می‌کنم. دولت آماده است هر مشکل و مانعی را که بخش خصوصی در این مسیر دارد، برطرف کند تا حتی این پروژه زودتر از ۱۸ ماه اعلام‌شده به پایان برسد.

وی با بیان اینکه گازهای مشعل در واقع سرمایه و ثروتی هستند که در حال سوختن‌اند و ما تنها نظاره‌گر آن هستیم، افزود: جمع‌آوری این گازها افزون بر بازگشت سرمایه، از آلودگی محیط‌زیست نیز جلوگیری می‌کند. از این‌رو، هرچه بتوانیم زمان اجرای این پروژه را کاهش دهیم، به نفع ما خواهد بود.

برنامه سه‌گانه شرکت ملی نفت

در ادامه مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران نیز با بیان اینکه سه محور اصلی در برنامه هفتم توسعه در دستور کار شرکت ملی نفت ایران قرار گرفته است، اظهار کرد: در برنامه هفتم که نقشه راه دولت وفاق است، سه برنامه کلیدی را در دستور کار داریم؛ نخست افزایش تولید نفت خام به میزان ۴.۵میلیون بشکه در روز، دوم افزایش تولید گاز به حدود ۱.۳میلیارد مترمکعب در روز افزون بر طرح فشارافزایی و سوم جمع‌آوری گازهای مشعل که در میدان‌های مختلف نفت و گاز کشور قرار دارند.

ویافزود: برای اجرای این برنامه‌ها افزون بر منابعی که دولت در اختیار ما قرار داده، تلاش گسترده‌ای برای همراه کردن بخش خصوصی انجام داده‌ایم تا با استفاده از توانمندی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بتوانیم به این سه هدف مهم دست یابیم.

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با اشاره به برنامه افزایش تولید نفت گفت: در حوزه افزایش تولید نفت، طرح افزایش ۲۵۰ هزار بشکه‌ای تولید نفت را داریم و افزون بر آن، افزایش ۵۲۰ هزار بشکه‌ای ظرفیت فرآورشی نفت با ۱۲ قرارداد در دست اقدام است و به رشد تولید کمک می‌کند. این طرح‌ها به‌صورت BOO واگذار شده‌اند.

بورد درباره افزایش تولید گاز نیز اظهار کرد: در قالب طرح‌های افزایش تولید گاز، حدود ۱.۶میلیارد دلار قرارداد در ماه گذشته با سه شرکت در بخش خصوصی، عمده شامل مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی همچون پتروشیمی‌ها و فولاد امضا کرده‌ایم. همچنین قراردادهای مربوط به میدان‌های گردان و پازن مدار امضا شده است.

وی اظهار امیدواری کرد: تا پیش از پایان سال، سه تا چهار قرارداد دیگر نیز در این حوزه با کمک بخش خصوصی امضا می‌شود.

جمع‌آوری ۹۰ درصد گازهای مشعل تا پایان سال ۱۴۰۶

معاون وزیر نفت با اعلام اینکه مجموعه‌ای از قراردادها برای جمع‌آوری ۵۲۰میلیون فوت مکعب گاز مشعل نهایی شده است، بیان کرد: امروز به‌صورت نمادین ۱۲ قرارداد امضا می‌شود که حدود ۳۰۰میلیون فوت‌مکعب گاز را جمع‌آوری می‌کند، همچنین ۱۸ قرارداد دیگر نیز تا اواسط آذر نهایی می‌شود.

بورد با اشاره به اینکه در مجموع حدود ۹۰ درصد گازهای مشعل تا پایان سال ۱۴۰۶ جمع‌آوری می‌شود، افزود: هم‌اکنون پنج طرح به بهره‌برداری رسیده و ۶ طرح در حال احداث است و ۱۲ قرارداد نیز در این آیین امضا می‌شود.

وی در توضیح ویژگی‌های این قراردادها بیان کرد: یکی از مزیت‌های مهم این طرح‌ها، خاموشی ۳۲ مشعل در ۱۲ واحد بهره‌برداری در اقصی نقاط خوزستان است؛ به‌ویژه سه مشعل بزرگ در اطراف شهر اهواز (واحدهای اهواز ۱، ۳ و ۴) که چهره شهر را متاثر کرده بودند، با اجرای این طرح‌ها، خاموش می‌شوند.

معاون وزیر نفت با بیان اینکه تزریق روزانه بیش از ۲۰۰میلیون فوت مکعب گاز سبک به شبکه کشور از دیگر دستاوردهای این طرح است که به تامین انرژی کشور کمک شایانی می‌کند، افزود: همچنین سالانه بیش از ۸۰۰ هزار تن مایعات گازی تولید می‌شود که خوراک پتروشیمی‌ها را تامین و ارزش افزوده بالایی برای کشور ایجاد می‌کند.

بورد با اشاره به اثرات زیست‌محیطی طرح جمع‌آوری گازهای مشعل گفت: اجرای این طرح‌ها از انتشار روزانه حدود ۳۰ هزار تن گاز گلخانه‌ای جلوگیری می‌کند که رقم بسیار قابل‌توجهی است و به کاهش آلودگی در خوزستان کمک زیادی می‌کند. این مقدار معادل کاهش حدود ۵۷۰۰ تن انتشار کربن در روز است.

احداث نخستین کارخانه مینی ان‌جی‌ال

مدیرعامل شرکت ملی نفت با بیان اینکه نخستین کارخانه مینی ان‌جی‌ال با همکاری شرکت‌های خارجی در اهواز احداث می‌شود که به‌دلیل محدودیت‌های تحریمی از اعلام جزئیات خودداری کردیم، افزود: این پروژه برای نخستین بار در کشور اجرا می‌شود و طرف خارجی متعهد شده است ظرف ۶ ماه عملیات نصب را انجام دهد تا در ۱۰ ماه به بهره‌برداری برسد.

حمید بورد بیان کرد: همچنین یک پالایشگاه جدید در حوزه مسجدسلیمان در دست احداث است که ظرف ۱۸ ماه آینده به بهره‌برداری می‌رسد و روزانه ۴۵میلیون فوت مکعب گاز را جمع‌آوری می‌کند. این طرح نیز در نوع خود منحصربه‌فرد است.

وی با اشاره به تداوم همکاری با بخش خصوصی تاکید کرد: ۱۸ بسته جدید سرمایه‌گذاری تا اواسط آذر نهایی می‌شود و از بخش خصوصی دعوت می‌کنیم در مزایده‌های جمع‌آوری گازهای مشعل با پایه قیمت صفر گاز شرکت کنند. دروازه برای همه سرمایه‌گذاران باز است و مذاکرات اولیه انجام شده است.

بورد تصریح کرد: زمان اجرای قراردادها کوتاه است و بین ۶ تا ۱۸ ماه تعیین شده که این موضوع نقطه قوت مهمی برای تسریع در جمع‌آوری گازهای مشعل محسوب می‌شود.

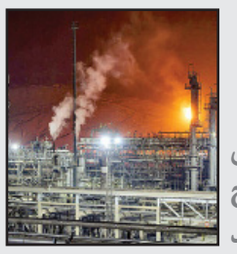

حاشیه سود پالایش جهانی به بالاترین سطح ۲۰ ماه اخیر رسید

به گزارش شانا به‌نقل از رویترز، حاشیه سود پالایش نفت در بازارهای جهانی به بالاترین سطح ۲۰ ماه گذشته رسید؛ افزایشی که تا حدود زیادی ناشی از عملکرد مطلوب بازار گازوئیل و نگرانی‌ها درباره محدودیت عرضه در پی دور تازه تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌های نفتی روسنفت و لوک اویل، بزرگ‌ترین صادرکنندگان روسیه بوده است.

بر پایه داده‌های گروه مالی بورس اوراق بهادار لندن (LSEG)، حاشیه سود پالایش پیچیده در سنگاپور (شاخص سودآوری پالایش در آسیا) روز سه‌شنبه (ششم آبان ۱۴۰۴) به حدود ۹ دلار برای هر بشکه رسید که بالاترین سطح از فوریه ۲۰۲۴ و افزایشی خیره‌کننده نسبت به حدود ۲ دلار در اوایل اکتبر به‌شمار می‌آید. شکاف قیمتی گازوئیل با ۱۰ پی‌پی‌ام گوگرد هم روز سه‌شنبه از ۲۶ دلار برای هر بشکه عبور کرد و به بالاترین سطح خود در بیش از یک‌سال‌ونیم گذشته رسید.بازارهای اروپایی نیز روندی مشابه را تجربه کرده‌اند، به‌طوری که حاشیه سود معیار گازوئیل در روز دوشنبه از ۳۰ دلار برای هر بشکه فراتر رفت و به بالاترین سطح از اواسط فوریه ۲۰۲۴ رسید. در ایالات متحده آمریکا، معاملات آتی دیزل با گوگرد بسیار کم (ULSD) روز دوشنبه با اختلاف ۳۹ دلار و ۹۱۴ سنتی نسبت به معاملات آتی نفت خام آمریکا انجام شد؛ رقمی که بالاترین سطح از فوریه ۲۰۲۴ است.

۱+۴ ایراد قطار حومه‌ای

رئیس‌جمهور با شناسایی ۱+۴ نقص شبکه قطارهای حومه‌ای، تدابیری را برای رفع نقاط ضعف موجود پیشنهاد کرده است. با وجود آنکه راهکارهای پیشنهادی رئیس‌جمهور در سطح حداقلی ارزیابی می‌شود و پاسخگوی گستره مشکلات شبکه ریلی حومه‌ای نیست، اما همین شناسایی دقیق، به عنوان گام اول عبور از وضعیت فعلی، مهم و موثر است و باید در گام بعدی، این نقاط ضعف را با تدوین یک بسته مکمل، برطرف کرد.

عدم اتصال مستقیم شبکه ریلی حومه‌ای به مترو در شهرهای مترودار، به نحوی که امکان تبادل مسافر وجود داشته باشد، یکی از مهم‌ترین نواقصی است که مسعود پزشکیان در نشست توسعه راهبری قطارهای حومه‌ای و منطقه‌ای راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره کرده است.

رئیس‌جمهور با تاکید بر ضرورت افزایش کیفیت خدمات عمومی قطارهای حومه‌ای و منطقه‌ای تصریح کرد که برای توسعه راهبری قطارهای حومه‌ای باید کارگروهی تشکیل شود و مسائلی همچون اصلاح ساختار، بهره‌گیری از تجربه مشاوران مجرب داخلی و بین‌المللی، مشخص شدن شیوه مدیریت، برنامه‌ریزی، اجرای طرح‌ها و تامین منابع را بررسی کند. وی تاکید کرد: برای افزایش بهره‌وری و توسعه زیرساخت‌های راه‌آهن و قطارهای حومه‌ای، علاوه بر بهره‌گیری از دانش اساتید و دانشگاهیان کشور، باید از تجربه کشورهای دیگر نیز که در این زمینه پیشگام هستند، استفاده شود.

مسعود پزشکیان روز پنج‌شنبه با حضور در ایستگاه مرکزی راه‌آهن تهران در نشست توسعه راهبری قطارهای حومه‌ای و منطقه‌ای راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران شرکت کرد. پزشکیان همچنین بر افزایش بهره‌وری، ماموریت‌محور کردن فعالیت قطارهای حومه‌ای، افزایش کیفیت خدمات در راستای ارتقای رضایت‌مندی مردم، بهبود خدمات برای استفاده تکمیلی خانواده‌ها از مترو و قطار با اتصال ایستگاه‌ها و ایجاد پارکینگ در کنار آنها، کاهش مصرف انرژی، کاهش تاخیر در جابه‌جایی کالا و کنترل سوله‌های موجود تاکید کرد.

پزشکیان در سخنان خود ۱+۴ چالش عمده شبکه قطارهای حومه‌ای را شناسایی و تشریح کرد و در عین حال، راهکارهایی نیز برای افزایش کیفیت خدمات این حوزه ارائه داد. نقص اولی که پزشکیان مورد توجه قرار داد، ناوگان فرسوده در این شبکه است. ناوگان مورد استفاده در شبکه قطارهای حومه‌ای در کشور از نوع قطارهای سالنی (ریل‌باس) است که نه تنها تعداد آنها محدود است، بلکه بخش قابل‌توجهی از آنها نیز فرسوده و حتی تعدادی از آنها به واسطه نیاز به تعمیرات اساسی کاملا متوقف و خارج از سرویس است.

در حال حاضر به دلیل نبود تعداد کافی ناوگان ریل‌باس برای حمل مسافران حومه‌ای کشور، از پنج نوع قطار مختلف در خطوط حومه‌ای استفاده می‌شود که عمر برخی از آنها بسیار بالاست. برای مثال سال ساخت واگن‌های درجه ۲ آلمانی با ۶۴ و ۷۰ صندلی قدیمی و کشنده لکوموتیو، بین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ است.

پزشکیان در این نشست دستور داد هزینه تعمیرات اساسی ۹ دستگاه ریل‌باس تامین شود تا به چرخه فعالیت بازگردد. البته ۹ دستگاه در برابر ناوگان فعال ریل‌باس کشور که بیش از ۶۰دستگاه است، عدد قابل‌توجهی نیست و شاید بتواند کسری در یک یا حداکثر دو خط حومه‌ای را جبران کند؛ با این حال اشاره درست رئیس‌جمهور به فرسودگی این ناوگان و تاثیر آن بر رضایت عمومی مسافران، بر ضرورت ارتقای تعداد و کیفیت این ناوگان می‌افزاید.

رئیس جمهور در بخش دیگری از سخنانش به کمبود زیرساخت‌های شبکه ریلی اشاره و تاکید کرد که منابع توسعه زیرساخت‌های شبکه ریلی باید به شیوه‌های مشخص شده تامین شود. به گزارش «دنیای اقتصاد»، یکی از زیرساخت‌هایی که

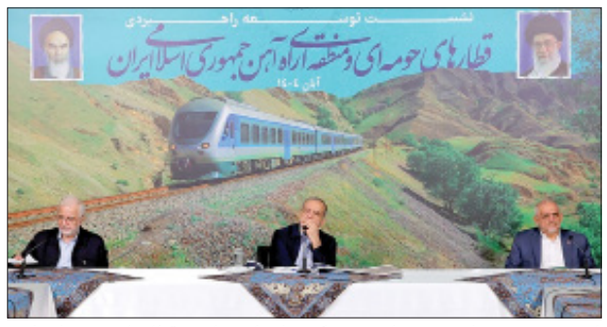

نیازمند توسعه در این بخش است، شبکه ریلی اختصاصی قطارهای حومه‌ای است.

در جدیدترین نسخه طرح جامع حمل‌ونقل و ترافیک شهر تهران با بیش از ۹۰۰کیلومتر خط ریلی، برای اولین بار «قطار حومه‌ای» به عنوان یک مُد همگانی به رسمیت شناخته شد؛ در این طرح علاوه بر پیش‌بینی دو خط اکسپرس مدرن به طول مجموع ۲۴۶کیلومتر که مبدا و مقصد آنها شهرهای اقماری اطراف تهران است، سه محور دو خطه اختصاصی در شبکه راه‌آهن برای سرویس قطار حومه‌ای به ساکنان پرند، هشتگرد و پیشوا به طول مجموعا ۱۸۸کیلومتر پیش‌بینی شد. به این ترتیب با احتساب ۹۱کیلومتر مترو، طول کل شبکه ریلی تهران - حومه در افق طرح جامع جدید شهر تهران یعنی سال ۱۴۲۰ به ۵۲۵کیلومتر خواهد رسید.

فقدان ایستگاه‌های تبادلی میان مترو و راه‌آهن حومه‌ای، نقطه ضعف سومی است که مسعود پزشکیان به آن اشاره کرد و گفت: درحال‌حاضر بسیاری از بخش‌های شبکه ریلی کشور ناقص هستند؛ باید نقاط تبادلی ایستگاه‌های مترو و شبکه راه‌آهن منطقه‌ای تکمیل و تجهیز شود تا مسافران و شهروندان بتوانند جابه‌جایی و تردد آسانی با استفاده همزمان از این شبکه داشته باشند.

بررسی «دنیای اقتصاد» نشان می‌دهد، بسیاری از حومه‌نشینان پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ که با هدف کار و تحصیل در حال تردد دائمی به این مراکز جمعیتی هستند، دسترسی مطلوبی از شبکه راه‌آهن به شبکه مترو درون شهری و بالعکس ندارند و این موضوع به عنوان یک دغدغه مهم برای ساکنان شهرهای اقماری مطرح است. حومه‌نشین‌ها خواستار آن هستند که امکان تبادل سفر بین راه‌آهن و مترو در چند نقطه مختلف شهر مادر وجود داشته باشد.

مقصود رئیس‌جمهور صرفا وجود ایستگاه مترو، در محوطه ایستگاه راه آهن نیست؛ کمااینکه دست‌کم در تهران و مشهد، هم‌اکنون چنین دسترسی‌هایی وجود دارد؛ آنچه لازم است در فاز توسعه‌ای پیش‌بینی شود، امکان تبادل سفر مستقیم میان این دو شبکه ریلی آن هم در بیش از یک نقطه از شهرهای بزرگ است. برای این منظور بهتر است در هر کدام از موقعیت‌های جغرافیایی (شمال، جنوب، شرق و غرب) یک ایستگاه تبادلی برای مسافران شهر حومه‌ای واقع در حریم آن محدوده وجود داشته باشد تا مسافر مترو به صورت مستقیم بتواند وارد شبکه راه‌آهن حومه‌ای شود. در مورد پایتخت، در صورت تصویب نسخه پیشنهادی طرح جامع حمل‌ونقل و ترافیک شهر تهران، چنین اتصالاتی نیز باید پیش‌بینی شود تا هم مترو و هم شبکه قطار حومه‌ای به حداکثر بهره‌وری در پوشش سفرهای تهران - حومه برسند.

کسری پارکینگ برای خودروهای سواری در محوطه پیرامونی ایستگاه‌های راه‌آهن، چهارمین نقصی است که پزشکیان در بحث ضرورت اصلاح دسترسی به شبکه ریلی حومه‌ای به آن اشاره کرد. برخی از مسافران پایتخت تمایل دارند تا رسیدن به ایستگاه راه‌آهن از خودروی شخصی استفاده کنند؛ بنابراین پیش‌بینی فضای پارکینگ و توقفگاه خودرو در محوطه اطراف ایستگاه قطارهای حومه‌ای به ویژه در شهرهای کوچک لازم و ضروری است. این اقدام، مشوقی برای استفاده از قطار حومه‌ای به جای خودرو خواهد بود و بار ترافیکی کلان‌شهرهای مادر را نیز سبک خواهد کرد.

اما رئیس‌جمهور علاوه بر اشاره مستقیم به این چهار نقص قطارهای حومه‌ای، مساله پنجمی را هم شناسایی کرد که اگرچه در سخنانش مورد اشاره مستقیم قرار نگرفت، اما دغدغه رفع آن مطرح شد. این نقص، ازدحام مسافر در قطارهای حومه‌ای، آن هم برای مسافت‌های طولانی با زمان سیر عمدتا بیش از یک ساعت است. تاکید رئیس‌جمهور بر تلاش برای ایجاد تسهیلات و تردد راحت مسافران حومه به کلان‌شهرها و پایتخت، در واقع اشاره‌ای تلویحی به همین ازدحامی است که حومه‌نشین‌ها هر روز در قطارها تجربه می‌کنند. به نظر می‌رسد این سخنان، اشاره‌ای به مصائب ناشی از اشباع قطارهای حومه‌ای از مسافر است که به دلیل کمبود شدید ناوگان رخ می‌دهد.

رئیس‌جمهور پیش از حضور در این نشست، با قطار حومه‌ای به شهرستان ورامین سفر کرد و احتمالا تجربه این سفر و آشنایی با ظرفیت‌ها و کیفیت فعالیت این مسیر، یکی از دلایل تاکید وی برای ایجاد تسهیلاتی به‌منظور تردد راحت با قطارهای حومه‌ای بوده است. البته شهرستان ورامین نسبت به دیگر شهرهای اقماری اطراف تهران از جمله پرند، هشتگرد و قزوین تقاضای سفر به‌مراتب کمتری دارد و شاید تصویری که رئیس‌جمهور در جریان این تجربه سفر به ورامین داشته، آن‌طور که باید دقیق نباشد؛ اما اصل شناسایی این مساله از سوی وی و تاکید بر راحتی سفر برای مسافران تمرکز بر نقطه درستی است.

درحال‌حاضر کمبود قطارهای حومه‌ای، ریسک سفر با ناوگان غیرمطمئن مسافربری شخصی برای حومه‌نشینان به‌ویژه ساکنان شهرهای اقماری واقع در اطراف پایتخت و کلان‌شهرها را افزایش داده است و این مساله به چاره‌اندیشی اساسی نیاز دارد. قتل الهه حسین‌نژاد، شهروند ساکن اسلامشهر در جریان بازگشت از محل کار خود در تهران به خانه، توسط راننده یک خودروی مسافربر شخصی، یکی از چراغ‌های هشدار جدی درباره ضعف ناوگان حمل‌ونقل عمومی را روشن کرد، چراکه در نبود قطارهای حومه‌ای، کسانی که ناگزیر به سفر تهران - حومه هستند، به دلیل کمبود ناوگان، ناگزیر به استفاده از وسایل نقلیه شخصی خواهند بود. برای جبران این کمبود، نیازمند تامین جذب سرمایه بخش خصوصی به منظور ناوگان ریل‌باس هستیم.

جبارعلی ذاکری مدیرعامل شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران نیز در سخنانی، به تشریح آخرین وضعیت زیرساخت‌های این مجموعه پرداخت و گفت: چنانچه طرح توسعه قطارهای حومه و منطقه‌ای تکمیل شود، در مجموع می‌توانیم با ۳۰۰ریل‌باس، سالانه ۱۶۰میلیون مسافر جابه‌جا کنیم. طرح توسعه سطح ۳ و ۴ قطار حومه‌ای در محور غرب استان تهران نیز ۷۵درصد پیشرفت داشته است.

توسعه قطارهای حومه‌ای از محورهای اصلی سیاست حمل‌ونقل دولت چهاردهم بوده است. وعده وزرای راه و شهرسازی و نیز، کار، تعاون و رفاه اجتماعی و حالا وعده و دستور رئیس‌جمهور برای ارتقای شبکه قطارهای حومه‌ای در انتظار عملیاتی شدن است. در صورت تحقق این وعده‌ها، این رویکرد به معنای آغاز دوره‌ای تازه در ساماندهی سفرهای روزانه میان شهرهای اقماری و کلان‌شهرها خواهد بود؛ اقدامی که ایمنی سفر را افزایش خواهد داد و با صرفه‌جویی در زمان و کاهش فشار ترافیکی بر شهرهای بزرگ، تردد ایمن، آسان و راحت را به واقعیت نزدیک‌تر خواهد کرد.

چالش ناترازی گاز و بحران در زنجیره متانول

در گزارش جدید Deloitte آمده که تعرفه‌های وضع‌شده بر واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای (از جمله فولاد، آلومینیوم، مس، لوله‌های تخصصی و سایر تجهیزات نفتی) می‌تواند هزینه‌های این صنعت را بین ۴ تا ۴۰ درصد افزایش دهد.

این افزایش در شرایطی رخ می‌دهد که بخش بزرگی از تولید نفت و گاز آمریکا هنوز به واردات وابسته است؛ به‌عنوان نمونه، این شرکت مشاوره‌ای تاکید کرده که تقریبا ۴۰ درصد از تقاضای داخلی برای لوله‌های مخصوص صنعت نفت در سال ۲۰۲۴ از منابع خارجی تامین شده است. برای درک بهتر موضوع، نگاهی به قیمت‌های فعلی نفت نشان می‌دهد که شرایط بازار چندان مساعد نیست. نرخ شاخص Brent در اواخر اکتبر ۲۰۲۵ حدود ۶۵ تا ۶۶ دلار در هر بشکه معامله می‌شد. این سطح قیمت برای بسیاری از تولیدکنندگان آمریکایی به لحاظ سودآوری در مرز شکننده‌ای قرار دارد، زیرا گزارش‌ها نشان می‌دهند هزینه تولید بسیاری از تولیدکنندگان نفت شیل در ایالات متحده بیش از ۶۲ دلار به ازای هر بشکه است.

در این میان، Deloitte در گزارش خود متذکر شده که تاخیر در تصمیمات سرمایه‌گذاری نهایی و شروع پروژه‌های جدید دریایی فراتر از ۵۰میلیارد دلار، ممکن است به تعویق بیفتد یا حتی منتفی شود. بنابراین شرکت‌های فعال در حوزه نفت و گاز با چالشی تازه روبه‌رو هستند؛ نه تنها فشار هزینه‌ها افزایش یافته، بلکه چشم‌انداز سرمایه‌گذاری و توسعه نیز تیره شده است. شرکت Deloitte یکی از چهار شرکت بزرگ مشاوره مدیریتی در جهان به شمار می‌رود و همواره با تحلیل‌های جامع از صنایع انرژی، منابع طبیعی و فناوری، سهم مهمی در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری شرکت‌ها داشته است.

در گزارش اخیر که تحت عنوان «Oil & Gas Industry Outlook ۲۰۲۶» منتشر شده، Deloitte تاکید کرده که تعرفه‌های ۱۰ تا ۲۵ درصدی برای خوراک‌های نفتی که تحت پیمان USMCA (توافقنامه آمریکا-مکزیک-کانادا) نیستند، و تعرفه‌های تا ۵۰ درصد برای فولاد، آلومینیوم و مس اعمال شده، در حال بازسازی ساختار هزینه شرکت‌های نفت و گاز آمریکایی هستند. همچنین، این شرکت خاطرنشان کرده که این صنعت اکنون به جای کنترل هزینه، باید روی تقویت «انعطاف‌پذیری زنجیره تامین» و تنوع‌بخشی به عرضه‌کنندگان تمرکز کند. از منظر اقتصادی، این وضعیت پیچیده‌ای را رقم می‌زند.

فشار دوگانه بر شرکت‌های نفتی

افزایش هزینه‌ها از یک‌سو و قیمت‌های نسبتا پایین نفت از سوی دیگر، فشار دوگانه‌ای بر شرکت‌های نفتی آمریکایی وارد می‌کند. با توجه به قیمت حدود ۶۵ دلاری برنت و ۶۲ دلاری شاخص West Texas Intermediate در این مقطع زمانی، بسیاری از پروژه‌ها در آستانه یا پایین‌تر از نقطه سر به سر قرار گرفته‌اند. شرکت‌هایی که به سرعت وارد فاز اجرای پروژه شده‌اند، ممکن است شاهد بازگشت سرمایه طولانی‌تر باشند یا مجبور شوند بودجه‌های خود را دوباره تخصیص دهند. این موضوع می‌تواند بر کل ساختار سرمایه‌گذاری این بخش تاثیرگذار باشد، زیرا بسیاری از شرکت‌ها پیش از ظهور تعرفه‌ها، براساس چشم‌انداز کم‌هزینه‌تر طراحی شده بودند. در نتیجه، شرکت‌ها برای کاهش آسیب ناشی از تعرفه‌ها ناچار شده‌اند تصمیمات تازه‌ای بگیرند؛ از جمله به تعویق انداختن برخی پروژه‌ها، گسترش دامنه تامین‌کنندگان و متنوع‌سازی منابع خرید، و در صورت امکان، افزایش استفاده از تولیدات داخلی. پیامدهای این وضعیت فقط به داخل آمریکا محدود نمی‌شود.

چون ایالات متحده یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت و گاز در جهان است، هر تغییری در هزینه‌ها، سطح تولید یا سرمایه‌گذاری این کشور می‌تواند بر قیمت جهانی نفت و گاز و همچنین بر زنجیره تامین انرژی در سایر کشورها تاثیر بگذارد. وقتی شرکت‌های آمریکایی محتاط‌تر عمل می‌کنند، سرمایه‌گذاران بین‌المللی هم نسبت به ریسک‌های موجود در بخش انرژی و زنجیره تامین جهانی محتاط‌تر می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که سیاست تعرفه‌ای دولت آمریکا اگرچه با هدف حمایت از تولید داخلی و کاهش وابستگی خارجی طراحی شده، ولی همزمان فشار قابل‌توجهی بر بخش انرژی این کشور وارد کرده است. موضوعی که اکنون در افزایش هزینه ورودی، تاخیر در سرمایه‌گذاری و انعکاس آن در قیمت‌ها و سودآوری شرکت‌های نفت و گاز نمود پیدا کرده است.

بازنگری مدل‌ها

این وضعیت شرکت‌ها را مجبور می‌کند تا مدل‌های خود را بازنگری، قراردادهای خود را با بندهای افزایش قیمت و فورس ماژور تجدید و گزینه‌های تامین از منابع فاقد تعرفه یا داخل آمریکا را جدی‌تر دنبال کنند. برای فعالان بخش انرژی، سه نکته حائز اهمیت به نظر می‌رسد: اول آن که افزایش هزینه‌های وارداتی، ممکن است به افزایش قیمت نهایی محصولات نفتی یا گاز تبدیل شود هرچند این امر نه قطعی که وابسته به شرایط بازار و قدرت رقابت شرکت‌هاست. دوم، تاخیر در پروژه‌های بزرگ، به معنای کاهش رشد تولید و تاخیر در خلق ظرفیت جدید است، موضوعی که می‌تواند خود را در میان‌مدت در شاخص‌های بازار انرژی نشان دهد. سوم، برای ایران که بخش بزرگی از اقتصاد آن به نفت و گاز وابسته است، این روندها هم فرصت و هم تهدید هستند؛ فرصت از آن جهت که ممکن است شکاف تولید بین‌المللی باز شود و ایران بتواند بازارهای جایگزین عرضه یا سرمایه‌گذاری دریافت کند.

روزنامه درز اقتصاد ۶
www.marzeghtesad.ir
شنبه ۲۳ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۰
www.marzeghtesad.ir

آسیب ناترازی انرژی به کیفیت محصول

مدیرکل دفتر نظارت بر اجرای استاندارد صنایع غیر فلزی سازمان ملی استاندارد، ناترازی انرژی را از بزرگ‌ترین تهدیدهای علیه بخش تولید دانست و گفت: این معضل نه تنها تولید را از رونق می‌اندازد، بلکه به کیفیت محصولات نیز آسیب جدی وارد می‌کند.

محمد احمدی‌مقدم، با اشاره به سند راهبردی شورای عالی استاندارد گفت: تمرکز بر حکمرانی کیفیت، عبور از اجبار به مقررات فنی، رفع ناترازی انرژی و مشارکت همه‌جانبه برای جهش تولید با کیفیت در این سند دیده شده است. احمدی‌مقدم سازمان ملی استاندارد را نهادی فرابخشی و حاکمیتی توصیف کرد که در سال‌های اخیر ساختار آن دستخوش تغییرات اساسی شده است و گفت: این تغییرات با سه هدف اصلی انجام شده که شامل تسهیل فرآیندهای اجرایی، کاهش مراجعات قضایی تولیدکنندگان و تقویت تعامل میان واحدهای تولیدی و نهادهای نظارتی است.

وی افزود: شعار امسال سازمان ملی استاندارد «چشم‌انداز مشترک برای تحقق توسعه پایدار و جهان بهتر» است چرا که استاندارد یکی از شاخصه‌های اصلی توسعه پایدار است ولی تنها یک الزام فنی نیست؛ بلکه ابزاری برای مشارکت در تحقق اهداف جهانی و ساختن آینده‌ای بهتر است. وی با اشاره به دستاوردهای سازمان ملی استاندارد گفت: با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، تحقیقاتی و دانشگاهی کشور، تاکنون بیش از ۳۶ هزار استاندارد ملی در بخش‌های مختلف از جمله صنعت، کشاورزی، خدمات و انرژی تدوین و ابلاغ شده است. این استانداردها نقش محوری در ارتقای کیفیت زندگی مردم، صیانت از حقوق مصرف‌کنندگان و کمک به جایگاه‌یابی اقتصاد ایران در جهان ایفا می‌کنند.

احمدی‌مقدم، با اشاره به رونمایی از سند راهبردی مصوب در اجلاس ۱۱۸ شورای عالی استاندارد گفت: این سند شامل ۱۲ راهبرد کلان است که یکی از مهم‌ترین آنها حکمرانی نظام استاندارد در کیفیت محصول تولیدی است. وی توضیح داد: باید ارتباطی موثر، پویا و ساختاریافته بین نظام استاندارد و کیفیت نهایی محصول برقرار شود. سازمان استاندارد نه تنها باید مشکل‌گشا باشد، بلکه باید راهگشا نیز باشد و این امر بدون مشارکت گسترده ممکن نیست.

احمدی‌مقدم یکی از راهبردهای کلیدی را عبور از استانداردهای اجباری به سمت تدوین و اجرای مقررات فنی دانست و گفت: این حرکت با هدف ارتقای کیفیت، ایمنی، سلامت، امنیت و حفاظت از محیط زیست طراحی شده و بخشی از مسیر توسعه پایدار است. وی بار دیگر بر ضرورت مشارکت فرابخشی تاکید کرد: تحقق اهداف توسعه اقتصادی و ارتقای کیفیت محصولات، نباید صرفا وظیفه سازمان استاندارد تلقی شود. همه دستگاه‌های اجرایی، بخش خصوصی، جامعه مدنی و حتی مصرف‌کنندگان باید به میدان بیایند. هم‌افزایی، شبکه‌سازی و همکاری موثر یک ضرورت غیرقابل اجتناب است. در همین راستا، سازمان ملی استاندارد بسته‌های حمایتی ویژه‌ای برای تولیدکنندگان طراحی و آماده ارائه کرده است. این بسته‌ها شامل تسهیلات، مشاوره‌های فنی، آموزش و حمایت در فرآیندهای استانداردسازی است تا بار مالی و اجرایی بر دوش تولیدکنندگان کاهش یابد.

احمدی‌مقدم رضایت مشتری را محور اصلی کیفیت دانست و گفت: سازمان با طراحی مدل‌های ارزیابی دقیق و بهره‌گیری از نظرات کارشناسان رسمی دادگستری و متخصصان دانشگاهی، در مسیر ارتقای نظام کیفیت ملی گام‌های موثری برداشته است. وی با اشاره به شعار سال گفت: رونق تولید، جهش تولید و کیفیت‌بخشی به تولید، همگی در گرو اهمیت دادن به استاندارد و ترویج فرهنگ استانداردسازی است. سازمان ملی استاندارد به عنوان یک نهاد حاکمیتی، با اتکا به دانش کارشناسان خبره، این ماموریت را به درستی به پیش می‌برد، اما موفقیت نهایی در گرو ورود همه بخش‌ها به این عرصه است.

کسانیکه بدون گواهینامه اقدام به رانندگی نماید مجرم شناخته شده و به دادگاه معرفی می شوند

سرهنگ محمد پورشمس رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی استان در این خصوص عنوان داشت؛ برابر ماده ۷۲۳ قانون مجازات اسلامی هرکس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی نماید مجرم محسوب شده و برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. از این رو پلیس راهور در اجرای این قانون و مطابق با ماده ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی در صورتی که شخصی بدون داشتن گواهینامه اقدام به رانندگی نماید، وسیله نقلیه وی را متوقف و راننده را به مرجع قضائی معرفی می نماید.

سرهنگ پورشمس در ادامه این خبر افزود از آنجایی که شاهد روند رو به رشد رانندگی بدون گواهینامه خصوصا در بین نوجوانان و جوانان هستیم طرح ویژه برخورد با آندسته از متخلفین در دستور کار پلیس راهور قرار دارد .

کارآفرینی بدون کارخانه

عرشیا حسن پور - «تولید بدون کارخانه یکی از سیاست‌های جدید وزارت صمت است که در دولت چهاردهم به طور جدی دنبال می‌شود. تولید بدون کارخانه یعنی شرکت‌ها و استارت‌آپ‌های نوپا دیگر کارخانه نمی‌سازند.

کار آنها فقط طراحی، برندسازی و فروش است. این روش هزینه تولید را برای این شرکت‌ها کاهش می‌دهد. در جهان، کارخانه‌هایی همچون اپل و نایکی در این زمینه پیشرو هستند و بیشترین سازندگان قطعات و تامین‌کنندگان آنها در کشورهای آسیایی از جمله چین، تایوان، کره جنوبی، ژاپن و تایلند هستند و کارخانه‌های آنها نیز در این کشورها مستقر و فعال است.

کارآفرینی بدون کارخانه

در ایران، اما پس از استقرار دولت چهاردهم این روش بیش از پیش مورد استفاده قرار گرفت. اگر چه ایده آن در اواخر دهه ۸۰ مطرح شد، اما وزارت صمت ابتدا طرح تولید بدون کارخانه را در تهران و قم به طور آزمایشی راه انداخت و سپس در استان‌های صنعتی چون البرز، اصفهان و آذربایجان شرقی این طرح در دستور کار قرار گرفت.

هدف این طرح، استفاده از ظرفیت خالی برخی از کارخانه‌ها است. بر این اساس شرکت‌های کوچک با یک مجوز، می‌توانند تولید را به دیگران بسپارند. وزارت صمت مدعی است که در حال حاضر صنایع آرایشی و بهداشتی و همچنین مواد غذایی، با استفاده از تولید بدون کارخانه موفق شده‌اند برند خود را بسازند. فعالان اقتصادی اعتقاد دارند که این روش می‌تواند تولید صنعتی را افزایش دهد و مزیت این روش آن است که یک ایده با سرمایه کم، سریع به بازار وارد می‌شود. البته در این راه مشکلاتی هم وجود دارد. با وجود تحریم‌ها تامین مواد اولیه برای صنایع نوپا سخت می‌شود. از سوی دیگر کیفیت کارخانه‌های پیمانکار یکسان نیست و احتمال اینکه قراردادهای برون‌سپاری مشکل داشته باشد، وجود دارد. هر چند دستورالعمل وزارت صمت شفاف و روشن است، ولی در مقام اجرا ضعف‌ها و مشکلاتی وجود دارد.

ایده تولید بدون کارخانه در صورت هدایت درست و سیاستگذاری مناسب می‌تواند گره‌گشای بسیاری از موانع تولید باشد و همچنین موجب رشد اشتغال‌زایی و توسعه برند ایرانی شود. همچنین این روش نه تنها هزینه را برای سرمایه‌گذاران کم می‌کند، بلکه نوآوری را افزایش می‌دهد.

در دنیایی که ۷۰درصد تجارت جهانی با زنجیره تامین اتفاق می‌افتد، لازم است مدل‌های جدید تولید در ایران نیز مورد استفاده قرار گیرد؛ یعنی زنجیره تولید باید از روش سنتی به هوشمند، تغییر کند. در همین راستا، سعید شجاعی، معاون برنامه‌ریزی، نوآوری و هوشمندسازی وزارت صمت در گفت‌وگو با «دنیای‌اقتصاد»، مزیت‌ها و چالش‌های مدل تولید بدون کارخانه را تشریح کرد.

فرصت کارآفرینی

سعید شجاعی، معاون برنامه‌ریزی، نوآوری و هوشمندسازی وزارت صمت در پاسخ به سوالی در خصوص تولید بدون کارخانه و نحوه کمک به کارآفرینان جوان ایرانی برای راه‌اندازی برند، گفت: تولید بدون کارخانه، توانمندی مهندسی- بازرگانی فعال اقتصادی برای تولید برون‌سپاری شده با استفاده از ظرفیت واحدهای تولیدی موجود کشور است که نسبت به طراحی، بازاریابی و عرضه محصولات با علامت تجاری (برند) خاص اقدام می‌کند. به عنوان مثال یک شرکت دارویی، از طریق تولید بدون کارخانه موفق به تولید داروی میلرینون (از دسته‌ی داروهای قلب و عروق که در درمان نارسایی قلبی به کار برده می‌شود) شده است، همچنین برندی برای تولید تلویزیون بدون داشتن کارخانه با همین فرمول در حال تولید در کشور است.

شجاعی در خصوص اختصاص تسهیلات مانند وام یا معافیت‌های مالیاتی برای فعالان این حوزه پس از صدور گواهی فعالیت تولید بدون کارخانه و توسعه صادرات از این طریق، بیان کرد: باتوجه به اینکه بخشی از ظرفیت اسمی واحد طی قرارداد به دارنده گواهی فعالیت تولید بدون کارخانه واگذار شده است، لذا خدمات و مزایای پیش‌بینی شده برای واحدهای دارای پروانه بهره‌برداری اعم از تسهیلات سرمایه در گردش، مجوزهای مربوط به ثبت‌سفارش واردات مواد اولیه و واسطه‌ای تولید، ماده ۱۲۱ قانون امور گمرکی و ورود موقت، شامل دارنده گواهی فعالیت تولید بدون کارخانه نیز می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز افزایش صادرات محصولات ایرانی شود.

مکران ۸۰۰ کیلومتر منطقه ساحلی در جنوب شرقی و در استان سیستان و بلوچستان است. این منطقه در امتداد دریای عمان قرار دارد و از مرز ایران و پاکستان در گواتر شروع شده و تا نزدیکی بندر کراچی در پاکستان ادامه دارد.

معاون برنامه‌ریزی، نوآوری و هوشمندسازی وزارت صمت در خصوص چالش‌های برون‌سپاری تولید با توجه به تحریم‌ها و نوسانات ارزی، هم توضیح داد: یکی از چالش‌های دارندگان گواهی تولید بدون کارخانه تامین مواد اولیه است. با توجه به ماده (۳) تصویب‌نامه شماره ۲۶۷۸۱/ت۶۳۹۸۸هـ مورخ ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ هیات وزیران درخصوص تدوین شیوه‌نامه حمایت از تولید برون‌سپاری شده (تولید بدون کارخانه)، اخیرا پیش‌نویس شیوه‌نامه مذکور توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت با همکاری وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و معاونت رئیس‌جمهور در امورتوسعه روستایی و مناطق محروم کشور تدوین و جهت طرح در جلسه آتی کارگروه ویژه پیگیری شعار سال۱۴۰۴ ارسال شده است. بر اساس بند ۵ پیش‌نویس مذکور، در راستای تسهیل دسترسی دارندگان مجوز به مواد اولیه مورد نیاز، کلیه دستگاه‌های اجرایی ارائه‌دهنده سهمیه مواد اولیه مجازند نسبت به اعطای سهمیه خرید مواد اولیه از مبادی ذی‌ربط (نظیر بورس کالای ایران، سامانه بازارگاه و...) در سقف ظرفیت اسمی مندرج در مجوز و متناسب با مدت اعتبار مجوز، اقدام و شیوه‌نامه اجرایی این بند را ظرف مدت دو ماه از تاریخ ابلاغ این تصویب‌نامه تدوین و به تصویب مراجع ذی‌ربط برسانند.

رشد اشتغال و ضرورت نوآوری در تولید

یکی دیگر از مزیت‌های این مدل از تولید رشد اشتغال و کاهش بیکاری در بخش صنعت است. خصوصا که بخشی از خط تولید بسیاری از کارخانجات موجود به دلایل مختلف از جمله عدم بازاریابی مناسب، رکود کسب و کار یا عدم تامین سرمایه در گردش، تعطیل شده است. به همین خاطر ایده‌های نو می‌توانند در بخشی از کارخانه‌های موجود تبدیل به محصول شوند.

شجاعی در خصوص اینکه این مدل کسب‌وکار چقدر در کاهش بیکاری و استفاده از ظرفیت‌های بلااستفاده کارخانه‌های موجود موثر است، پاسخ داد: این الگوی تولید در واقع تزریق نقدینگی، دانش فنی تولید و مهارت بازاریابی به زیرساخت‌های تولیدی کشور است که بخشی از آن به دلیل کمبود نقدینگی یا نبود بازار مناسب غیرفعال است. لذا صدور گواهی فعالیت تولید بدون کارخانه سبب افزایش بهره‌وری ظرفیت‌های تولیدی و افزایش اشتغال خواهد شد. با توجه به دستورالعمل سرمایه‌گذاری صنعتی و شیوه نامه حمایتی تولید بدون کارخانه و افزایش مزایای این نوع از تولید، نظیر امکان دریافت سهمیه مواد اولیه، واردات مواد اولیه مورد نیاز و... پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۱۴۰۴ تعداد بیشتری در زمره تولیدکنندگان بدون کارخانه قرار گیرند.

معاون وزیر صمت در خصوص اینکه تولید بدون کارخانه چگونه می‌تواند با فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی یا زنجیره تامین دیجیتال ادغام شود تا ایران را به یکی از صادرکنندگان منطقه تبدیل کند، تصریح کرد: هوش مصنوعی با توجه به دسترسی به داده‌ها و اطلاعات متنوع و گسترده موجود در صفحات و فضای مجازی می‌تواند در زمینه تعیین بازار هدف، نیازهای بازار، استراتژی فروش و... که برای تولید کالا لازم است، اطلاعات ارزشمندی به ایده‌پردازان بدهد. در واقع هوش مصنوعی با توجه به سوالات هدفمند و اهداف تولیدکننده می‌تواند نقش یک مشاور حاذق را ایفا کند. زنجیره تامین دیجیتال نیز سبب روانی جریان کالا و مواد اولیه از تامین کننده تا مصرف‌کننده و جریان کالا و محصولات از تولید تا بازار هدف می‌شود، لذا تولیدکننده به موقع و به صورت لحظه‌ای از نیازهای واحد تولیدی و بازار مطلع شده و بر اساس آن فرآیندهای خرید مواد اولیه و فروش محصولات خود را تنظیم می‌کند.

معاون برنامه‌ریزی و نوآوری وزیر صمت به استارت‌آپ‌های کوچک که می‌خواهند بدون کارخانه وارد بازار شوند، توصیه کرد: شناخت بازار و سلیقه مصرف کننده در موفقیت تولید بدون کارخانه تاثیر بسزایی دارد. بخشی از ظرفیت‌های خالی موجود در صنایع به دلیل عدم شناخت صحیح بازار، عدم ابتکار در تولید و ارائه محصولات متنوع متناسب با سلیقه مصرف کننده است، لذا در صورتی که استارت‌آپ‌های کوچک با شناخت کافی از بازار و ویژگی‌های محصول هدف وارد فرآیند تولید بدون کارخانه شوند، می‌توانند در مدت کوتاهی به سوددهی برسند.

بهره‌برداری از ظرفیت‌های خالی صنایع

در همین رابطه موسی احمدزاده نایب‌رئیس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» بیان کرد: در نتیجه پیگیری‌های مستمر فعالان بخش خصوصی و به منظور استفاده بهینه از ظرفیت‌های راکد صنعتی و کاهش بار مالی سرمایه‌گذاری‌های جدید، گواهی «تولید بدون کارخانه» به تصویب رسیده و رسما ابلاغ شده است. وی تاکید کرد: این طرح با هماهنگی نزدیک معاونت صنایع عمومی و معاونت برنامه‌ریزی وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) به اجرا درآمده و می‌تواند نقش موثری در ارتقای بهره‌وری و ایجاد اشتغال پایدار ایفا کند. این گواهی به تولیدکنندگان اجازه می‌دهد به جای صرف هزینه‌های سنگین برای خرید ماشین‌آلات، از خطوط تولید نیمه‌فعال موجود بهره ببرند و مسیر توسعه اقتصادی را هموارتر سازند.

احمدزاده در ادامه افزود: بر اساس مصوبه تازه دولت، تمامی تسهیلات و حمایت‌های اعطایی به واحدهای تولیدی، شامل حال فعالان «تولید بدون کارخانه» نیز خواهد شد. این تصمیم امکان ثبت‌سفارش توسط تولیدکنندگان بدون کارخانه و حتی واسطه‌های تولیدی را در سامانه جامع تجارت فراهم می‌کند و در نهایت به فعال‌سازی حداکثری کارخانه‌های کم‌کار و کاهش هزینه‌های عملیاتی بنگاه‌ها منجر می‌شود. وی با اشاره به اینکه «تولید بدون کارخانه» به عنوان الگویی از تولید بهینه شناخته می‌شود، اظهار کرد: این روش مزایای متعددی از جمله کاهش هزینه‌های عملیاتی، ارتقای کیفیت محصولات، افزایش انعطاف‌پذیری در زنجیره تامین، برخورداری از منافع زیست‌محیطی، بهبود بهره‌وری و ظرفیت تولید، و همچنین کسب برتری رقابتی در بازارهای داخلی و خارجی به همراه دارد.

کشاورزی در بن‌بست انرژی

نایب‌رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق ایران، تاکید کرد: خاموشی‌های گسترده و بی‌برنامه، نه‌تنها به تولید محصول در مزرعه آسیب می‌زند، بلکه کل زنجیره تامین و صنایع تبدیلی کشاورزی را وارد مرحله‌ای از زیان جدی کرده است؛ این قطعی‌ها باعث پایین‌آمدن تولید، افزایش هزینه‌های تعمیرات و نگهداری تجهیزات آبیاری و حتی آسیب به چاه‌های آب ـ از جمله ریزش و تخریب آنها ـ می‌شود که در نهایت، زیرساخت‌های حیاتی بخش کشاورزی را فرسوده و امنیت غذایی کشور را با تهدیدی جدی مواجه می‌کند.

او با بیان اینکه موضوع «ناترازی انرژی» از یک چالش فنی صرف فراتر رفته و اکنون به یک بحران اقتصادی و اجتماعی در بخش کشاورزی بدل شده، گفت: در غیاب یک سیاست پایدار و هدفمند برای تامین برق در مناطق کشاورزی، ما با کاهش ظرفیت تولید، افزایش هزینه‌ها و ناتوانی در تامین محصولات تازه‌خوری در بازار داخلی مواجه شده‌ایم. این فقط مشکل کشاورز نیست؛ این زنگ خطر برای امنیت غذایی کشور است.

بر اساس گفته‌های هاشمی، خاموشی‌های مکرر و ناپایدار در مناطق روستایی و کشاورزی، مستقیما فعالیت‌های کلیدی مانند پمپاژ آب، مدیریت گلخانه‌ها و کارگاه‌های فرآوری را مختل می‌کند. او گفت: وقتی تامین انرژی قطع می‌شود، بسیاری از مراحل زراعی و تولیدی متوقف می‌شوند و این در حالی است که در کشاورزی، زمان و شرایط محیطی نقشی حیاتی دارد.

چرا «شاید» از «نه» بدتر است؟

این یک روال آشناست که برای فردی دعوت‌نامه‌ای ارسال می‌کنید و منتظر پاسخ می‌مانید - برای مهمانی، ناهار یا یک جلسه کاری. گزینه‌ها هم معمولا شامل سه گزینه «بله»، «خیر» یا «شاید» هستند.

چرا «شاید» از «نه» بدتر است؟

حال، مشکل اینجاست که در مراودات روزمره امروزی، به‌ویژه در محیط‌های کاری که پاسخ‌های روشن و قطعی سنگ بنای برنامه‌ریزی موثر هستند، پاسخ «شاید» به چالش رایجی تبدیل شده است. بسیاری گمان می‌کنند این پاسخ، محترمانه‌تر از نه گفتن صریح و قطعی است و به فرستنده نشان می‌دهد که تمایل داشته در جلسه حاضر شود، فقط شرایطش را نداشته است. اما آیا واقعیت همین است؟

پژوهش‌های جدید در حوزه روان‌شناسی نشان می‌دهد که این پاسخ به ظاهر بی‌ضرر، نه‌تنها کمکی به برنامه‌ریزی نمی‌کند، بلکه اغلب نسبت به «نه» قاطع، هزینه‌های روانی و عملیاتی بیشتری در پی دارد. واقعیت این است که در چنین شرایطی شکاف قابل‌توجهی بین نیت پاسخ‌دهنده و احساس دریافت‌کننده، وجود دارد.

من و همکارانم سعی کردیم در یک پژوهش، روان‌شناسی پشت ارائه و دریافت پاسخ «شاید» را درک کنیم. چرا افراد این‌گونه پاسخ می‌دهند؟ و مهم‌تر از آن، فرستندگان دعوت‌نامه از دریافت چنین پاسخی چه احساسی پیدا می‌کنند؟

یافته‌های پژوهش: گسست در دیدگاه‌ها

این پژوهش شامل ۶ آزمایش مجزا با حضور بیش از ۱۰۰۰شرکت کننده بود. از شرکت‌کنندگان حاضر در این سنجش خواستیم نقش دعوت‌کننده یا دعوت‌شونده را ایفا کنند. در مرحله بعد، از دعوت‌کنندگان خواسته شد تصور کنند دوستی را به یک فعالیت اجتماعی دعوت کرده‌اند و بگویند کدام پاسخ را ترجیح می‌دهند: «شاید» یا «خیر». به همین ترتیب، به دعوت‌شوندگان هم گفته شد که تصور کنند از طرف دوستی به چنین برنامه‌ای دعوت شده‌اند و بعد از آنها پرسیده شد که حدس می‌زنند دوستشان چه پاسخی را ترجیح دهد؟ شاید یا خیر؟

در برخی موارد به دعوت‌شونده‌ها گفتیم علت این‌که باید پاسخشان نه یا شاید باشد، این است که مطمئن نیستند بتوانند خود را برسانند و در بقیه موارد به دعوت‌شونده‌ها گفته شد علتش این است که مطمئن نیستند دلشان می‌خواهد بروند یا خیر.

در تمام این آزمایش‌ها، با یک عدم هماهنگی شناختی پایدار مواجه شدیم. موضوع از این قرار بود که دعوت‌شوندگان اصلا متوجه نبودند که دعوت‌کنندگان تا چه حد یک «خیر» قطعی را به عبارت ناخوشایند «شاید» ترجیح می‌دادند. آنها درک نمی‌کردند که پاسخ شاید تا چه حد می‌تواند حس بی‌احترامی و بی‌توجهی را به دعوت‌کننده منتقل کند و مهم‌تر از همه او را در هاله‌ای از ابهام و بلاتکلیفی نگه دارد.

ریشه این ناهماهنگی و بی‌خبری در چیست؟ یکی از دلایل احتمالی این مساله، پدیده‌ای است که روان‌شناسان آن را «استدلال انگیزشی» (Motivated Reasoning) می‌نامند. استدلال انگیزشی زمانی رخ می‌دهد که افراد برای اینکه بتوانند به گونه‌ای استدلال و نتیجه‌گیری کنند که با خواسته‌های خودشان همسو باشد، اغلب به شکل ناخودآگاهی در شیوه تفکر خود دچار سوگیری می‌شوند.

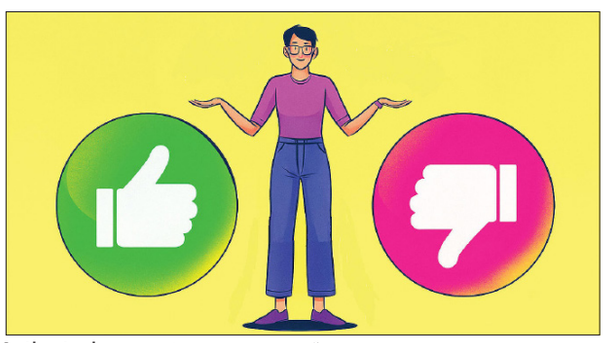

آن لحظه، پاسخ «شاید» برای دعوت‌شونده بهترین گزینه است، چون قولی نمی‌دهد، متعهد به انجام کاری نمی‌شود و بدون اینکه مجبور باشد یک تصمیم قطعی بگیرد، دستش برای انتخاب بعدی باز است. پس، از آنجا که این پاسخ به نفع اوست، خود را متقاعد می‌کند که این همان پاسخی است که دعوت‌کننده ترجیح می‌دهد بشنود.

چگونه شفاف‌تر پاسخ دهیم؟

شاید مهم‌ترین توصیه حاصل از این پژوهش این باشد که هرگز تصور نکنید همکاران شما پاسخ نامعلوم شاید را به یک نه قطعی ترجیح می‌دهند. شما با انتخاب مبهمتان، به جای اینکه پاسخی بدهید، معمولا پرسش‌های بیشتری ایجاد می‌کنید. مثلا اینکه:

برگزاری این کنفرانس تلفنی با حضور چند نفر که حتی معلوم نیست در جلسه حاضر شوند یا نه اصلا ارزشش را دارد یا بهتر است جلسه به زمان دیگری موکول شود؟

با وجود این تعدادی که آمدن و نیامدنشان مشخص نیست، برای ناهار جلسه باید چه تعداد غذا سفارش داد؟

آیا لازم است از تیمی که اعضایش حضورشان در جلسه را قطعی نکرده‌اند، فرد دیگری را هم دعوت کنیم تا اطمینان داشته باشیم نماینده‌ای از آن تیم در جلسه حضور دارد؟ این صرفا گوشه‌ای از سوالات کلافه‌کننده‌ای است که دعوت‌شونده با پاسخ مبهمش در ذهن دعوت‌کننده ایجاد و کار را برایش مشکل‌تر می‌کند. یک پاسخ خیر محترمانه و صریح به دعوت‌کننده اجازه می‌دهد با اطمینان و براساس یک برنامه قطعی پیش برود و بداند باید دقیقا چه انتظاری داشته باشد.

تصمیم درست

شاید بد نباشد که دفعه بعد، پیش از پاسخ دادن، بدون سوگیری و توجه به میل شخصی خودتان، خود را جای همکارتان بگذارید. در این پژوهش وقتی از دعوت‌شوندگان خواسته شد قبل از هر انتخابی، خود را جای دعوت‌کننده بگذارند و از چشم‌انداز آن شخص به موضوع نگاه کنند، احتمال انتخاب گزینه خیر به جای شاید به شکل معناداری افزایش یافت. همین تمرین ساده همدلی کمک موثری به مهار استدلال انگیزشی می‌کند.

در مرحله بعد، اگر واقعا مجبور بودید از گزینه شاید استفاده کنید، حتما دلیل عدم قطعیت خود را شفاف و صادقانه توضیح دهید؛ مثلا «منتظر پاسخ مدیرم درباره جلسه هم‌زمانی هستم» یا «تا پایان امروز وضعیتم مشخص می‌شود.» این کار باعث می‌شود دعوت‌کننده احساس نکند هدف شما از سر بازکنی است و به او بی‌اعتنایی و بی‌احترامی شده و بداند چه زمانی باید منتظر پاسخ قطعی شما باشد. در نظر داشته باشید که وقتی به دعوت همکاری شاید می‌گویید، مسوولیت پیگیری و اطلاع پاسخ قطعی با شماست. فارغ از اینکه پاسخ نهایی‌تان مثبت است یا منفی، در اسرع وقت آن را اطلاع دهید تا طرف مقابل بتواند برنامه‌ریزی خود را پیش ببرد.

برای درک بهتر و عمیق‌تر این موضوع، این نکات را در نظر بگیرید:

هزینه روانی بلاتکلیفی: پاسخ «شاید» فقط در مسائل لجستیک مثل سالن برگزاری جلسه یا سفارش تعداد غذا مشکل‌ساز نمی‌شود، بلکه یک بار شناختی (Cognitive Load) روی دوش دعوت‌کننده می‌گذارد. او اکنون مجبور است دائما این موضوع را در پس‌زمینه ذهنش حفظ کند، سناریوهای مختلف را در نظر بگیرد و برنامه‌های جایگزین داشته باشد. این اتلاف انرژی ذهنی، بسیار پرهزینه‌تر از دریافت یک «نه» قاطع است.

چالش فرهنگی «نه» گفتن: باید بپذیریم که «نه» گفتن صریح، به‌خصوص در فرهنگ‌هایی که تعارف و ملاحظات اجتماعی در آنها پررنگ است، دشوار تلقی می‌شود. افراد به دلایل گوناگونی از نه گفتن طفره می‌روند. مثلا اینکه نمی‌خواهند طرف مقابل را ناراحت کنند، بی‌ادب و نامحترم به نظر برسند یا با نه گفتن مستقیم فرصت‌های آتی را از دست بدهند. با این حال، این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که در بلندمدت، در محیط‌های حرفه‌ای، شفافیت و احترام به زمان دیگران بسیار ارزشمندتر از موافقتی ظاهری و دروغین است.

نقش دعوت‌کننده: تمرکز این پژوهش روی رفتار دعوت‌شوندگان بوده، اما دعوت‌کنندگان هم می‌توانند در کاهش پاسخ‌های «شاید» نقش داشته باشند. هنگام ارسال دعوت‌نامه، به‌ویژه برای جلسات مهم، هدف، ضرورت حضور فرد و دستور جلسه را به‌روشنی بیان کنید. اگر فرد دلیل اهمیت حضور خود را بداند، احتمال اینکه پاسخی قطعی بدهد بسیار بیشتر می‌شود. همچنین، ارائه چند گزینه زمانی یا استفاده از ابزارهای نظرسنجی پیش از ارسال دعوت‌نامه نهایی، می‌تواند به دریافت پاسخ قطعی‌تر کمک کند.

روزنامه مرز اقتصاد ۷
www.marzeghtesad.ir
شنبه ۲۳ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۰
www.marzeghtesad.ir

اوسمار به جوان‌ها اعتماد می‌کند؟

عرفان حمیدی - اوسمار ویرا بعد از گذشت ۹ مسابقه از فصل جاری لیگ برتر به پرسپولیس اضافه شده و از این پس سرخ‌ها را هدایت خواهد کرد.

اوسمار ویرا بعد از گذشت ۹ مسابقه از فصل جاری لیگ برتر به پرسپولیس اضافه شده و از این پس سرخ‌ها را هدایت خواهد کرد.

اوسمار از امروز تیمش را برای بازی هفته دهم مقابل استقلال خوزستان تمرین خواهد داد و بعد از این مسابقه دو هفته فرصت دارد تا شرایط کیفی تیم را بهبود بخشد. در این میان با در نظر گرفتن این تغییر بزرگ روی نیمکت می‌توان منتظر تغییراتی در ترکیب بود و طبیعتاً بازیکنانی که تا الان به آنها کمتر بازی رسیده بود امیدواری بیشتری پیدا کرده‌اند تا در ادامه فصل شرایط متفاوتی پیدا کنند.

در این میان سؤال بزرگ اینجاست که رویکرد اوسمار نسبت به بازیکنان جوان تیمش چه خواهد بود؟

دو سال پیش در زمستان ۱۴۰۲ وقتی اوسمار هدایت پرسپولیس را در دست گرفت، تیم در کورس قهرمانی بود و با جذب بازیکنان شاخصی مثل اوستون اورونوف، عیسی آل‌کثیر، محمد خدابنده‌لو و عبدالکریم حسن تقویت شد و در نهایت به یک قهرمانی دراماتیک رسید. در آن مقطع پرسپولیس در کورس قهرمانی قرار داشت و باید برای رسیدن به این عنوان با رقبای قدرتمندی مثل استقلال و سپاهان می‌جنگید.

در این میان با توجه به رقابت شدید و کیفیت رقبا اوسمار هم مثل یحیی گل‌محمدی درباره استفاده از جوان‌ها ریسک نکرد و اصلاً به آنها میدان نداد. شرایط نیم فصل دوم آن فصل به گونه‌ای بود که اوسمار حتی نیم نگاهی که یحیی به جوان‌ها داشت را نداشت و فرصتی به بازیکنان جوانش نداد چرا که نمی‌خواست لغزشی در این مسیر دشوار داشته باشد.

همان سال و در اواسط پاییز ۷ بازیکن از آکادمی به تمرینات تیم اصلی اضافه شدند و پرسپولیس جوان‌هایی مثل محمد بادپا، علیرضا بابایی، سهیل صحرایی، میلاد سورگی، محمد عمری، محمدمهدی احمدی، امیررضا رفیعی و ابوالفضل بابایی از جمله جوان‌هایی بودند که در اختیار اوسمار قرار گرفتند اما فقط برخی از آنها در یکی دو بازی اول و زمانی که پنجره نقل و انتقالاتی باشگاه بسته بود روی نیمکت نشستند. همچنین با مصدومیت و محرومیت‌های بیرانوند دو سه بازی هم به امیررضا رفیعی رسید اما بقیه بازیکنان جوان تا آخر فصل اصلاً به میدان نرفتند. این اتفاق در حالی رخ داد که یحیی در نیم فصل اول به بازیکن جوانی مثل میلاد سورگی میدان داد اما اوسمار حتی دل یکی از این جوان‌ها را خوش نکرد که شاید هم طبیعی بود.

به هر حال امروز اوسمار در شرایطی سرمربی پرسپولیس شده که شرایط با دو سال پیش متفاوت است. مهم‌ترین تفاوت اینجاست که فعلاً یک سوم فصل گذشته و از آنجایی که بعید است تا نیم فصل بازیکن جدیدی به اسکواد پرسپولیس اضافه شود اوسمار فرصت این را خواهد داشت تا در بازی‌های آینده و طی شش مسابقه پیش رو تا پایان نیم فصل اول از بازیکنان جوانش استفاده کند.

از بین بازیکنان جوان‌تر پرسپولیس امیررضا رفیعی و محمد گندمی به عنوان گلرهای دو و سه پرسپولیس شانسی برای بازی ندارند چرا که پیام نیازمند فوق‌العاده کار کرده و تا زمانی که محروم و مصدوم نباشد بازی خواهد کرد. در پست دفاع راست تا قبل از آماده شدن اوریه هم صحرایی هم براجعه چند بار به میدان رفتند اما الان شرایط برای حضورشان در ترکیب مهیا نیست مگر اینکه اوریه همچنان از فرم خوبش فاصله داشته باشد. در دفاع چپ علیرضا همایی‌فر اصلاً در تیم هاشمیان بازی نکرد و اینکه اوسمار بخواهد او را جانشین میلاد محمدی کند هم کمی دور از ذهن خواهد بود.

در خط میانی علیرضا عنایت‌زاده با اینکه در دوره گاریدو و کارتال چند بازی انجام داد هرگز از سوی هاشمیان به بازی گرفته نشد اما شاید با حضور اوسمار بخت او باز شود. در خط حمله ابوالفضل بابایی فعلاً مصدوم است اما با در نظر گرفتن کمبودها شاید شرایط برای حضورش در زمین به عنوان مهاجم ذخیره بهتر شود. از سوی دیگر در هفته‌های اخیر امیرحسین محمودی به تیم پرسپولیس اضافه شده که می‌تواند در نبود مهاجم نوک روی نیمکت یک گزینه هیجان‌انگیز باشد که باید دید اوسمار چقدر به او اعتماد می‌کند. پرسپولیس جوان‌هایی مثل مجتبی فخریان و محمدحسین صادقی را هم در اختیار دارد که اسیر نیمکت، مصدومیت و حضور در تیم ملی امید بوده‌اند. البته فخریان شرایطی سخت‌تر از صادقی داشته و خیلی کم بازی کرده چرا که ماجرای انتقالش به او لطمه زده اما اوسمار روی این جوان‌ها هم می‌تواند حساب بیشتری باز کند و از نیروی جوانی آنها در رفرم مد نظرش بیشتر استفاده کند.

آمار جوان های پرسپولیس در ۹ بازی ابتدای فصل

امیررضا رفیعی: یک بازی ، یک بازی فیکس، ۹۰ دقیقه، ۸ بازی حضور روی نیمکت

محمد گندمی: ۵ بازی خارج از لیست، ۴ بازی روی نیمکت

محمدحسین صادقی: ۴ بازی به عنوان بازیکن ذخیره و جمعاً ۹۴ دقیقه، یک بازی روی نیمکت، ۴ بازی خارج از لیست

یعقوب براجعه: ۴ بازی، سه بار به عنوان بازیکن ثابت و جمعاً ۲۷۷ دقیقه، ۴ بازی روی نیمکت، یک بازی خارج از لیست

سهیل صحرایی: ۴ بازی هر ۴ بازی به عنوان بازیکن فیکس جمعاً ۳۳۹ دقیقه، ۴ بازی روی نیمکت، یک بازی خارج از لیست

علیرضا عنایت‌زاده: ۹ بازی روی نیمکت

امیرحسین محمودی: سه بازی روی نیمکت

مجتبی فخریان: یک بازی به عنوان بازیکن ذخیره به مدت ۶ دقیقه، ۴ بازی روی نیمکت، ۴ بازی خارج از لیست

ابوالفضل بابایی: ۴ بازی روی نیمکت، ۵ بازی خارج از لیست

ریکاوری گل گهر با نسخه تارتار

گل گهرسیرجان با صدرنشینی در هفته هشتم رقابت‌ها میزبان تراکتور تبریز بود و تراکتوری‌ها در حالی میهمان سیرجانی‌ها بودند که بازی قبلی خود مقابل نماینده امارات را با پیروزی ۵ بر صفر پشت سرگذاشته بودند. شاید کمتری کسی فکر می‌کرد که نتیجه تراکتور مقابل نماینده اماراتی مقابل گل گهر هم رقم بخورد. بخصوص که شاگردان مهدی تارتار نتایج خوبی کسب کرده بودند و اتفاقاً خوب هم فوتبال بازی می‌کردند. شکست ۵-۰ مقابل تراکتور یک نتیجه باورنکردنی برای مهدی تارتار بود. این شکست در حالی رقم خورد که آنها شروع خوبی در این بازی داشتند و توانستند حتی دقایقی به حریف مسلط شوند. اما اشتباه نابخشودنی و مهلک توماشوویچ که نمایش دور از انتظاری مقابل تراکتور داشت، امیرحسین حسین‌زاده را در موقعیت تک به تک قرار داد تا او گل اول را در دقیقه ۲۴ به ثمر برساند. پس از آن گل‌گهر برای جبران تلاش کرد اما نیمه اول با همین نتیجه خاتمه یافت. اشتباهات شاگردان تارتار در کنار نمایش خوب شاگردان اسکوچیچ شکست سنگینی را به تیم بالانشین گل گهر تحمیل کرد. این اشتباهات باورنکردنی باعث شد تا شیرازه گل‌گهر از هم پاشیده و آنها متحمل یک شکست باورنکردنی شوند که ناراحتی شدید کادرفنی این تیم را به دنبال داشت. این شکست می‌توانست هر تیمی را از هم بپاشد، اما مهدی تارتار در اقدامی حرفه‌ای همه چیز را گردن گرفت تا تیمش برای بازی آینده آماده باشد. تارتار با حرف‌هایی که بعداز بازی زد، تیمش را حفظ کرد و این رفتار تارتار، بردی برای گل گهر بعداز یک شکست سنگین بود.

آغاز مذاکره با بزرگان اروپا برای بازی تدارکاتی

در شرایطی که حدود یک ماه تا قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۲۶ زمان باقی مانده، هنوز تکلیف حضور نمایندگان ایران در مراسم قرعه‌کشی جام جهانی از طرف فیفا مشخص نیست و معلوم نیست که آیا به اعضای فدراسیون و کادر فنی تیم ملی ایران ویزا برای حضور در مراسم قرعه‌کشی اهدا می‌شود یا خیر. در این زمینه، مهدی محمدنبی نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال و سرپرست تیم ملی در خصوص شرایط نمایندگان ایران برای حضور در مراسم قرعه‌کشی جام جهانی به ایرنا گفت: «فرایند صدور ویزا مراحلی دارد که باید مسیر اداری آن طی شود. فیفا نیز در جریان پروسه حضور هیأت ایران در مراسم قرعه‌کشی هست. چه از طریق فیفا و چه روابط بین‌الملل فدراسیون در حال پیگیری صدور ویزا برای نمایندگان ایران هستیم. البته به جز فدراسیون‌هایی که کشورهایشان قانون لغو ویزا با امریکا دارند، سایر کشورهای صعودکننده به جام جهانی در حال طی کردن مسیر صدور ویزا هستند و عقب نیستیم. ما منتظر هستیم تا در این باره اقداماتی که باید صورت بگیرد، انجام شود.»

نبی همچنین افزود که حضور نمایندگان ایران در امریکا صرفاً برای مراسم قرعه‌کشی نخواهد بود: «البته حضور نمایندگان ایران صرفاً برای حضور در مراسم قرعه‌کشی در امریکا مطرح نیست. در کنار این مراسم، سمینارهای مختلف برگزار می‌شود و هیأت اعزامی، ۴، ۵ روز فشرده کاری در این کشور به دلیل برنامه‌های مختلفی که در نظر گرفته شده، خواهند داشت. همچنین بازدید از کمپ‌های تمرینی برای انتخاب کمپ تمرینی تیم ملی هم در برنامه سفر به امریکا قرار دارد.»

برگزاری دیدارهای تدارکاتی باکیفیت برای تیم ملی نیز یکی دیگر از دغدغه‌های اصلی هواداران است؛ تاکنون حضور تیم ملی در تورنمنت العین برای بازی‌های ماه آبان قطعی شده اما در ماه فروردین، باید شاهد تقابل احتمالی ایران با تیم‌های اروپایی حاضر در جام جهانی باشیم که پیش از این در یک مطلب مفصل به این موضوع پرداخته بودیم. نبی در این خصوص گفت: «در فیفادی آبان، بازی‌های بسیار خوبی تیم ملی خواهد داشت و محک جدی می‌خورد. درباره ادامه بازی‌های تدارکاتی تیم ملی منتظر قرعه‌کشی جام جهانی و مشخص شدن تیم‌های همگروه هستیم. پس از این مراسم با توجه به حریفان و تیم‌هایی گروهی که در آن قرار داریم، برنامه‌ریزی برای هماهنگی بازی‌های تدارکاتی تیم ملی در زمان باقی مانده وارد مرحله نهایی خواهد شد. درباره بازی با تیم‌های اروپایی هم در صورت نیاز اقدام می‌شود. اشاره کنم که مذاکره با تیم‌های اروپایی و تیم‌هایی که جزو قدرت‌های فوتبال دنیا هستند، آغاز شده و ادامه دارد و پس از نهایی شدن اعلام خواهد شد.»

مردودی بزرگ برای کمیته داوران

در حالی که از ابتدای فصل مسئولان کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران ادعا می‌کردند که قرار است در این فصل تمام مسابقات با استفاده از سیستم کمک‌داور ویدیویی برگزار شود، در برخی هفته‌ها شاهد نبود VAR در مسابقات لیگ برتر بوده‌ایم. در دو هفته اول لیگ، شاهد استفاده از سیستم کمک‌داور ویدیویی در همه بازی‌ها نبودیم و به تدریج و با برنامه‌ریزی بهتر، در تمام مسابقات از این سیستم استفاده شد. در دو هفته اخیر لیگ برتر اما بار دیگر شاهد عدم استفاده از سیستم کمک‌داور ویدیویی در برخی مسابقات لیگ برتر بوده‌ایم و بار دیگر استفاده از این سیستم با چالش‌هایی جدی مواجه شده است. در هفته هشتم لیگ برتر دیدار ملوان بندرانزلی و استقلال خوزستان بدون استفاده از سیستم VAR در ورزشگاه سیروس قایقران شهر بندرانزلی برگزار شد و در این هفته نیز شاهد برگزاری تقابل سپاهان و شمس‌آذر قزوین در ورزشگاه سردار آزادگان بدون استفاده از VAR بودیم.

برخورد توپ به دست بازیکنان سپاهان در یک موقعیت مشکوک نیمه دوم، باعث شد تا باشگاه شمس‌آذر با یک پوستر کنایه‌آمیز به این موضوع واکنش نشان دهد؛ تیمی که در هفته اول لیگ برتر نیز از نبود VAR در تقابل خود با استقلال خوزستان روی صحنه گل اول این تیم متضرر شده بود. حالا سؤال اینجاست که با توجه به محدودیت وجود دستگاه‌های VAR در کشور، چه اصراری به برگزاری شش مسابقه در یک روز از سوی سازمان لیگ وجود دارد؟ بویژه در هفته‌ای که هیچ‌کدام از دو تیم سپاهان و گل‌گهر که دارای دستگاه اختصاصی VAR هستند، میزبان نبودند و در این زمینه، عملاً دو دستگاه اختصاصی باشگاه‌ها از دسترس خارج شده‌اند. جالب اینکه فدراسیون فوتبال و مسئولان VAR وعده‌هایی در قبال خرید دستگاه از سوی سایر باشگاه‌ها نیز داده بودند اما این وعده‌ها تا به امروز عملی نشده است.

محسن حکیم رئیس کارگروه VAR فدراسیون فوتبال در خصوص شرایط فعلی این سیستم در ایران می‌گوید: «تاکنون در فصل جاری، موفق شدیم ۹۰ درصد مسابقات لیگ برتر را با استفاده از سیستم VAR برگزار کنیم که دستاوردی فوق‌العاده برای فوتبال کشورمان محسوب می‌شود. پارسال با چالش‌هایی مواجه بودیم، اما امسال با تلاش فراوان، این مشکلات را به حداقل رساندیم و خوشبختانه تا این مرحله، حدود ۹۰ درصد مسابقات بدون مشکل و با بهره‌گیری از VAR انجام شده است. با توجه به زیرساخت‌های موجود در ورزشگاه‌های کشور، توانستیم VAR را با بالاترین کیفیت ممکن ارائه دهیم و تقریباً در هر مسابقه به صورت میانگین، حضور مؤثر و بموقع داشته‌ایم. بنابراین در حوزه فناوری و ارائه زیرساخت‌های VAR، تمامی فرایندها تاکنون به شکل مطلوب و بدون مشکل پیش رفته است.» با این حال موفقیت زمانی رقم می‌خورد که بدون از بین رفتن یکپارچگی مسابقات، شاهد برگزاری ۱۰۰ درصد مسابقات با VAR باشیم.

استقلال فقط الحدادی و آسانی نیست

پیروزی مهم استقلال مقابل آلومینیوم اراک در هفته نهم در شرایطی رقم خورد که شاگردان ساپینتو با انگیزه‌ای دوچندان به میدان رفتند و توانستند برابر یکی از منظم‌ترین تیم‌های دفاعی این فصل لیگ برتر به برتری برسند.

آلومینیوم در هفته‌های اخیر عملکرد بسیار خوبی داشت و بسیاری این دیدار را یکی از آزمون‌های دشوار برای آبی‌پوشان می‌دانستند، اما شاگردان ساپینتو با نمایشی هوشمندانه و تیمی موفق شدند سه امتیاز کامل را از آن خود کنندو ۳ بار دروازه این تیم را باز کنند.

مهم‌تریـن نکته بعد از این برد، نه فقط نتیجه، بلکه واکنش جالب و حرفه‌ای ریکاردو ساپینتو در نشست خبری پس از بازی بود. سرمربی پرتغالی استقلال که معمولاً با احساسات و هیجان خاصی صحبت می‌کند، این بار با آرامش و پختگی مثال‌زدنی، از تمام بازیکنانش تمجید کرد و نشان داد در اوج فشار و رقابت، چگونه می‌توان تیمی متحد و همدل ساخت و البته با اظهارات خود دوگانگی ذهنی برای شاگردان ایجاد نکرد.

وقتی یکی از خبرنگاران درباره درخشش یاسر آسانی و منیر الحدادی سؤال پرسید، ساپینتو به‌جای تمرکز صرف بر ستاره تیمش، نگاهی جامع‌تر به ترکیب استقلال داشت و گفت:

«علیرضا کوشکی هم امروز بازی خوبی انجام داد. آنها بازیکنان خوبی هستند، یاسر آسانی بازیکنی ملی‌پوش است. منیر هم در تیم‌های بزرگی مانند بارسلونا بازی کرده و بازیکنی باکیفیت است. برخی از بازیکنان مثل رزاقی‌نیا جوان هستند و خوب بازی می‌کنند. سعید سحرخیزان هم خیلی خوب کار می‌کند. ما اسماعیل قلی‌زاده و محمدحسین اسلامی را نیز داریم. موسی جنپو هم هنوز مصدوم است و پس از تعطیلات به تیم اضافه می‌شود. همین‌طور روزبه چشمی که به تمرینات بازخواهد گشت.»

این جملات ساپینتو بیش از هر چیز پیام روشنی برای تیمش داشت: در استقلال همه دیده می‌شوند. او با هوشمندی خاصی تلاش کرد تا روحیه و انگیزه را در تمام بازیکنانش زنده نگه دارد. برخلاف بسیاری از مربیان که پس از برد، تنها نام چند چهره شاخص را بر زبان می‌آورند، ساپینتو آگاهانه نام بازیکنان جوان و نیمکت‌نشین را هم ذکر کرد تا به آنها بفهماند جایگاه‌شان در تیم محفوظ است و هر لحظه ممکن است نوبت درخشش آنها فرا برسد.

این نگاه، بازتابی از فلسفه مربیگری ساپینتو است؛ تیم‌محوری به جای ستاره‌محوری. او از زمان حضور در استقلال نشان داده که به دنبال ساختن تیمی با روحیه گروهی است، نه تکیه بر چند نام بزرگ. همین ویژگی سبب شده بسیاری از بازیکنان جوان استقلال با اعتماد به نفس بیشتری تمرین کنند و در زمان حضور در میدان، عملکردی فراتر از انتظار داشته باشند.

از سوی دیگر، لحن آرام و حساب‌شده ساپینتو در این نشست خبری، نشانه‌ای از بلوغ فکری و رشد شخصیتی او نیز بود. مربی‌ای که در فصول گذشته گاهی به تندی واکنش نشان می‌داد، حالا با تجربه بیشتر و شناخت عمیق‌تر از فضای فوتبال ایران، توانسته تعادل میان احساس و منطق را برقرار کند. او به‌خوبی دریافته که برای حفظ اتحاد تیم، باید همه بازیکنان احساس اهمیت کنند.

این رفتار حرفه‌ای، نه‌تنها در داخل تیم تأثیرگذار است، بلکه دروازه‌های تازه‌ای در استقلال پدید خواهد آورد. استقلالی‌ها حالا تیمی را می‌بینند که در آن همه بازیکنان بالانگیزه‌اند، همه در خدمت موفقیت تیم هستند و هیچ‌کس احساس نادیده شدن ندارد. چنین رویکردی در طول فصل می‌تواند بزرگ‌ترین برگ برنده ساپینتو باشد، بویژه در روزهایی که فشردگی بازی‌ها و مصدومیت‌ها گریبانگیر تیم‌ها می‌شود.

در واقع، ساپینتو با چند جمله ساده اما حساب‌شده نشان داد که نه‌تنها مربی تاکتیکی، بلکه مدیری قابل و روان‌شناسی کاربلد نیز هست. او می‌داند که برای قهرمانی، تنها تاکتیک کافی نیست؛ بلکه روحیه، همدلی و انگیزه جمعی است که تیم را تا قله می‌برد. درواقع سرمربی استقلال خواست در نشست خود این جمله را بیان کند: استقلال فقط آسانی و الحدادی نیست؛ استقلال مجموعه‌ای است از کوشکی، رزاقی‌نیا، قلی‌زاده، سحرخیزان، چشمی، رضاییان، اسلامی و همه بازیکنانی که در سایه تمرین می‌کنند تا در روز نیاز بدرخشند. همین نگاه، راز موفقیت ساپینتو و رمز آرامش امروز رختکن استقلال است.

رضاییان و حردانی دست راست ساپینتو

با اینکه رامین رضاییان در دیدار استقلال مقابل آلومینیوم اراک بار دیگر از روی نیمکت کار را آغاز کرد و در ادامه به عنوان بازیکن تعویضی وارد میدان شد، اما نمایش او در دقایق حضورش نشان داد که همچنان یکی از آماده‌ترین و باتجربه‌ترین بازیکنان استقلال به حساب می‌آید.

رضاییان هنگام تعویض با صالح حردانی، رفتاری کاملاً حرفه‌ای از خود نشان داد و بدون هیچ‌گونه دلخوری، با هم‌تیمی‌اش خوش‌وبش کرد. این رفتارسیگنالی واضح از بلوغ فکری و روحیه تیمی بالای اوست؛ ویژگی‌هایی که کمتر بازیکنی در شرایط مشابه از خود بروز می‌دهد.

پس از ورود به زمین، رامین با بازوبند کاپیتانی به عنوان یک بازیکن با انگیزه ظاهر شد و با اراده‌ای مضاعف در فاز هجومی و تدافعی عملکرد قابل‌توجهی داشت. او با دوندگی بالا، ارسال‌های دقیق و روحیه جنگندگی‌اش سعی کرد جریان بازی را به نفع استقلال حفظ کند و بار دیگر نشان داد که حتی در نقش بازیکن جانشین نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد.

رضاییان با احترام به تصمیمات ساپینتو ثابت کرده که اصول حرفه‌ای فوتبال را به‌خوبی می‌شناسد و تمرکز خود را تنها روی موفقیت تیم گذاشته است.

زمانی صالح حردانی نیمکت‌نشین او بود و حالا این شرایط برعکس شده، اما هیچ‌کدام از دو بازیکن واکنش منفی نشان نداده‌اند. همین روحیه رقابت سالم باعث شده استقلال در سمت راست زمین دو بازیکن آماده و بالانگیزه در اختیار داشته باشد؛ بازیکنانی که هر دو توانایی بازی در نقش مدافع و هافبک را دارند و با عملکردشان سطح تیم را بالا برده‌اند. این ثبات رفتاری و تعامل حرفه‌ای بین رضاییان و حردانی، می‌تواند یکی از نقاط قوت استقلال در مسیر پیش‌رو باشد. در تیمی که رقابت درون‌تیمی همراه با احترام و همدلی باشد، موفقیت‌های بزرگ‌تری رقم خواهد خورد و استقلال ساپینتو اکنون دقیقاً چنین شرایطی را تجربه می‌کند.

نخستین صحبت‌های آلوز پس از حضور در سپاهان

هافبک تازه‌وارد سپاهان از حضور در جمع طلایی پوشان ابراز خوشحالی کرد.

ریکاردو آلوز هافبک پرتغالی پیشین تراکتور با حواشی فراوان به سپاهان پیوست و باشگاه اصفهانی در میان اعتراض تراکتوری‌ها امروز به طور رسمی از او رونمایی کرد.

آلوز بعد از پیوستن به سپاهان در گفت و گویی با بخش رسانه‌ای این باشگاه اعلام کرد که از شرایط موجود خوشحال است. او گفت: «من خیلی هیجان‌زده هستم که به این تیم و باشگاه پیوستم. تمام تلاشم را برای این باشگاه خواهم کرد. خوشحالم از اینکه عضوی از این خانواده هستم.»

هافبک پرتغالی تازه وارد سپاهان همچنین بیان کرد: «بی صبرانه منتظر حضور در تمرینات هستم و بازی ها شروع شود تا انرژی موجود در این باشگاه را حس کنم و با هم بتوانیم کاری ویژه انجام بدهیم.»

مدافع استقلال در قطر جراحی می‌کند

مدافع ازبکستانی استقلال خواهان جراحی زانوی خود در قطر شده است.

رستم آشورماتوف مدافع ازبکستانی و تازه‌وارد استقلال در جریان تمرینات پیش‌فصل دچار مصدومیت شدید شد و بعد از پیگیری‌ها مشخص شد که با پارگی رباط صلیبی روبه‌رو است.آشورماتوف که با بدشانسی باید ماه‌ها دور از فوتبال باشد، احتمالا نامش از لیست تیم خارج خواهد شد و نیم فصل با بهبودی نسبی می‌تواند برگردد.

این مدافع ازبکستانی در آخرین خواسته خود از مسئولان استقلال ، خواهان جراحی در کمپ اسپایر قطر شده اما این مسئله هنوز با موافقت آبی پوشان مواجه نشده است.

مسئولان استقلال قصد دارند آشورماتوف را متقاعد به جراحی در داخل ایران کنند و به همین خاطر باید جلسه‌ای با او داشته باشند. از طرف دیگر استقلال هنوز اقدامی برای انجام جراحی مدافع ازبک در خارج از ایران انجام نداده و همه چیز به روزهای آینده موکول شده است.

خرید جدید استقلال خداحافظی کرد

سعید سحرخیزان با انتشار یک استوری احساسی، رسماً از هم‌تیمی‌هایش در اورنبورگ خداحافظی و برایشان آرزوی موفقیت کرد.

سعید سحرخیزان، مهاجم ایرانی باشگاه اورنبورگ، با انتشار یک استوری در صفحه اینستاگرامش، از هم‌تیمی‌های خود خداحافظی کرد و برای آن‌ها در ادامه مسیر آرزوی موفقیت کرد.

این خداحافظی نشان‌دهنده پایان رسمی حضور او در فوتبال روسیه و آغاز فصل جدیدی از دوران حرفه‌ای‌اش در ایران است. سحرخیزان که فصل گذشته عملکرد خوبی در لیگ برتر روسیه داشت، حالا پس از توافق کامل میان باشگاه استقلال و اورنبورگ، آماده بازگشت به فوتبال ایران شده است.

طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده، این بازیکن امشب وارد تهران می‌شود تا پس از حضور در باشگاه استقلال، قرارداد رسمی خود را امضا کرده و رسماً به‌عنوان یکی از خریدهای مهم تابستانی آبی‌پوشان معرفی شود.

مصدومیت ۲ هفته‌ای مدافع ملی‌پوش پرسپولیس

رئیس کمیته پزشکی پرسپولیس گفت: مرتضی پورعلی‌گنجی نیازی به جراحی ندارد و با گارد محافظ امکان انجام کامل تمرینات را هم خواهد داشت. دکتر فرید زرینه در گفتگو با سایت رسمی باشگاه پرسپولیس در ارتباط با وضعیت مدافع سرخپوشان اظهار داشت: آقای پورعلی گنجی در بازی دوستانه با تیم آلومینیوم اراک دچار آسیب‌دیدگی از ناحیه بینی شد. گرافی انجام شده یک شکستگی خطی را نشان داد.وی گفت: این نوع آسیب نیازی به جراحی نداشته و با مراقبت‌های لازم یک دوره درمان دو هفته‌ای دارد. او با گارد محافظ، امکان تمرینات با توپ را هم خواهد داشت و بدون گارد تمرینات بدون توپ می‌تواند انجام بدهد. استفاده از گارد برای محافظت و عدم تشدید آسیب در صورت برخورد توپ یا دیگر برخوردهای معمول در بازی فوتبال است.

ورود استقلال به لیگ بسکتبال

تیم فوتبال استقلال رسماً صاحب تیم بسکتبال شده و قرار است در فصل جدید رقابت‌های لیگ بسکتبال حضور یابد. مؤید این موضوع هم انتخاب یکی از بهترین مربیان داخلی است که باشگاه استقلال از این خبر رونمایی کرده است. باشگاه استقلال در این راستا به مصوبه هیأت‌مدیره اشاره کرده که در آن تأکید شده به تشکیل تیم‌های ورزشی به جز فوتبال در دو بخش آقایان و بانوان. به همین منظور تیم بسکتبال تشکیل شده و هدایت تیم بسکتبال آقایان استقلال به مهران شاهین طبع واگذار شده است. در عین حال باشگاه استقلال تیم بسکتبال بانوان خود را نیز راه‌اندازی کرده و قرار است مربیگری این تیم را فرزانه جمامی برعهده بگیرد.

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
شنبه ۲۳ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۸۰
صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین
مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی
چاپ: جام جم
آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶
تلفن: ۴۹۱۰۵۰۰۰-۰۲۱
گستره توزیع : سراسری
شرکت توزیع : نشر گستر

نیاز به چهره‌های تازه و نویسندگان جدید داریم

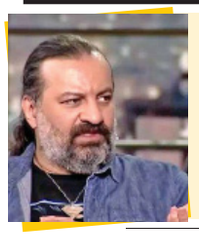

مهراب قاسم‌خانی، طنزنویس مطرح چند دهه اخیر برای تلویزیون و سینما، در گفت‌وگو با ایسنا درباره تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر برسانه‌های جمعی سخن گفت. فیلمنامه‌نویس «پاورچین» که مدتی از نوشتن برای تلویزیون دور مانده، درباره احتمال همکاری با این رسانه توضیح داد: در حال حاضر، حاضر نیستم به تلویزیون برگردم و کار کنم، ولی واقعا بحثم تحریم تلویزیون نیست.

نیاز به چهره‌های تازه و نویسندگان جدید داریم

تلویزیون مال ماست، مال تولیدکننده‌ها و مردم است و هیچ‌وقت مال مدیرانش نبوده است. در تمام سال‌هایی که بودم، آن صندلی‌هایی که از پشتشان به من می‌گفتند

اگر نرخ‌گذاری حق‌بیمه از حدود استطاعت اقشار متوسط و آسیب‌پذیر فراتر رود، آنچه امروز به‌صورت انگیزه و آگاهی در جامعه جوانه زده‌است.

چشم‌انداز بیمه تکمیلی در ۱۴۰۵

مرتضی اکبری- آیا بیمه درمان تکمیلی در سال ۱۴۰۵ مسیر تازه‌ای در پیش گرفته‌است؟ پس از تجربه‌های متعدد بیماری‌های فصلی و مزمن در سال ۱۴۰۴ و فشارهای مالی ناشی از درمان‌های پرهزینه، مردم به این نتیجه رسیده‌اند که پیشگیری بهتر از درمان است.

جامعه اکنون باتجربه‌های سال ۱۴۰۴، از یک نگرش منفعلانه به خدمات درمانی فاصله گرفته و به سمت مطالبه‌گری هوشمندانه برای پیشگیری و سلامت‌محوری حرکت کرده‌است. بیمه‌شدگان کیفیت، سرعت خدمات و پوشش‌های پیشگیرانه را معیار انتخاب خود قرار می‌دهند و شرکت‌های بیمه‌گر با طراحی بسته‌های نوین و ارائه خدمات ارزش‌افزوده، می‌توانند همگام با این تحولات، سلامت پایدار و کیفیت زندگی بالاتر را برای جامعه رقم بزنند. در راستای این بحث باید به یادداشت‌های اخیر دکتر وحید نوبهار، عضو میز تخصصی درمان پژوهشکده بیمه و همچنین دکتر نسرین حضار مقدم، عضو هیات‌علمی پژوهشکده بیمه نگاهی انداخت.

در فراسوی تمامی محاسبات فنی، الزامات نظارتی و فشارهای ساختاری که در سال‌های اخیر بر پیکره صنعت بیمه‌های درمان تکمیلی سایه افکنده‌اند، نیرویی عمیق‌تر در حال تغییردادن مسیر این بازار در سال ۱۴۰۵ است که برخاسته از درون جامعه و تحول در ذهنیت، رفتار و نظام ارزش‌گذاری مردمی که خود مصرف‌کنندگان اصلی این خدماتند. آنچه در ظاهر فقط نوسانات بازار و سیاست‌های بیمه‌گری به‌نظر می‌رسد، در حقیقت انعکاس یک جابه‌جایی تدریجی لکن قدرتمند در الگوی نگرش جمعی نسبت به مفهوم سلامت است که پس از آزمون‌های سخت سال ۱۴۰۴ از مرحله منفعل دریافت خدمت به مرحله فعال مطالبه آگاهانه تغییر یافته‌است. جامعه در این گذار بیمه درمان تکمیلی را بخشی از راهبرد شخصی و خانوادگی برای دسترسی پایدار به رفاه و امنیت سلامت تلقی می‌کند. با تغییر زاویه دید به‌تدریج موجب دگرگونی در ساختار تقاضا، ترکیب سبد پوشش‌ها و حتی انتظار برای شیوه پاسخ‌گویی شرکت‌های بیمه‌گر شده‌است. بیمه‌شدگان بیشتر می‌خواهند کیفیت خدمات، سرعت رسیدگی و اعتبار حرفه‌ای بیمه‌گر را بسنجند و فقط میزان تعهد پرداخت ملاک تصمیم آنها نخواهدبود، لذا درک و تبیین این تحولات اجتماعی به منزله شناخت تپش‌های اصلی حیات این صنعت است. اگر صنعت بیمه کشور بتواند این دگرگونی‌ها را در بطن رفتار و فرهنگ جامعه ردیابی کند؛ در واقع مسیر آینده را درک کرده‌است چراکه آنچه آینده بیمه درمان تکمیلی را رقم خواهد زد نحوه هماهنگی آن با دگرگون‌شدن ادراک جمعی از سلامت و امنیت انسانی است، لذا فهم این دینامیک‌های اجتماعی کلید گشودن رمز پایداری و رشد در افق ۱۴۰۵ خواهد بود.

چرخش نگاه جامعه به بیمه

سال ۱۴۰۴ را می‌توان نقطه‌عطف در رابطه میان مردم و نظام سلامت دانست که در آن تجربه‌های مکرر بیماری‌های فصلی و همزمان، مواجهه جامعه با بیم و امیدهای ناشی از شیوع مجدد یا تشدید بیماری‌های مزمن و پرهزینه، نوعی بازاندیشی جمعی درباره معنا و ارزش سلامتی را برانگیخت. تاثیر این وقایع به بیماران یا خانواده‌های درگیر محدود نشد و به واسطه موج خبری و گفت‌وگوهای عمومی یا شبکه‌های اجتماعی به سطح بالاتری از تجربه فردی ارتقا یافت و به دغدغه‌ای اجتماعی بدل شد. ذهنیت جامعه که پیش‌تر ممکن بود نسبت به بیمه درمان تکمیلی رویکردی گزینشی یا حداقلی داشته‌باشد، اینک در زمینه تجربه‌های متعدد اهمیت پشتوانه مالی در زمان بحران را از سطح نظر به مرتبه نیاز ضروری ارتقا داد. این تحول را می‌توان نوعی بیدارباش سلامتی نامید که هوشیاری تازه است که از دل فشارهای عینی برآمده و به‌جای توصیه از تجربه سخن می‌گوید، لذا افق تازه‌ای پیش‌روی بازار بیمه‌های درمان تکمیلی در سال ۱۴۰۵ گشوده شده‌است. جامعه‌ای که تا پیش از این دربرابر بیمه‌ها گاه با بی‌اعتمادی یا بی‌تفاوتی برخورد می‌کرد، اکنون مطالبه‌گرتر، آگاه‌تر و هدفمندتر شده‌است. تقاضا برای پوشش‌های درمانی گسترده‌تر، خدمات سریع‌تر و امنیت مالی قابل‌اتکاتر به‌طور طبیعی در مسیر رشد قرارگرفته‌است. لکن این فرصت پویایی در صورتی به‌دستاوردی پایدار بدل می‌شود که صنعت بیمه بتواند میان دو قطب حیاتی-توان پرداخت مردم و پایداری مالی شرکت‌های بیمه گر- تعادل هوشمندانه‌ای برقرار سازد.

باید گفت اگر نرخ‌گذاری حق‌بیمه از حدود استطاعت اقشار متوسط و آسیب‌پذیر فراتر رود، آنچه امروز به‌صورت انگیزه و آگاهی در جامعه جوانه زده‌است، ممکن است به سرخوردگی بدل شود. افزایش شناخت نسبت به ارزش بیمه به‌معنای افزایش قدرت خرید بیمه نبوده و هرگونه بی‌توجهی به این فاصله می‌تواند بخش قابل‌توجهی از تقاضای بالقوه را به حاشیه براند، لذا ارتقای ضریب نفوذ این رشته بیمه در سال ۱۴۰۵ در بازتعریف دقیق رابطه میان قیمت، ارزش و دسترسی نهفته است. بیمه‌گران ناگزیرند مفهوم توان خرید منصفانه را به بخشی از راهبرد فروش و پایداری خود تبدیل کنند. می‌توان این دوره را نقطه اتصال میان دو لایه از واقعیت دانست، لایه ذهنی که شامل درک جامعه از اهمیت بیمه است و لایه مادی که شامل امکان پرداخت و مشارکت واقعی مردم می‌شود. وقتی این دو لایه با هم‌تراز شوند، بیدارباش سلامتی از مرحله آگاهی همگانی عبور کرده و به موتور محرکه برای گسترش واقعی رشته بیمه درمان تکمیلی بدل خواهدشد.

پیشگیری بهتر از درمان است

نکته قابل‌توجه دیگر این است که همزمان با گسترش آگاهی عمومی در مورد اهمیت داشتن پوشش‌های بیمه‌ای، تحول عمیق در نحوه نگرش جامعه به سلامت در حال پیدایش است که عبور از یک رویکرد درمان‌محور به سمت رویکرد سلامت‌محور و پیشگیرانه را نشان می‌دهد. این گذار به‌تدریج در حال شکل‌گیری است و افراد به این نکته کنکاش‌گرانه پی می‌برند که سرمایه‌گذاری در پیشگیری و حفظ سلامتی علاوه‌بر مسائل اقتصادی به‌وضوح کیفیت زندگی را نیز افزایش می‌دهد، لذا تغییر رویکرد به‌وضوح بر الگوهای مصرف خدمات درمانی تاثیرگذار خواهد بود. عموم مردم در گذشته به‌دنبال تامین خدمات درمانی در زمان بروز مشکلات و بیماری‌ها بودند لکن اکنون رویکردها به سمت شناخت و مدیریت بهتر سلامت فردی تغییر یافته‌است. افراد در پی اتخاذ رفتارهایی هستند که زمینه‌ساز سلامتی پایدار شوند که می‌توان به شرکت در برنامه‌های آموزشی جهت ارتقای سبک زندگی، مراجعه منظم به پزشک برای چکاپ‌های دوره‌ای و انتخاب رژیم غذایی سالم‌تر اشاره کرد. با برقراری این تغییر در رویکرد مصرف، تقاضا برای خدمات پیشگیری و مشاوره نیز در حال افزایش است.

درمان فوری و استفاده از خدمات پزشکی به‌عنوان راه‌حلی برای مشکلات سلامت به‌تدریج جای خود را به مشاوره‌های پیشگیرانه، آموزش بهداشت و برنامه‌های تندرستی می‌دهد. این خدمات علاوه‌بر کاهش بیماری‌ها و هزینه‌های درمانی به ارتقای کیفیت زندگی و بهبود حس عمومی از سلامت در جامعه منجر می‌شود. گذار به سمت سلامت‌محوری هم نیازمند تغییر در نگرش‌های فردی و هم نیازمند حمایت سیستم اجتماعی و هجرت سازمان‌های بیمه‌گر و خدمات درمانی به سمت ارائه خدماتی است که تاکید بیشتری بر پیشگیری، آموزش و ارتقای سلامت دارند. پیامد آن می‌تواند به ایجاد یک نظام سلامت پایدار و کارآمد منجر شده که به نیازهای واقعی و عمیق مردم پاسخ دهد.

محور تازه مدیریت سلامت

انتظار می‌رود در سال ۱۴۰۵ گرایش فزاینده‌ای به سمت چکاپ‌های منظم و جامع سلامتی مشاهده شود. افراد به‌تدریج به اهمیت شناسایی زودهنگام عوامل خطر و بیماری‌ها پی خواهند برد و این درک جدید آنها را به سمت انجام معاینات دوره‌ای و غربالگری‌های سلامت سوق خواهد داد. این تغییر در نگرش به‌نوعی آگاهی جمعی است که بر اهمیت پیشگیری و مراقبت‌های پزشکی مستمر تاکید می‌کند. اکنون بیمه‌شدگان به این نتیجه رسیده‌اند که پیشگیری به‌مراتب از درمان هزینه‌برتر نبوده و سرمایه‌گذاری بر روی سلامت در بلندمدت می‌تواند منجر به کاهش ریسک ابتلا به بیماری‌های جدی و پرهزینه شود. تمایل به شرکت در چکاپ‌های سلامت نیازمندی‌های جدیدی را برای صنعت بیمه به‌وجود خواهد آورد.

شرکت‌های بیمه‌گر باید به این تغییرات توجه کرده و پوشش‌های مناسبی را برای این قبیل خدمات درنظر بگیرند. این پوشش‌ها علاوه‌بر معاینات اولیه و غربالگری‌های رایج باید امکاناتی برای آزمایش‌های تخصصی‌تر و خدمات مشاوره‌ای نیز ارائه دهند. با ایجاد بسته‌های بیمه‌ای که شامل این نوع خدمات پیشگیرانه و جامع باشد، بیمه‌گران می‌توانند به نیازهای جدید مشتریان پاسخ‌داده و به ارتقای سطح کیفی زندگی و سلامت جامعه کمک کنند. از سوی دیگر فراهم‌آوردن این خدمات توسط شرکت‌های بیمه‌گر می‌تواند نقش حیاتی در کاهش فشارهای مالی مربوط به درمان‌های اورژانسی و هزینه‌های بیمارستانی ایفا کند، لذا چکاپ‌های منظم به‌عنوان یک راهبرد موثر برای مدیریت سلامت و کاهش هزینه‌های بلندمدت به رسمیت شناخته خواهند شد. این رویکرد هم برای بیمه‌گران و هم برای جامعه نیز یک نقطه‌قوت محسوب شده چراکه می‌تواند به ارتقای سلامت همگانی و کاهش‌بار سیستم درمانی منجر شود، لذا سال ۱۴۰۵ را می‌توان به سالی مبدل کرد که در آن تاکید بر پیشگیری و سلامت‌محوری به یک اصل‌اساسی در الگوی مصرف خدمات درمانی بدل می‌شود و از آن می‌توان به‌عنوان مقطع زمانی کلیدی در تحول نظام سلامت کشور یاد کرد.

همچنین در سال ۱۴۰۵ پیش‌بینی می‌شود که تقاضا برای خدمات تشخیصی و پاراکلینیکی فعال به‌طور قابل‌توجهی افزایش یابد. این تغییر ناشی از افزایش آگاهی همگانی درباره بیماری‌های مزمن و پرهزینه است که عموم مردم را نسبت به نیاز به شناخت و شناسایی زودهنگام ریسک‌ها و مشکلات سلامتی حساس‌تر کرده‌است. خدمات تشخیصی پیشرفته همچون آزمایش‌های ژنتیک، تصویربرداری‌های دقیق و تست‌های تخصصی به ابزار کلیدی برای شناسایی خطرات سلامتی در مراحل اولیه تبدیل خواهند شد. این رویکرد فعال در تشخیص بیماری‌ها علاوه‌بر افزایش کیفیت مراقبت‌های بهداشتی، احتمال موفقیت درمان‌ها را نیز به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد، لذا ایجاد پوشش‌های بیمه‌ای مناسب برای این نوع خدمات به شرکت‌های بیمه‌گر کمک می‌کند تا به نیازهای روزافزون مشتریان خود پاسخ‌داده و در عین‌حال ازبار مالی سنگین درمان‌های پرهزینه بکاهند.

علاوه بر این انتظار می‌رود با پیشرفت علم پزشکی و توسعه روش‌های نوین درمانی، اولویت به درمان‌های سرپایی و کم‌تهاجمی افزایش‌یافته و از سوی دیگر هزینه درمان بستری برای بیمه‌گران کاهش یابد. این نوع درمان‌ها که به بیماران این امکان را می‌دهند که پس از انجام درمان سرپایی به‌سرعت به خانه بازگردند و کمتر در روند زندگی روزمره خود مختل شوند، برای بیماران جذابیت بیشتری خواهند داشت. دوره نقاهت کوتاه‌تری که این روش‌ها ارائه می‌دهند، توانایی افراد را برای ادامه فعالیت‌های روزانه‌شان حفظ می‌کند و به کاهش هزینه‌های مربوط به بستری در بیمارستان‌ها کمک می‌کند. همچنین با توجه به کاهش زمان و هزینه‌های مربوط به مراقبت‌های سرپایی، بیماران بیشتر به خدمات درمانی دسترسی پیدا کرده و انگیزه بیشتری برای پیگیری سلامت خود خواهند داشت.

تمرکز بر کیفیت زندگی

به‌طور کلی می‌توان گفت روندهای مذکور ممکن است به تحول اساسی در نحوه ارائه و مصرف خدمات درمانی منجر شده و از آنجا که بیمه‌ها و خدمات درمانی به سمت تامین بیشتری از نیازهای پیشگیرانه و درمانی حرکت می‌کنند، جامعه نیز به‌تدریج از مزایای محسوس این تحولات بهره‌مند خواهدشد. تحولات پیش‌بینی‌شده در الگوهای مصرف خدمات سلامت، تاثیر مستقیم و قابل‌توجهی بر ترکیب خسارت‌های پرداختی (Loss Ratio Composition) شرکت‌های بیمه‌گر خواهند داشت. در سال ۱۴۰۵ کاهش خسارات مربوط به بستری‌های سنگین و بلندمدت که بیشتر در بخش‌های درمان‌های بیمارستانی و جراحی‌های پرهزینه رخ می‌دهد، در کنار رشد خسارات مرتبط با خدمات تشخیصی، غربالگری، درمان‌های سرپایی و اقدامات پیشگیرانه، از جمله روندهای کلیدی خواهند بود. با تغییر روند شرکت‌های بیمه‌گر وادار خواهندشد تا در راهبردهای محصول و مدیریت ریسک خود تجدیدنظر کرده و طراحی محصولات نوین بیمه‌ای را درنظر گیرند تا تمرکز بیشتری بر پوشش خدمات پیشگیرانه، آزمایش‌های تشخیص اولیه و درمان‌های کم‌تهاجمی داشته‌باشند چراکه این موارد در آینده نقش مهم‌تری ایفا خواهند کرد، بنابراین در این مسیر ارائه خدمات ارزش‌افزوده (Value-Added Services) علاوه‌بر مزیت رقابتی، یک ضرورت استراتژیک محسوب شده و می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- برنامه‌های جامع سلامت‌یاری (Wellness Programs) که بر ترویج سبک زندگی سالم، تغذیه مناسب و ورزش تاکید کرده و با تشویق بیمه‌شدگان به اقدامات پیشگیرانه، هزینه‌های بلندمدت را کاهش می‌دهند.
- مشاوره‌های پزشکی برخط که دسترسی سریع و آسان به راهنمایی‌های تخصصی را فراهم‌آورده و بیمه‌شدگان را در کنترل سلامت خود یاری می‌دهند.
- توسعه شبکه‌های درمانی طرف قرارداد با تخفیف‌های ویژه برای خدمات پیشگیرانه، معاینات دوره‌ای و خدمات آزمایشگاهی تا هم بیمه‌شده و هم شرکت بیمه از این فرصت بهره‌مند شوند.

هدف اصلی این تحول، گذار از الگوی جبران خسارت مطلق به یک الگوی فعال در حفظ و ارتقای سلامت است. بیمه‌گر و بیمه‌گذار در الگوی نوین در یک مسیر مشترک برای دستیابی به سلامت پایدار گام برمی‌دارند که در آن تمرکز بر پیشگیری، سلامتی و کاهش ریسک‌های بلندمدت جایگزین صرف هزینه‌های درمانی کلان می‌شود. با این رویکرد هم سودآوری و پایداری شرکت‌های بیمه‌گر تضمین‌شده و هم به ارتقای کیفیت زندگی بیمه‌شدگان و جامعه خواهد انجامید.

«شروین حاجی‌پور» بازیگر شد

شروین حاجی‌پور، خواننده‌ای که اولین بار در برنامه عصر جدید روی صحنه رفت و با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شد، به دنیای بازیگری پیوست.

حاجی‌پور به همراه پریناز ایزدیار نقش‌های اصلی فیلم «بن سای» به کارگردانی علی بهراد را بازی می‌کنند.

بهراد که پیش از این فیلم‌های «تصور» و «تهران کنارت» را ساخته، از هفته آینده سومین فیلمش را به تهیه کنندگی رضا فتح‌الهی کلید می‌زند.

معرفی نامزد ایرانی جایزه «من می‌خوانم»

علی‌اصغر سیدآبادی از سوی شورای کتاب کودک به عنوان نامزد جایزه جهانی IREAD (من می‌خوانم) ۲۰۲۶ معرفی شد.

شورای کتاب کودک پس از اعلام فراخوان و طی مراحل داوری و بررسی در گروه جوایز ترویج برای بار دوم «علی‌اصغر سیدآبادی» را برای دریافت جایزه IREAD (من می‌خوانم) معرفی کرد.

بنیاد «شن ژن» در چین و دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY)، اخیرا جایزه‌ای به نام IREAD (من می‌خوانم) را برای مروجان برجسته کتابخوانی بنیان نهاده‌اند که به منظور تشویق و ایجاد تعهد پایدار در قبال ترویج کتابخوانی و با امید ترویج کتابخوانی برای مردم کره زمین به فعالان این عرصه اهدا می‌شود. این جایزه مشوق افرادی است که حداقل سه سال، با نوآوری و خلاقیت، درزمینه خواندن و شیوه‌های مختلف آن، با کودکان و نوجوانان فعالیت کرده باشند و فعالیتشان تداوم داشته باشد. نامزدهای این جایزه را در ایران شورای کتاب کودک-شاخه ملی دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) - تعیین و معرفی می‌کند.

داوران گروه جوایز ترویج شورای کتاب کودک، علی‌اکبر بهار، جعفر توزنده‌جانی، فاطمه چایکار، رویا شهری، لیلا کفاش‌زاده و ندا موحدی‌پور هستند.

ادبیات ترجمه کره جنوبی رکورد زد

گزارش تازه مؤسسه ترجمه ادبیات کره نشان می‌دهد که فروش خارجی کتاب‌های کره‌ای در سال ۲۰۲۴ با جهشی ۱۳۰ درصدی نسبت به سال قبل آن، به رکورد تاریخی ۱.۲ میلیون نسخه رسید.

فروش ادبیات کره‌ای در بازارهای بین‌المللی در سال ۲۰۲۴ بیش از دوبرابر شد؛ موجی از علاقه‌مندی جهانی به آثار کره‌ای و کسب جایزه تاریخی نوبل توسط هان کانگ نقش کلیدی در این جهش داشت.

بر اساس داده‌های تازه منتشرشده توسط موسسه ترجمه ادبیات کره (LTI Korea)، کتاب‌هایی که با حمایت مالی این مؤسسه برای ترجمه و انتشار منتشر شده‌اند، در سال گذشته حدود ۱.۲ میلیون نسخه در خارج از کشور فروش داشته‌اند. این رقم نسبت به سال ۲۰۲۳ که ۵۲۰ هزار نسخه بود، رشدی بیش از ۱۳۰ درصد را نشان می‌دهد.

نتایج این بررسی همچنین حاکی از آن است که در فاصله سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴، در مجموع ۹۴۲ عنوان کتاب در ۴۰ زبان مختلف به فروش رسیده و در مجموع ۲.۶۸ میلیون نسخه فروخته‌اند؛ این عدد ۷۳۰ هزار نسخه بیشتر از دوره پنج‌ساله قبلی (۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳) است.

سال ۲۰۲۴ از نظر تعداد عناوین منتشرشده و فروش کلی سالی استثنایی بود. میانگین فروش هر کتاب به رکورد ۱,۲۷۱ نسخه رسید و ۴۵ عنوان بیش از ۵ هزار نسخه و ۲۴ عنوان بیش از ۱۰ هزار نسخه فروختند.

در میان پرفروش‌ترین‌ها می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

(درس‌های یونانی) نوشته هان کانگ (ترجمه انگلیسی)

(خشکشویی خندان یون‌نام-دونگ) نوشته کیم جی-یون (ترجمه انگلیسی)

(گوله برفی) نوشته پارک سو-یونگ (انگلیسی)

(فروشگاه رؤیاهای دالرگات) نوشته لی می-یه (ترجمه فرانسوی)

فروشگاه مواد غذایی فرصت دوباره) نوشته کیم هو-یون (ترجمه آلمانی)

(دم باشکوه روباه) نوشته سون وون-پیونگ (ترجمه روسی)

موفقیت هان کانگ و دریافت جایزه نوبل ادبی ۲۰۲۴، بنا بر اعلام موسسه ادبیات کره، نقطه عطفی در گسترش جهانی ادبیات کره‌ای بوده است. آثار این نویسنده که با حمایت این نهاد به ۲۸ زبان ترجمه و در ۷۷ نسخه منتشر شده‌اند، در سال گذشته به‌تنهایی حدود ۳۱۰ هزار نسخه فروش داشته‌اند.

علاقه‌مندی به آثار او تنها محدود به انتشارهای جدید نبود؛ فروش بین‌المللی کتاب‌های منتشرشده پیش از ۲۰۲۳ نیز پنج‌برابر افزایش یافت و از حدود ۳۰ هزار نسخه در سال ۲۰۲۳ به ۱۵۰ هزار نسخه در سال ۲۰۲۴ رسید.

آغاز تولید انیمیشن سینمایی «بچه‌های جنگ»

با پویانمایی «بچه‌های جنگ»، جنگ تحمیلی ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی در قالب فیلم سینمایی روایت می‌شود.

طبق گزارش رسیده، مجموعه مهوا، تولید اولین انیمیشن سینمایی با موضوع جنگ ۱۲ روزه تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران را با عنوان «بچه‌های جنگ» آغاز کرده است.

اینفوگرافیک

به دنبال حملات متجاوزانه آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، شوک‌های مختلفی به اقتصاد جهانی وارد شده است. به گفته تحلیلگران این مساله «فشارهای تازه‌ای بر دوش سیاستگذاران در سراسر جهان می‌گذارد.

عکس نوشت

تشییع پیکر مطهر ۵ شهید جنگ رمضان - همدان

کارتون

خسارات ناشی از تجاوز هوایی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران - شیراز